

آموزشی ابداری

وزارت آموزش و پرورش
مادان پدافند هم‌سوی آموزش
مقر سازمانت و خدمات آموزشی

ISSN : 1606-9102

ماهنامه ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی
برای آموزگاران، دانشجو معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره ی بیست و چهارم | شماره ی پی در پی ۱۹۲ | صفحه ۴۸
www.roshdmag.ir | ریال ۲۵۰۰۰

• در همسایگی نیروز
• پای درس خاطرات
• علم، نور است





شرح صدر:

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي * وَأَحِلُّ عُقْدِي مِنْ لِسَانِي * يَفْقَهُوا قَوْلِي (طه: ۲۵-۲۸)
پروردگارا! سینه‌ام را گشاده گردان و کارم را آسان ساز و گره از زبانم بگشای تا سخن مرا بفهمند.

خوشا دردی که درمانش تو باشی	خوشا راهی که پایانش تو باشی
خوشا چشیمی که رخسار تو ببیند	خوشا تُلکی که سلطانش تو باشی
خوشی و خسریمی و کامرانی	کسی دارد که خواهانش تو باشی
چه باک آید ز کس آن را که او را	نگهدار و نگهبانش تو باشی



آموزشی ابتدایی

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای آموزگاران، دانشجوی معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره‌ی بیست و چهارم | شماره‌ی بی‌دری | ۱۹۲ | صفحه ۴۸ | ۳۵۰۰ | روال | www.roshdmag.ir

فهرست

- ۲ کنار آمدن زندگی با هنجار جدید آموزش!
- ۴ پای درس خاطرات
- ۶ در همسایگی نیروز
- ۸ وفاق اجتماعی
- ۱۰ علم، نور است
- ۱۲ عبور از غرور
- ۱۴ وقتی آقایی جگینی سفر رفت
- ۱۶ احترام به تفاوت‌های فردی!
- ۱۹ نیم‌رخ اجتماعی کلاس من!
- ۲۲ بنویسیم اما نخوانیم
- ۲۶ الفبایی پویایی و هیدلی
- ۲۹ شوق را دوست ندارم
- ۳۰ مزرعه‌ی وسط کلاس
- ۳۴ مراقب شوک انگیزشی باشید!
- ۳۶ گردشگری مسئولانه و حفظ محیط زیست در سفر
- ۳۸ نقشه‌ی ذهنی
- ۴۰ رفاقت‌هاست که می‌ماند
- ۴۳ عینک مینا
- ۴۴ کتابخونه‌ی تاریک و خلوت!
- ۴۸ با در و دیوار سخنگو

به نام خدا

اللهم صل علی محمد و آل محمد

مدیر مسئول: محمد ابراهیم محمدی

سر دبیر: اصغر ندیری

شورای برنامه‌ریزی: احمد رضا آذربایجانی

لیلا سلیقه‌دار، مقصود رزم‌آرای شرق

مدیر داخلی: مریم شهرآبادی

ویراستار: کبری محمودی

مدیر هنری: کوروش پارسا نژاد

طراح گرافیک: وحید حقی

دبیر عکس: پرویز قراگوزلی

نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶

تلفن: ۸۸۸۳۹۱۷۸ - ۰۲۱

۹ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ - ۰۲۱ (داخلی ۴۲۹)

نماینده: ۱۴۷۸ - ۸۸۳۰ - ۰۲۱

وبگاه اختصاصی: www.eb.roshdmag.ir

وبگاه: www.roshdmag.ir

پیام‌نگار: ebtedayi@roshdmag.ir

چاپ و توزیع: شرکت افست

صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱

تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۶۷۳۰۸ - ۰۲۱



قابل توجه نویسندگان و مترجمان:

- مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی - تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشند و نباید قبلاً در جای دیگری چاپ شده باشند.
- مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی هم‌خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن‌ها باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله یک خط در میان، بر یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار «ورد» و روی «الوح فشرده» و یا از طریق پیام‌نگار مجله ارسال شوند. ● نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قراردادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. ● کلمات حاوی مفاهیم نمایه (کلید واژه‌ها) از متن استخراج و روی صفحه‌ی جداگانه نوشته شوند. ● مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و سوتیتر باشد. ● معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم، عناوین و آثار وی پیوست شود. ● لازم به ذکر است مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست. ● علاوه بر این نکات، ضروری است به نکات مهم‌تری که در صفحه‌ی ۴۶ درج شده، توجه فرمایید.

کنار آمدن زندگی با هنجار جدید آموزش!



اصغر ندیری

با تغییرات غیرمنتظره‌ای که بر اثر آن آسیب‌هایی بر نظام تعلیم و تربیت وارد شده‌اند، تحصیل و نگهداری فرزندان نیز دستخوش چالش‌هایی است. مسئولان و خانواده‌ها در پی این رویدادها برای جلوگیری از خسارت‌های جبران‌ناپذیر تعطیلی مدرسه یا مکان‌های آموزشی، به اعمالی دست می‌زنند.

در نیمه‌ی دوم سال ۹۸ فکر نمی‌کردیم با استلزام عملی پدیده‌ی «دوری و دوستی» در قالب «پروتکل یک و نیم متر دوری و ادامه‌ی دوستی»، مواجه شویم و با دوری از جامعه و ماندن در منزل، ادامه‌ی تحصیل در خانه را به تجربه‌ای ویژه بدل کنیم. این وضعیت که قبلاً وضعیتی ناآشنا یا وامانده در لابه‌لای برخی موضوعات کتاب‌ها بود، حال و به پیش‌بینی برخی، ممکن است مدت‌ها با ما باشد و احتمالاً عادی شود. براساس پیش‌بینی‌های رسمی و غیررسمی تخمین زده می‌شود در این وضعیت تقریباً تمامی دانش‌آموزان از حضور در مدرسه محروم شوند.

بسیاری از پدران و مادران، شرایط جدید و مراقبت از فرزندان، تبدیل خانه به مدرسه، و وادار کردن فرزندان به انجام تکالیف درسی و کار در منزل را بسیار دشوار می‌بینند. آن‌ها معمولاً در توجه به فرزندان و تلاش برای ایجاد شرایط نسبی قابل تحمل در خانه و پیگیری تحصیل و سلامت روانی

کودکان و در عین حال حفظ شغل، با مشکلاتی مواجهند. چه کنیم که تا حدی از تبعات بحران کنونی در خانه ماندن و تحصیل مجازی فرزندان در خانه بکاهیم؟

کار کردن در خانه شاید بتواند به بزرگ‌ترها اجازه دهد هر روز صبح زود، هنگام خواب‌بودن کودکان، وظایف شغلی خود را انجام دهند، اما این نیز به زیرساخت‌هایی نیاز دارد و برخی فرهنگ‌ها و جوامع نیز به کارایی آن بدبین‌اند.

چه ساعتی همه‌ی اهل خانه باید بیدار شوند؟ من در خانه‌ی خودمان ساعت را روی زمان مناسب و مورد توافق همه کوک کرده‌ام، اما آیا بیرون از خانه‌ی ما هم همه چیز رو به راه است؟ برای تماشای برنامه‌های «تلویزیون» که این روزها از ارکان زندگی شده است، چه برنامه‌ای داریم؟ مطمئناً اگر برنامه‌ای مشترک و همگانی نداشته باشیم، بچه‌ها به سرعت به شرایط غیر برنامه‌ریزی شده روی می‌آورند و آن وقت وادار کردن آنان به درس خواندن تقریباً غیر ممکن می‌شود.

سلاستی مهم است!

زمان‌هایی را برای پیاده‌روی برنامه‌ریزی کنید. خانه‌ها هرچند کوچک، اما محلی امن برای انجام نرمش و ورزش‌های ساده‌اند. قراردادن تحصیل و آموزش در کنار فعالیت‌های منظم جسمی، یادگیری را نیز کنترل می‌کند. در کنار توجه به این ضرورت، زمانی

سخاوتمندانه دست یاری به سوی آن‌ها دراز کنید و راهبرشان باشید. در این صورت، بدانیم که به فرزندان میهن خود کمک کرده‌ایم تا از تحصیل و پیشرفت عقب نیفتند. یادی هم بکنم از آموزگار دخترم که در ایام آموزش مجازی در پی شیوع ویروس کووید ۱۹، خط ارتباطی خود را با خانواده‌های دانش‌آموزان به‌طور آنلاین و ۲۴ ساعته، و بی‌منت و خستگی، بازگذاشته بود و به معنای واقعی کلمه کلاسش دایر بود. او حتی چنان نگاه مهارتی و توسعه‌محوری داشت که گاه برنامه‌های ساده‌ی آشپزی، ساخت کاردستی، خیاطی با پارچه‌های دورریز و نقاشی را با دانش‌آموزانش برگزار می‌کرد. اگر یکی از مخاطبانش دیرتر جواب می‌داد، او با حفظ شأن افراد، سر شوخی را باز می‌کرد و می‌نوشت: «کی خسته است؟» مسلماً کسی نمی‌خواست به جای دشمن باشد. و ما بیشتر در جوابش صورتک خنده و تشویق ارسال می‌کردیم. برای برقراری ارتباط معنادار، زمان را غنیمت بشمارید. یک مثل قدیمی می‌گوید: «خنده بر هر درد بی‌درمان دواست.» معمولاً پذیرش شرایط جدید، به مثابه‌ی یک هنجار، دشوار است، اما اگر بپذیریم زندگی گهگاه شکل‌های دیگر خود را نشان می‌دهد، و اگر به دنبال راه‌هایی تازه برای شناخت مشکل و درمان آن باشیم، این پذیرش برایمان آسان‌تر خواهد بود.

راهم برای درس‌های فوق برنامه و حتی آموزش بهداشت و کنترل مصرف بی‌رویه‌ی آب در نظر بگیرید. الان زمان مناسبی است برای یادگیری بهداشت فردی و جمعی در خانه، و دانش‌آموزان می‌آموزند که آنچه در خانه می‌گذرد، به احتمال زیاد روی افراد دیگری هم اثر دارد.

من، به‌عنوان ولی یا آموزگار دانش‌آموز، با همین چند توصیه و دستورالعمل دوستانه و خودمانی توانستم خودکنترلی را در چند دانش‌آموز اطراف خودم به منصه‌ی ظهور بگذارم. شما هم انجام دهید؛ اما برای ایجاد این خودشکوفایی در کودک، تشویق و جایزه رافراموش نکنید. کم‌کم خواهید دید فرزندان ما چند مهارت جدید به دست آورده‌اند و دارند به آن‌ها عمل می‌کنند: سحرخیزی ایام همه‌گیری؛ رعایت فاصله‌ی امن؛ شست‌وشو و رعایت بهداشت فردی و گروهی با در نظر گرفتن اصل صرفه‌جویی.

فاصله‌ی اجتماعی به معنای فاصله‌گیری نیست

رعایت فاصله‌ی اجتماعی به معنای بی‌توجهی نسبت به سرنوشت و نیازهای دیگران نیست. افرادی هستند که به دلیل گرفت‌و‌گیری‌های مالی یا خانوادگی، در شرایط محرومیت یا نابرخورداری از امکانات آموزش مجازی به‌سر می‌برند. اگر در همسایگی‌تان مادر یا پدری نمی‌تواند از تلفن همراه و اپلیکیشن‌های آموزش مجازی بهره بگیرد، شجاعانه و

پای درس خاطرات

حامد ابتهاج

هر کدام از ما آموزگاران خاطره‌ای به یادماندنی از دوران تحصیل، کار، رشد و یا دوره‌های فراموش‌نشده‌ی داریم. خاطره‌ها حتی ممکن است سلسله‌وار باشند؛ یعنی نوشتن یک مورد، مورد بعدی را به ذهن و خاطر متبادر کند. این ذهن وقاد و حس خاص است که آن را روی صفحه می‌آورد و جاودان می‌کند. به نظر من، اگر می‌خواهید خاطره‌ای از زمان تحصیل یا مثلاً قرظینه در زمان فراگیر شدن کرونا تعریف کنید، ممکن است به تصویری از مکان، زمان و افراد یا عوامل احتمالی دخیل در آن هم برسید. چقدر دانش‌آموزان خود را در این خاطرات راه می‌دهید و چقدر در راه نویسنده شدن آن‌ها قدم برداشته‌اید؟ خاطره‌ها بی‌اغراق در واقعیت‌ها زندگی می‌کنند!

شاید این‌ها نباشد و بخواهید از مواردی ویژه‌تر بنویسید. برای مثال، ممکن است یک ورزشکار معروف که در گذشته در همسایگی شما بوده و در رشته‌ای خاص سرآمد و بی‌رقیب است، بگوید پیشرفت در این رشته را مدیون همسایگی با شما و راهنمایی‌های پدر شما به‌عنوان یک معلم تربیت‌بدنی بوده است و در مصاحبه‌ای اعلام کند، راهنمایی یک معلم به نام... و همسایه‌ای قدیمی مرا به‌سوی پیشرفت

سوق داد. آنگاه خاطره در خاطره می‌شود و شما می‌توانید هم از پدرتان و هم از آن فرد مشهور داد سخن بدهید.

خاطرات جهان‌پهلوان تختی و اینکه در محلات جنوب شهر تهران زندگی و ورزش می‌کرده و در شرایط سخت آن روزها، با کمک خانواده و مربیان دلسوز به قهرمانی ایران و جهان رسیده است، می‌تواند حس برانگیز و برای کلاس شما محرک باشد. شک نداشته باشید، مطالعه و نوشتن مستمر و دقت در رخدادهای شبانه‌روز می‌تواند بیانگر خاطرات و نوع دیدگاه شما باشد و به پیشبرد کلاستان کمک بسیار کند. آثار بزرگان بسیاری از جمله استادان تعلیم و تربیت یا ادیبان در این مسیر می‌توانند الگو و پیش‌رانه‌ی نویسنده‌ی ما در مقام آموزگار باشند. در فرهنگ ما، آثار استادانی مانند سعدی، جلال آل احمد یا پروین اعتصامی و دیگران هم می‌تواند تأثیرگذار باشد. حتی گاهی دیدن یک تصویر از طبیعت و کارهای کمال‌الملک یا شنیدن و خواندن یک عبارت و ضرب‌المثل که پدر یا مادر بزرگی می‌گفته است، می‌تواند یادآور خاطره‌ای از شما باشد. تصور کنید شما یا پدر و مادری، با راهنمایی‌های خود دانش‌آموزی را به عضویت در کتابخانه‌ی مدرسه یا محل زندگی تشویق کند و اکنون، بعد از مدتی، بخواهید خاطرات آن دوره را

ثبت کند. حتماً او در این عرصه دیدنی‌ها و شنیدنی‌های بسیاری از مسیر کتابخانه یا مخزن آن مکان یا دیداری که با دوست و آشنا داشته است، به خاطر خواهد آورد و اشک حسرت از یادآوری صحنه‌های گذشته از دیدگانش خواهد بارید و شاید هم لبخند رضایت بر لب بیاورد! شما بنویسید از چه کسی و چه دوره‌ای خاطره دارید: بابای مدرسه، دانش‌آموز خود یا آموزگاری از همکاران، یا از ایام تحصیل در دانشگاه؟ اینک در بزنگاه آموزش مجازی، می‌خواهید برای کلاستان کدام تصویر جالب و راهبردی را بیان کنید؟ آیا می‌توانید به‌خوبی آن را واگویید؟ اگر مطلب را در ذهن و دل بپرورید، می‌توانید. یقین بدانید شما از همین شیوه می‌توانید سبک زندگی دانش‌آموز را تغییر دهید. رفتار و کردار و گفتار هر شخص می‌تواند تحت تأثیر فرد یا حادثه‌ای شکل گرفته باشد. سال‌های دفاع مقدس نیز ممکن است صحنه‌های شگرفی در صفحه‌ی ذهن و دل باقی گذاشته باشد. شاید اگر از یک فضانورد پرسند اولین بار چه موضوعی نظر شما را به فضانوردی جلب کرده، و او بگوید

در کلاس درس آموزگاری داشتیم که یادش به خیر از پدیده‌ی بی‌وزنی در فضا عکسی نشان داد یا دبیری داشتیم که از میکرو گرانج در فضا



کتاب‌های خاطره

جلوه دوست، گزیده خاطراتی از جلوه‌های ممتاز شخصیت امام خمینی (ره) است که محراب قلم آن را منتشر کرده است. از جمله شیوه‌های مناسب برای تسهیل جریان یاددهی-یادگیری، معرفی الگویی است که به دلیل ملموس بودن، می‌تواند نمونه‌ی مناسبی برای خوانندگان باشد. در این کتاب خاطراتی از جایگاه امام

راحل در نزد مردم و از روش‌های رفتاری ایشان نقل شده است. خاطرات یک روز آسمانی، از انتشارات نبأ، خاطراتی درباره‌ی نیمه‌ی شعبان، امید و انتظار است.

آفتاب حکمت، مجموعه خاطرات علامه محمدتقی جعفری از نخستین مراحل تا دیگر ادوار زندگی وی است که به همت مجید محبوبی در انتشارات خادم الرضا به چاپ رسیده است.

سرزمین خارج از نقشه، خاطرات عجیب یک معلم شامل زندگی در میان عشایر و سبک زندگی ایشان است که در سال ۱۳۹۷ به وسیله‌ی نشر قدیانی چاپ شده است.

حرف زد و من ناگهان خود را در میان سؤالات بسیار این علم و علاقه‌ی وافر به «هوا و فضا» دیدم. با خود عهد بستم تا روزی به این هدف برسیم. نیروی جاذبه هم بحث مفیدی بود که از برخورد سیب به مجموعه‌ی نیوتن برآمد. بنابراین یا قلم را به دست می‌گیریم و از خاطرات گذشته می‌نویسیم یا در صورتی که حس نوشتن هنوز به جوشش درنیامده، می‌رویم سراغ مطالعه‌ی کتاب‌های خاطره. امروزه کتاب‌های صوتی نیز همراه خوبی در تنهایی‌ها یا هنگام رانندگی است. به امتحانش می‌ارزد. اما اجازه دهید پیش از معرفی مختصر کتاب‌ها، خاطره‌ای کوچک از تحصیل در زمان دفاع مقدس را بگویم. در سطرهای قبل که از دفاع مقدس صحبت کردیم یاد دبستان محل تحصیل افتادم که ورق‌های شیروانی سقف کلاس‌های آن را پوشانده بود. گویا شهر ما سر راه مراکز نظامی مهم بود و گاه و بیگاه هواپیماهای دشمن به قصد بمباران از بالای سر ما عبور می‌کردند و اینجا بود که ضد هوایی‌ها مشغول شلیک می‌شدند و بعد هم بارش بارانی از ترکش ریزودرشت که گلوله‌هایشان بالای سرمان منفجر می‌شد.

در همسایگی نیروز

آموزگاری که دانش آموزان بلوچستان را انتخاب کرد



محمدحسین دیزجی

■ چطور شد که معلمی را انتخاب کردید؟
با توجه به اینکه پدرم در مناطق محروم و مرزی معلم بود و من هم از کودکی همراه پدرم بودم، علاقه زیادی به معلمی داشتم. از همه مهم‌تر، به تربیت نیروی انسانی از لحاظ علم‌آموزی و تربیت‌افزایی و بصیرت‌افزایی خیلی ارزش قائل بودم.

■ شما سرباز معلم بودید و دوران خدمت خود را تمام و کمال در مناطق کم‌برخوردار گذراندید. چرا بعد از اتمام خدمت همچنان در حال آموزش به بچه‌های مناطق کم‌برخوردار هستید، در حالی که می‌توانستید به شهر خودتان برگردید و شغل دیگری را انتخاب کنید؟
دلیل اینکه سرباز معلم شدم، علاقه‌ی زیادی بود که به شغل معلمی داشتم. سال‌های ۹۲ تا ۹۴ در یکی از دورترین روستاهای مرزی استان سیستان و بلوچستان، یعنی روستای مرزنشینان هنگ شهرستان راسک معلمی کردم. بعد از پایان خدمت سرباز معلمی، به خاطر علاقه‌ی زیادم، به عنوان معلم خرید خدمت آموزشی، در همین منطقه مشغول به خدمت شدم. دو سال سرباز معلم و چهار سال خرید خدمت آموزشی. اگر هر کسی بگوید من به فلان منطقه‌ی محروم نمی‌روم، پس چه کسی باید به این بچه‌ها خدمت کند!

■ در مدرسه‌ای که هستید، چند شاگرد و دانش‌آموز دارید و بچه‌ها در چه پایه‌هایی هستند؟

از پدرش که ۳۰ سال تجربه‌ی معلمی داشت خداحافظی کرد و خانه‌شان در شهرستان زابل را به سمت نقطه‌ای مرزی در همسایگی پاکستان ترک کرد تا سرباز معلمی را آغاز کند. دوروز در راه بود تا خودش را به منطقه‌ی «هنگ» برساند. بخشی از راه را با خودروهای عبوری محلی طی کرد. از کوه و بیابان و رود با پای پیاده گذشت و به بچه‌ها رسید و تدریس را شروع کرد. دو سال سرباز معلمی را با همین وضع سپری کرد و حالا به خاطر عشق به معلمی، در همان محدوده، یعنی شهرستان راسک منطقه‌ی بلوچستان، مانده است. «آرین جهان تیغ» لیسانس آموزش ابتدایی دارد و آن زمان اولین آموزگار غیربومی بود که به این محدوده از استان سیستان و بلوچستان قدم گذاشت. آرین جهان تیغ تنها یک آموزگار برای بچه‌های منطقه نبود که الفبا و حساب و علوم به آنان بیاموزد. او با راه‌اندازی کتابخانه‌ی سیار، برای بسیاری از کودکان و نوجوانان فرصت مطالعه ایجاد کرد. تهیه‌ی کاردستی از امکانات بومی را به آنان یاد داد و از طریق ارتباط با خیرین، برخی نیازها را در آنجا برآورده ساخت. گفت‌وگو با این آموزگار پیش روی شماست.





دبستان آیت‌الله سعیدی در منطقه‌ی راسک در حال حاضر حدود ۱۷۰ دانش‌آموز دارد که کلاس من پایه‌ی چهارم ابتدایی با تعداد ۲۴ نفر دانش‌آموز است. البته من تجربه‌ی کلاس‌های چندپایه در منطقه‌ی مرزی را هم داشتم. ما در مدرسه‌ی فعلی تمام پایه‌ها را داریم؛ حتی برای کودکان با نیازهای ویژه هم کلاسی جداگانه داریم.

■ امکانات آموزشی مدرسه‌ی شما در چه حدود است؟

خدا را شکر امکانات خوب است و همکاران نیز با همدیگر تلاش و کوشش خیلی خوبی برای پیشرفت دانش‌آموزان عزیز دارند. البته در دوران سربازمعلمی و در آن مناطق، وضعیت کمی فرق داشت و ما از کمک‌های خیرین و نیکوکاران بهره‌مند می‌شدیم.

شنیده‌ایم برای بالا بردن سطح سواد و اطلاعات بچه‌ها، علاوه بر کتاب درسی، برایشان کتابخانه راه انداخته‌اید. در این باره برای ما بیشتر توضیح دهید.

بله. در حال حاضر، هم برای بچه‌ها کتاب‌های داستان در زمینه‌های گوناگون تهیه و بینشان توزیع می‌کنم و هم دانش‌آموزانم را به مطالعه تشویق می‌کنم تا فرهنگ کتاب‌خوانی گسترش پیدا کند. حتی در سال‌های قبل برای بچه‌ها کتاب‌خانه‌های سیار تهیه کردم که استقبال خیلی خوبی از آن‌ها شد.

■ در ایام شیوع بیماری کرونا وضعیت کلاس‌های شما چگونه بود؟

بر اساس احساس وظیفه و با وجود تعطیلی مدرسه‌ها و بحران کرونا، توانستم از اول اردیبهشت به صورت حضوری و با رعایت نکات بهداشتی و فاصله‌ی اجتماعی، چندین نوبت برای دانش‌آموزان عزیزم کلاس برگزار کنم.

■ سطح آموزش شما در این منطقه بسیار خوب و بالا بوده است، به طوری که در بازدیدهای کارشناسان همیشه امتیاز بالا گرفته‌اید. در این باره برایمان بگویید.

بله. با توجه به اینکه مهم‌ترین کار هر آموزگار ایجاد روحیه، اعتمادبه‌نفس و خودباوری در دانش‌آموزان و بررسی مشکلات روحی و روانی تک‌تک آن‌هاست، من همیشه سعی کرده‌ام در کنار درس و مشق به این نکات هم توجه داشته باشم.

■ سطح دانش و آگاهی خودتان را چگونه ارتقا می‌دهید و منابع مطالعاتی خودتان را از

بودم در همین روستا بمانم و زندگی کنم.

■ مهم‌ترین آرزوی شما چیست؟
از معلم خرید خدمت آموزشی به معلم استخدامی تبدیل وضعیت شوم تا بتوانم به بچه‌ها بهتر خدمت کنم و دغدغه و نگرانی نداشته باشم.

■ معلمی را تا کجا ادامه خواهید داد؟
من عاشق آموزش دادن به بچه‌ها هستم. از اینکه بتوانم در تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان سرزمینم مفید و مؤثر باشم، حس خیلی خوبی دارم. تا حد توانم این کار را ادامه خواهم داد.

کجا تأمین می‌کنید؟

قبل از تدریس همیشه و هر شب مطالعه دارم. با توجه به اینکه با معلمان و استادان عزیز تهران نیز در ارتباطم و پدر خودم هم ۳۰ سال معلم بوده است، از تجربه‌های آن‌ها و از کتاب‌ها و فیلم‌های آموزشی و روش‌های تدریس نیز استفاده می‌کنم.

■ یکی از فعالیت‌های شما تهیه و تولید کاردستی و صنایع دستی است. در این باره چه می‌گویید؟
در روزهایی که زنگ هنر داشتم، دانش‌آموزانم را هدایت کردم از امکانات بومی و محلی منطقه، مثل شاخ و برگ درخت محلی خرما (داز)، صنایع دستی درست کنند؛ مانند قندان، جا میوه‌ای، بشقاب و کفش. توجه به محصول ایرانی را باید در عمل آموزش داد تا بچه‌ها اعتمادبه‌نفس پیدا کنند. ما حتی تولیدات خودمان را در نمایشگاهی در تهران هم ارائه کردیم که از آن خیلی استقبال شد.

■ هر چند وقت یک بار به منزل خودتان در زابل می‌روید؟

بنده به خاطر دوری راه و مشکل رفت‌وآمد، از اول مهر تا پایان اسفند، با فاصله‌ی زمانی زیاد و شاید فقط یکی دو مرتبه توانستم به خانه بروم. آن روزها که سربازمعلم بودم و در منطقه‌ی مرزی کار می‌کردم، مشکلات راه بیشتر بود و کمتر هم می‌رفتم! من دو روز تا خانه راه داشتم. نمی‌توانستم چهارشنبه بروم و دوباره شنبه در مدرسه باشم. بنابراین، ناچار

الان که چند سالی از دوران خدمت سربازی آقا معلم گذشته، او هنوز می‌رساند تا گپی با بزرگ‌ترهای آنجا بزنند و از مهمان‌نوازی‌های مردم آن منطقه تشکر کنند. بعد هم با شاگردان پیشین خود به مرور خاطرات بپردازد. آن روزها آقا معلم برای بچه‌ها قصه می‌گفت، اما این روزها او به درخت کنار جوی تکیه می‌زند و شاگردانش نهالی را که او کاشته، آرام‌آرام دارد به درختی پربار تبدیل می‌شود.

درونی کردن ارزش‌های اجتماعی در تربیت

وفاق اجتماعی (قسمت دوم)



دکتر فریبرز بیات

وامی دارد. جامعه‌پذیری فرایندی است که به موجب آن، فرهنگ جامعه از یک نسل به نسل بعدی منتقل و فرد با شیوه‌های پذیرفته و تأیید شده‌ی زندگی سازمان یافته‌ی اجتماعی سازگاری می‌شود.

ب. رابطه‌ی فرد با جامعه: برخلاف رابطه‌ی قبل که جبری و کلی بود، این ارتباط در سطح خرد برقرار است و از حالتی اختیاری و آزادانه برخوردار است. این رابطه تحت تأثیر نیازها و مطابق خواست‌ها، نگرش‌ها، تجربه‌های پیشین و زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی فرد است. براساس این نیازها، فرد رابطه‌ی خاصی را با نهادها، گروه‌ها، مؤسسات و سازمان‌های اجتماعی برقرار می‌کند و با قبول قواعد و مقررات این گروه‌ها و نهادها و به‌کارگیری آن‌ها، تلاش می‌کند به اهداف خود نائل شود. در این معنا، جامعه‌پذیری فرایندی است که فرد با گذر از آن خودش را با محیط اجتماعی - فرهنگی پیرامونش سازگار می‌کند. (نیک گهر، ۱۳۶۹: ۴۸).

ج. رابطه‌ی میان نهادها و گروه‌های جامعه‌پذیرکننده: این رابطه به نوع ارتباطات و هماهنگی‌های میان گروه‌ها و نهادهایی اشاره دارد که به ارائه یک سری معیارها و الگوها با هم می‌پردازند. در جوامع گذشته، میان نهادهای جامعه تفکیک کارکردی وجود داشت و هر نهاد کارکرد خاص و ویژه‌ای داشت، اما امروزه اشتراک کارکردی میان نهادها یک اصل عام است؛ به گونه‌ای که نهادهایی چون خانواده، مدرسه و رسانه به‌طور هم‌زمان کارکرد تربیتی را به عهده دارند و کارکردهای نهاد اصلی جامعه بسیار به هم نزدیک شده‌اند.

دوره‌ی ابتدایی، دوران شکل‌گیری شخصیت اجتماعی و اخلاقی است. به همین دلیل کارکرد درونی کردن ارزش‌های اجتماعی در تربیت، افزایش شناخت و تعمیق اعتقاد و اعتماد به درستی، مطلوبیت و مشروعیت قواعد، قوانین و هنجارهای اجتماعی، بهینه‌سازی رفتار اجتماعی، پیشگیری از سردرگمی و بلا تکلیفی در دوراهی‌ها و چندراهی‌های زندگی است. بنابراین، پیش‌بینی‌پذیری رفتارهای اجتماعی و جلب اعتماد و مشارکت‌پذیر کردن افراد، ایجاد تفاهم و کاهش تعارضات و تضادها، ناهنجاری‌ها، بزه‌کاری‌ها، آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی و به‌طور کلی نظم، انسجام، همبستگی و وفاق اجتماعی نیز در نظر است.

از نظر بسیاری از جامعه‌شناسان، جامعه‌پذیری فرایندی دائمی است و از تولد کودک آغاز و تا پایان زندگی وی ادامه می‌یابد. اما فرایند جامعه‌پذیری در مراحل اولیه‌ی زندگی، به‌خصوص مراحل کودکی و نوجوانی، عموماً ناآگاهانه و در مراحل بزرگ‌سالی آگاهانه و هدفمند است. جامعه‌پذیری جریانی است که یک طرف آن فرد و طرف دیگر آن جامعه است. در این زمینه سه فرایند جامعه‌پذیری را مطالعه خواهید کرد.

کلیدواژه‌ها: وفاق اجتماعی، جامعه‌پذیری

گفته می‌شود تربیت اجتماعی، آشنایی با مفاهیم زندگی و معیارهای حاکم بر آن است. از این‌رو جامعه‌پذیری ماحصل سه فرایند است:

الف. رابطه‌ی جامعه با فرد: در این معنا جامعه به دنیای خارجی اجتماعی، گروه‌نهادسازمان‌یابرنوع‌سمبل و قراردادی اطلاق می‌شود که زمینه‌ها و شرایط مناسب برای عمل فرد را فراهم می‌کند و فرد را به تبعیت از آن‌ها

چون کاهش تعارضات و تضادها، افزایش نظم و انسجام اجتماعی، افزایش مشارکت و اعتماد اجتماعی یا حفظ میراث فرهنگی و ارزش‌های مشترک توجه کرد، بلکه ضروری است مقاصد و آثار تربیت اجتماعی را در سطح فرد و نظام شخصیتی نیز مورد توجه قرار داد؛ آثاری چون تربیت افرادی مستقل، آزاد، عقلانی، نقاد، جست‌وجوگر، عاطفی، اهل تفاهم، گفت‌وگو و مدارا.

۴. در مورد عوامل تربیت اجتماعی، با توجه به تغییر و تحولات اجتماعی عظیم و شتابناک دهه‌های اخیر، باید از محدود و منحصراً کردن عوامل تربیت اجتماعی به خانواده و در نهایت مدرسه یا گروه همسالان پرهیز کرد و به نقش و کارکرد فوق‌العاده‌ی نهادها و آژانس‌های جدید اجتماعی کردن، مثل رسانه‌ها و نیز شبکه‌های اجتماعی توجه جدی داشت؛ به ویژه که رسانه‌های اجتماعی اکنون دیگر نه ابزار و تکنیک، بلکه زبان فرهنگ و بستری اجتماعی هستند که عشق، مناسبات خانوادگی و دوستی، آموزش و پژوهش، تجارت و کسب‌وکار، تفریح و فراغت و به‌طور کلی زندگی اجتماعی در بستر شبکه‌ای از آن‌ها جریان‌یابی می‌کند؛ تاجایی که برخی از جامعه‌شناسان از «جامعه‌ی شبکه‌ای» سخن می‌گویند (کاستلز، ۱۳۸۰). با توجه به این تعریف‌ها، ویژگی‌ها و کارکردها است که بسیاری از جامعه‌شناسان و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت تأکید می‌کنند، چنانچه مدرسه و برنامه‌های درسی، خود را با دنیای رسانه‌ای شده و جامعه‌ی شبکه‌ای همراه کنند، محیط مناسبی برای دانش‌ورزی و تربیت شهروندانی آگاه، فعال، معقول، مستقل، مسئول و متعهد به منافع و خیر اجتماعی خواهند بود.

از مجموع تعریف‌ها چنین استنباط می‌شود که «تربیت اجتماعی فرایندی است که طی آن فرد با ارزش‌ها، هنجارها، و قواعد اجتماعی و اخلاقی مورد قبول جامعه آشنا می‌شود و آن‌ها را درونی می‌کند تا بتواند زندگی اجتماعی خود را بر اساس چنان قواعدی سامان بدهد.» بر مبنای چنین تعریفی، ویژگی‌ها و مرزهای تربیت اجتماعی را می‌توان به این صورت زیر مشخص کرد:

۱. تربیت اجتماعی واجد دو بعد است: «فرهنگی» یا قواعد و ارزش‌ها و «اجتماعی» یا تعهد و پایبندی عملی به آن قواعد در میدان زندگی اجتماعی. به همین دلیل، تربیت اجتماعی تنها به بعد شناختی و آشنایی با ارزش‌ها، قواعد و قوانین اجتماعی و اخلاقی محدود نمی‌شود، بلکه بعد انگیزشی و عملی نیز دارد. همچنان که دورکیم نیز در تعریف خود اخلاق اجتماعی را پایبندی به مجموعه قواعد مشترک، مقتدر، آگاهانه و انسجام‌بخشی می‌داند که رفتار و کنش‌ها را در جهت خیر اجتماعی منظم و پیش‌بینی‌پذیر می‌کند (بیات، ۱۳۹۷: ۶).

۲. تربیت اجتماعی برخلاف برخی تصورات و برداشت‌های اولیه، فرایندی یک‌سویه نیست که طی آن جامعه، نهادها و ساختارهای اجتماعی قواعد و تکالیف خود را بر فرد تحمیل کند و کنشگر منفعل باشد. بلکه چنین فرایندی دوسویه و تعاملی بین ساختار و کنش است و نقش عامل و کنشگر را نباید در پذیرش و باور به چنین قواعدی و نیز پایبندی عملی به آن‌ها از نظر دور داشت یا کم‌اهمیت تلقی کرد. چرا که در غیر این صورت، همچنان که برخی جامعه‌شناسان یادآور شده‌اند، هنجارهای جامعه در ذهن افراد ملکه نمی‌شوند و فرایند اجتماعی شدن ناموفق خواهد بود. در آن صورت افرادی در جامعه پرورش می‌یابند که به علت درونی نشدن هنجارها در وجودشان، از تخلف و قانون‌شکنی احساس پشیمانی و شرمساری نمی‌کنند و تنها نیروی بازدارنده‌ی آن‌ها از انحرافات اجتماعی از بین می‌رود (چلبی، ۱۳۸۵).

۳. در فرایند جامعه‌پذیری و اجتماعی شدن نباید تنها به مقاصد، آثار و پیامدهای کلان این فرایند،

منابع

۱. آرون ریمون (۱۳۷۰). مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی. ترجمه‌ی باقر پرهام. آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۲/۱. باقری، خسرو (۱۳۸۶). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. ج ۲. انتشارات مدرسه. تهران، ۳/۱. بیات، فریبرز (۱۳۹۷). بحران اخلاقی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن. دانش‌کده‌ی علوم انسانی، واحد علوم و تحقیقات تهران. دانشگاه آزاد اسلامی، ۴/۱. بیرو، آئن (۱۳۷۰). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه‌ی باقر ساروخانی. نشر کیهان. چاپ دوم. تهران، ۵/۱. چلبی، مسعود (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی نظم. تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی. نشر نی. چاپ اول. تهران، ۶/۱. حق‌شناس، ع. م. سامعی، ح. و انتخایی، ن (۱۳۸۷). فرهنگ معاصر هزاره فرهنگ معاصر. چاپ سیزدهم. تهران، ۷/۱. ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۹). مقدمه‌ی بر آسپیشناسی اجتماعی. آرای نور. تهران، ۸/۱. شکوهی، غلامحسین (۱۳۹۶). تعلیم و تربیت و مراحل آن. انتشارات آستان قدس رضوی. مشهد، ۹/۱. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۷). آتومی یا آشتگی اجتماعی، پژوهشی در زمینه‌ی پتانسیل آتومی در شهر تهران. انتشارات سروش. تهران، ۱۰/۱. علاقه‌بند، علی (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. بعثت، ۱۱/۱. علیشاهی، علی (۱۳۹۶). کارکردهای مؤثر تربیت اجتماعی از منظر علامه طباطبائی. معرفت، سال ۲۴، شماره‌ی ۸، صفحه ۸-۱۶۷-۸۰.
۱۲. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). عصر اطلاعات، ظهور جامعه‌ی شبکه‌ای. ج اول، ترجمه‌ی احد علیقلیان و احد خاکباز. طرح نو، تهران، ۱۳/۱. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی، منوچهر صبوری، نشر نی، تهران، ۱۴/۱. نیک گهر، عبدالاحسین (۱۳۶۹). درآمدی بر جامعه‌شناسی. ریزن. تهران.

۱۵. Bircher, L. S. (۲۰۱۲). Part-time doctoral student socialization through peer mentorship. (Unpublished Phd Thesis). School of Education. Kent State University. 16. Scruton, R. (2007) The Palgrave Macmillan dictionary of political thought (Third ed): Palgrave Macmillan.

تعلیم و تربیت اسلامی

علم، نور است



عبدالر حیم اصلی

من الله علی المؤمنین اذ بعث فیهم رسولا یتلوا علیهم آیاته و یرکبهم و یعلمهم الكتاب و الحکمه» (آل عمران / ۱۶۴). در آیهی ۲ سورهی جمعه نیز به همین سیاق تزکیه بر تعلیم مقدم شده است. دربارهی اینکه چرا تزکیه بر تعلیم مقدم است، مفسران و جوهری را ذکر کرده‌اند که به یک مورد از آن‌ها اشاره می‌شود. تزکیه هدف است و تعلیم وسیله، و هدف همواره بر وسیله مقدم است. پس تقدم تزکیه بر تعلیم از باب تقدم علت غایی بر علت اعدادی است، زیرا هدف که علت غایی است، همواره بر فعل که جزو علت اعدادی است، مقدم است (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۷: ۱۰۲).

تا نباشد میل و امید ثمر
کی نشاند باغبان بیخ شجر

اما اینکه در آیهی ۱۲۹ سورهی بقره تعلیم بر تزکیه مقدم شده، علت این است که آموزش و تعلیم مقدمه‌ی پرورش و تزکیه است و بر اساس سیر منطقی و طبیعی، اول باید آموزش و سپس تزکیه صورت گیرد. توضیح اینکه، هر تزکیه‌ای بعد از تعلیم است، زیرا انسان سالک تا نفس و قوای نفسانی خود و همچنین سود و زیان و فحور و تقوای آن را نشناسد، نمی‌تواند بر اصلاح و تهذیب آن اقدام کند و در راه سیر و سلوک گام بردارد (پیشین). بنابراین، آنجا که تعلیم بر تربیت و تزکیه مقدم شده، اشاره به وضع طبیعی آن است و در مواردی که تزکیه بر تعلیم مقدم شده است، اشاره به مسئله‌ی هدف بودن آن است، چرا که هدف اصلی بعثت انبیا تربیت و تکمیل مکارم اخلاق در انسان است. رسول خدا(ص) با سخن زیبای خود به این موضوع اشاره کرده است: «انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» (حکیمی، ۱۴۳۲ق: ۲۷۵). یعنی من از آن جهت برانگیخته شدم که شرافت‌های اخلاقی را کامل و تمام کنم.

علم بدون تزکیه

علم در عین حال که از ارزش‌های انسانی است، اما اگر بدون تزکیه و تربیت باشد، موجب فساد و تخریب می‌شود. تمامی ویرانگری‌هایی که در عالم صورت گرفته، توسط دانشمندان و اهل علم اتفاق افتاده‌اند. رهبران فرقه‌های انحرافی افراد بی‌سواد و کم‌سواد نبوده‌اند، بلکه افراد تحصیل کرده و دانشمند بوده‌اند، اما دانش و علمشان بدون تهذیب و تزکیه بوده است. علم در دست افراد تهذیب و تزکیه نشده، همانند تیغ در دست زنگی است.

در نگاه علوم تربیتی و فرهنگ دینی، تربیت با تعلیم تفاوت دارد. تعلیم در معنای کلی به‌معنای آموزش دادن مفاهیم است، اما تربیت مفهومی والاتر از آموزش دارد. تربیت در حوزه‌ی انسان قابل تعریف است، اما آموزش به جانداران هم تعمیم داده می‌شود. پرندگان و چهارپایان، همانند کبوتر و سگ، قابلیت آموزش‌پذیری دارند و به این ترتیب می‌توانند کارهایی انجام دهند که انسان قادر به انجام دادن آن‌ها نیست. برای مثال سگ با حس بویایی خود در کشف مواد مخدر و مواد منفجره و افرادی که در پی زلزله زیر آوار مانده‌اند، کمک می‌کند.

تفاوت تربیت و تزکیه

معمولاً بین تربیت و تزکیه تفاوتی قائل نمی‌شوند، اما این دو واژه تفاوت دارند. از حیث مفهومی، تربیت وسیع‌تر از تزکیه است، چون تربیت شامل روح و بدن می‌شود، اما در تزکیه فقط روح انسان مورد توجه است: قد افلح من تزکی (الاعلی / ۱۴). تزکیه‌ی نفس یعنی نفس را از آلودگی‌ها پاک کردن. اما تربیت روح و بدن را شامل می‌شود. مثلاً دوندگی دو میدانی با دویدن زیاد ماهیچه‌های پای خود و با ریاضت نفس روح خود را تربیت و تقویت می‌کند.

تعلیم و تزکیه در قرآن

در قرآن در چهار مورد تزکیه و تعلیم کنار هم ذکر شده‌اند که در سه مورد آن‌ها تزکیه قبل از تعلیم آمده و در یک مورد، در آیهی ۱۲۹ سورهی بقره، تعلیم قبل از تزکیه آمده است. در آیهی ۱۶۴ آل عمران تزکیه بر تعلیم مقدم شده است: «لقد

بدگهر را علم و فن آموختن
دادن تیغی به دست راهزن
تیغ دادن در کف زنگی مست
به که آید علم، ناکس را به دست
علم و مال و منصب و جاه و قران
فتنه آمد در کف بدگهران
(مولوی، ۱۳۶۵)

واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می کنند
چون به خلوت می روند آن کار دیگر می کنند
مشکلی دارم ز دانشمند مجلس باز پرس
توبه فرمایان چرا خود توبه کمتر می کنند
گویا باور نمی دارند روز داوری
کاین همه قلب و دغل در کار داور می کنند
نقد صوفی نه همه صافی بی غش باشد
ای بسا خرقه که مستوجب آتش باشد

علم که خود به خود نور است و باعث روشنایی روح انسان و مسیر فراری او می شود، اگر با تزکیه همراه نباشد، ضررش از جهل و نادانی بیشتر خواهد بود و به جای اینکه روشنایی باشد، پرده و مانع دیدن حقیقت خواهد شد. شاید به همین اعتبار گفته اند «العلم هو الحجاب الاکبر»: دانش بزرگ ترین حجاب است.

امام خمینی قدس سره در نوشته ها و بیانات خود جوان ها را از علم بدون تزکیه بر حذر داشته و خطرات آن را گوشزد کرده است. ایشان می فرماید: «گاهی ضرر از این قشر (دانشمند بدون تزکیه) به اسلام و به کشوری از قشرهای دیگر بیشتر می خورد. اکثر دین هایی که باطل بوده و درست شده اند، به وسیله اهل علم درست شده اند. غیر اهل علم دین سازی نکرده اند. اهل علم دین سازی کرده اند و بسیاری از خیانت هایی که به کشور ما شده است، از همین درس خوانده هاست. این درس خوانده ها هستند که کمک کردند.» (امام خمینی، ۱۳۳۸، ج ۹: ۳).

حضرت علی (ع) در روایتی فرمود: «قسم ظهري رجلان جاهل متنسک و عالم متهتک» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۰: ۲۸۴): پشت مرا جاهل زاهدنما و عالم بی حیا شکست.

در قرآن کریم عالم بدون عمل و تزکیه به الاغی تشبیه شده است که بار کتاب دارد: «کمثل الحمار یحمل اسفارا» (سوره ی جمعه / ۵): (دانشمندان بدون عمل و تهذیب) مانند الاغی باشند که کتاب هایی را به آن بار کرده اند.

عالم بی عمل در نگاه سعدی و حافظ

حافظ در دیوان خود بیشترین حملات را علیه عالمان و زاهدان بی عمل و ریایی داشته است و ملالت علما را از علم بی عمل دانسته است. او از پایبند نبودن بعضی از عالمان به قوانین دین و شریعت سخت انتقاد کرده است که به یک مورد از آن ها اشاره می شود:

دیگر شاعری که از عالمان بی عمل و زاهدان ریایی سخت انتقاد کرده، سعدی شیرازی است. او در باب هشتم گلستان می گوید:

علم چندان که بیشتر خوانی
چون عمل در تو نیست نادانی
نه محقق بود نه دانشمند
چارپایی بر او کتابی چند
آن تهی مغز را چه علم و خبر
که بر او هیزم است یا دفتر

و همین طور در بخش مواظط کلیات، در مذمت علم بدون تزکیه و تهذیب می گوید:

دعوی مکن که برترم از دیگران به علم
چون کبر کردی از همه دونان فروتری
از من بگوی عالم تفسیر گوی را
گر در عمل نکوشی نادان مفسری
بار درخت علم ندانم مگر عمل
با علم اگر عمل نکنی شاخ بی بری
علم آدمیت است و جوانمردی و ادب
ور نی، ددی به صورت انسان مصوری
(سعدی، ۱۳۶۲: ۷۵۴)

منابع

۱. حافظ شیرازی، خواجه شمس الدین محمد (۱۳۷۸). نسیم الهی. تهران.
۲. سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۶۲). کلیات. امیرکبیر. تهران.
۳. ابن ابی الحدید (۱۴۰۴ ق). شرح نهج البلاغه. انتشارات آیت الله مرعشی نجفی. قم.
۴. حکیمی، محمدرضا و برادران (۱۳۹۲). الحیائ. دلیل ما. قم.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵). تفسیر تسنیم. اسرا. قم.
۶. مولوی، جلال الدین محمد بلخی (۱۳۶۵). مثنوی معنوی. کلاله ی خاور. تهران.
۷. خمینی، روح الله (۱۳۳۸). صحیفه نور، ج ۹. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). تهران.

عبور از غرور

مهارت‌های ضروری آموزگاران



ترجمه: الهام فراستی

آموزگاران قادرند زندگی دانش‌آموزان را متحول کنند و دانش‌آموزانی فرهیخته و محترم پرورش دهند. آن‌ها نه تنها در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، بلکه در پیشرفت شخصی آنان نیز تأثیر بسزایی دارند. برای اینکه آموزگاری کارآمد باشید، به مجموعه‌ای متنوعی از مهارت‌های حرفه‌ای نیاز دارید. در این مطلب فهرستی از مهارت‌های موردنیاز آموزگاران را معرفی می‌کنیم.

۱. اشتیاق داشتن

اشتیاق یک مهارت نیست، اما پیش‌نیاز آموزگاری محسوب می‌شود. وقتی شور و شوق دارید، از تجربه‌های دیگران برای یادگیری استفاده می‌کنید و مایلید روش‌های متنوعی را برای بهبود تدریس خود جست‌وجو کنید.

۲. راهبری

آموزگار اثرگذار این توانایی را دارد که کلاس خود را راهبری و راهنمایی کند. او می‌تواند بدرفتاری‌های دانش‌آموزان را کنترل و آن‌ها را به سمت درستی در زندگی هدایت کند.

۳. سازمان‌دهی

آموزگاران مسئولیت‌های زیادی بر عهده دارند؛ از برنامه‌ریزی درس‌ها گرفته تا فعالیت‌ها و ارزشیابی‌ها. برای موفقیت در این مسئولیت‌ها باید بتوانند آن‌ها را سازمان‌دهی کنند. به این صورت که وظایف و مسئولیت‌های خود را اولویت‌بندی کنند و هر کدام را با توجه به اهمیت آن در زمان مناسب انجام دهند.

۴. محترم بودن

اگر شما به‌عنوان آموزگار لحن محترمانه را در کلاس خود به کار برید، دانش‌آموزان شما به اشتراک گذاشتن ارزش‌ها و نظرهای خود احساس امنیت می‌کنند و هم‌کلاسی‌های آنان یاد می‌گیرند که شنوندگان خوبی باشند و به نظرهای دیگران احترام بگذارند.

۵. چندوظیفه‌ای بودن

تدریس تنها شامل پیروی از برنامه‌ی درسی و ارزشیابی توصیفی نیست، بلکه حرفه‌ای چندعملکردی است. آموزگار باید پشت سر خود هم چشم داشته باشد و بتواند رفتار همه‌ی شاگردانش را تحت نظر گیرد و توجه آن‌ها را تا پایان کلاس نگه‌دارد. بعد از کلاس هم، در حالی که تکالیف و آزمون‌های آن‌ها را ارزشیابی می‌کند، برای هفته‌ی بعد برنامه‌ریزی کند.

۶. کار گروهی

دانش‌آموزان دوست دارند آموزگاران صمیمی داشته باشند که آن‌ها را درک کنند. به‌جای مجبور کردن آن‌ها به یادگیری آموزگارمحور، آن‌ها را به گروهی کارکردن ترغیب کنید تا در عین یادگیری، سرگرمی هم داشته باشند. این موضوع فضایی مثبت در کلاس ایجاد می‌کند که دانش‌آموزان نه تنها با شما، بلکه با هم‌کلاس‌های خود هم ارتباط برقرار می‌کنند.

۷. ارتباط

آموزگاران از توانایی‌های قابل توجه ارتباطی برخوردارند. آن‌ها باید بتوانند با هر فردی در هر سنی، از جمله همکاران، شاگردان، والدین و مدیران، ارتباط برقرار کنند. همچنین، باید اطلاعات خود را به شکل مؤثر ارائه دهند، دیدگاه‌های مختلف افسراد را درک کنند و دلیل انتخاب شیوه‌ی تدریس انتخابی خود را توضیح دهند.

۸. تطبیق‌پذیری

سازگاری با شرایط پیش‌بینی نشده اهمیت زیادی دارد. شما هرگز نمی‌دانید هر روز در کلاستان چه اتفاقی خواهد افتاد. پس باید در هر شرایطی کلاس را مدیریت کنید و راه‌حل‌های سریع بیابید. برای مثال، اگر یکی از شاگردانتان بیمار یا زخمی شد، آرامش خود را حفظ کنید و دنبال راه‌حلی برای نجات او باشید.

۹. مهارت‌های بین‌فردی

مهارت‌های شما می‌تواند شما را از آموزگاری متوسط به آموزگاری موفق تبدیل کند. کسی که مایل است به دیگران کمک کند، روابط گرم و دوستانه‌ای ایجاد می‌کند که باعث تقویت یادگیری می‌شوند. همچنین، شما باید در برخورد با دانش‌آموزانی که دچار اختلالات یادگیری یا معلولیت هستند و به توجه ویژه نیاز دارند، مهارت ویژه‌ای داشته باشید.

۱۰. خلاقیت

آموزگاران به خلاقیت نیاز دارند تا بتوانند دانش‌آموزان را علاقه‌مند و درگیر درس کنند؛ به‌خصوص کودکانی که در دوره‌ی ابتدایی هستند. شما باید برای حفظ توجه دانش‌آموزانتان به دنبال راه‌های خلاق باشید؛ از جمله فعالیت‌های یادگیری سرگرم‌کننده.

۱۱. خودارزیابی

برای پیشرفت حرفه‌ای خود و ارائه‌ی آموزش باکیفیت باید همواره در حال ارزیابی خود باشید. اگر اشتباهی مرتکب شده‌اید، غرور خود را کنار بگذارید و به دنبال راهی برای بهبود کلاستان باشید.

۱۲. صبوری

مدیریت کلاسی با تعداد زیادی دانش‌آموز کار چندان ساده‌ای نیست. بعضی از دانش‌آموزان صبر آموزگارشان را آزمایش می‌کنند و اگر آموزگار در این آزمایش‌ها آرامش خود را از دست بدهد، نتایج منفی در پی خواهد داشت. با صبور بودن و کارکردن جداگانه با دانش‌آموزان

۱۵. اعتماد به نفس

شما باید شخصیتی قوی داشته باشید تا بتوانید به سؤال‌های دانش‌آموزان پاسخ صحیح بدهید و اعتماد به نفس خودتان را به آن‌ها نیز القا کنید.

۱۶. تعهد

شما نمی‌توانید فقط از سر وظیفه به کلاس درس بیایید. اگر می‌خواهید آموزگار خوبی باشید، باید نسبت به حرفه و کلاس خود متعهد باشید. شما باید شوق تدریس داشته باشید و تغییرات مثبت در زندگی شاگردان خود ایجاد کنید.

۱۷. شوخ طبعی

حس شوخ طبعی یک مهارت نیست. با اندکی از این حس، می‌توانید از آن به‌عنوان ابزاری مفید برای ارتباط با دانش‌آموزان استفاده کنید. شما باید توانایی این را داشته باشید که با آن‌ها بخندید و درس‌ها را تا حد امکان سرگرم‌کننده تدریس کنید. دانش‌آموزان شاد گرایش بیشتری به یادگیری دارند.

۱۸. صمیمیت

دانش‌آموزان باید با شما احساس راحتی داشته باشند تا سؤال‌هایشان را بپرسند و اگر مسئله‌ای دارند با شما در میان بگذارند. آن‌ها نباید از شکست خوردن یا دادن پاسخ اشتباه بترسند. آموزگاران مؤثر شخصیت‌هایی گرم و صمیمی دارند که دانش‌آموزان را به درگیر شدن در درس دعوت می‌کنند.

۱۴. همدلی

اگر نسبت به دانش‌آموزان خود همدلی داشته باشید، آن‌ها هم یاد می‌گیرند احساسات و عواطف خود را مدیریت کنند و با دیگران مهربان باشند. ایجاد مهارت‌های اجتماعی-عاطفی سالم در بین دانش‌آموزان، به نفع کلاس شما و همچنین کلاس‌های آینده‌ی آن‌ها خواهد بود.

مشکل‌ساز، می‌توانید فضای کلاس خود را بهبود بخشید. اگر شاگرد شما متوجه منظورشان نمی‌شود، صبر پیشه کنید و به دنبال روش‌های متفاوتی برای تفهیم مفاهیم به او باشید.

۱۳. هوش هیجانی

هرچند عصبانی یا ناراحت هستید، باید توانایی کنترل احساسات خود را داشته باشید و اجازه ندهید این احساسات بر شما تأثیر منفی بگذارند.



منابع

1. <https://www.careerraddict.com/teacher-skills...>
2. Dr. Digar Singh Farswan. (2019). "Importance of teaching skills for teaching learning process" The research journal of social sciences. June 2019, volume 10, number 6

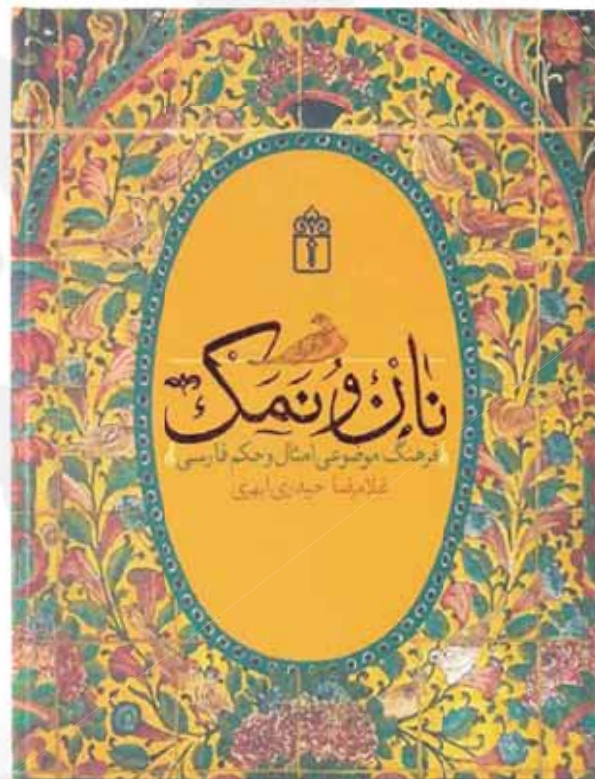
وقتی آقای چگینی سفر رفت

با غلامرضا حیدری ابهری، روحانی مؤلف

زهرا پرهادی

غلامرضا حیدری ابهری از روحانیون مؤلف است که از سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمی قم شده و تاکنون کتاب‌های بسیاری برای کودکان و نوجوانان نوشته است. او می‌گوید: «از جوانی به نوشتن علاقه داشتم و وقتی با استقبال بچه‌ها از آثارم مواجه شدم، این کار را جدی‌تر دنبال کردم.» او پیش از ۲۵ سال است که می‌نویسد و کتاب‌هایش از جمله «فرهنگنامه‌ی سوره‌ها» و «دایرةالمعارف قرآن» در جشنواره‌ی کتاب رشد برگزیده و یا قابل تقدیر شده‌اند.

«بوی بهشت» اولین کتاب وی است. از دیگر آثار او می‌توان از مجموعه‌ی «من اهل بیت (ع) را دوست دارم»، «مهربانی با حیوانات» و «دایرةالمعارف سبک زندگی اهل بیت» نام برد. کتاب دیگر او «پول، خدا، بچه‌ها» در زمینه‌ی سواد مالی است. به واسطه‌ی چاپ جدیدترین اثرش به نام «حدیث زندگی» (آشنایی کودکان با سبک زندگی اسلامی) با آقای حیدری ابهری به گفت‌وگو نشستیم.



■ سبک زندگی چیست و موضوعات کتاب حدیث زندگی چگونه می‌تواند سبک زندگی اسلامی را به دانش‌آموزان و آموزگاران تبیین کند؟ باید عرض کنم، منظور از سبک زندگی شکل و نحوه‌ی زندگی ماست؛ به این معنا که هر آدمی براساس تصویری که از جهان، عمر، آخرت و ظرفیت‌های انسانی خودش دارد و اهدافی که آفرینش برایش در نظر گرفته است، زندگی می‌کند. بر همین اساس، با تفاوت جهان‌بینی‌ها، شیوه‌ی زندگی هم تغییر می‌کند و حتی تغییر شیوه‌ی زندگی، تغییر در ایجاد ارتباط‌هاست. اگر چهار ارتباط اصلی را ارتباط با خود، ارتباط با خلق، ارتباط با خدا و ارتباط با خلقت در نظر بگیریم، جهان‌بینی انسان که تغییر کند، هر کدام از این ارتباط‌ها هم تغییر می‌کند. مثلاً اگر کسی دنیا را مزرعه‌ی آخرت بداند، با دیگران مهربانانه رفتار می‌کند، بهره‌مندی‌های مالی خودش را با دیگران تقسیم می‌کند و فقط برای خوشبختی‌های خودش برنامه‌ریزی نمی‌کند، بلکه برای سعادت‌ی ابدی برنامه‌ریزی می‌کند، حرصش کمتر می‌شود، امید و تلاشش زیادتر می‌شود و لذت‌طلبی‌های نامشروعش را کنار می‌گذارد. منظور از سبک زندگی این معنی و شیوه‌ی زندگی است که خودش متناسب با جهان‌بینی هر کسی شکل می‌گیرد.

من در این کتاب حدیث زندگی، سعی کردم احادیث را در ظرف زندگی عادی برای بچه‌ها توضیح بدهم و چنین نباشد که فکر کنیم حدیث فقط یک متن زیباست که پیوند چندانی با زندگی ندارد. وقتی ما حدیث را برای بچه‌ها می‌خوانیم، بدون اینکه توجه آن‌ها را به نمونه‌های واقعی جلب کنیم، آن‌ها درک خوبی از آن پیدا نمی‌کنند. ولی وقتی حدیث را با نمونه‌های امروزی به بچه‌ها توضیح می‌دهیم، به آن به‌عنوان گوه‌ری راهنما و چراغ راه نگاه می‌کنند. در این کتاب من کوشیده‌ام که بچه‌ها حدیث را با مصداق‌های امروزی آن در نظر بگیرند، و با توجه به آن، شیوه‌ی زندگی‌شان تغییر یابد.

■ کدام یک از مطالبی که در کتاب ذکر شده است برای جامعه‌ی امروز ما بیشتر نیاز است؟

این راحت نیست که بگویم کدام مطالب برای جامعه‌ی امروز ما بیشتر لازم است، ولی چند نمونه می‌گویم که به نظر خودم تجربه‌ی زندگی خودم بوده و در این زمینه‌ها کاستی‌های ما بیشتر است. یکی از آن‌ها رفتارهای اجتماعی و برخورد‌های ما با همدیگر است. یعنی ما نسبت درستی را با افراد جامعه برقرار نمی‌کنیم؛ مشتری با فروشنده، فروشنده با مشتری،



ما را زیبا می‌سازد. گفت‌وگو در جمع دانش‌آموزان از آثار این سخنان مفید، خودبه‌خود به حفظ و کاربرد آن می‌انجامد.

بچه‌ها باید از ارزش این حدیث‌ها آگاه شوند. بشارتی به خانواده‌ها بدهم در این زمینه که معصوم فرمود: «سخن ما دل‌ها را زنده می‌کند.» شنیدن این احادیث به دلیل جذابیت و نورانی بودن، تأثیر خود را بر جان و دل افراد می‌گذارد. برای من شنیدن و خواندن حدیث در نوجوانی شیرین بود و حتی اگر بخشی را می‌فهمیدم، دلچسب بود. بعد از مدتی بچه‌ها را این ادبیات انس می‌گیرند و ارزش آن را بیشتر درک می‌کنند.

■ آیا کلیت اثر و داستان‌هایی که در آن است، بر مبنای تجربه‌های زیسته‌ی شما طراحی شده است؟ مطالبی که نوشتم با الهام از زندگی و تجربه‌های خودم بوده است؛ حتی گاهی اسم‌هایی که در این کتاب وجود دارد، از اسامی دوستان و اقوام است. مثلاً یکی از آشنایان در اداره‌ای کار می‌کند که مسافرت خارجی برایش پیش می‌آید. وقتی از سفر و مأموریت بر می‌گردد، ابتدا با خانواده به دیدار پدر و مادر می‌روند. در کتاب هم گفته‌ام آقای چگینی از سفر آمد و به پدر سر زد. نمونه‌های واقعی دارد، اما دنبال آن نبوده‌ام که مثال‌های عینی از زندگی این و آن بیاورم. غالباً دنبال آن بوده‌ام که با نمونه‌ای، حدیث را برای بچه‌ها توضیح دهم و آنان آن سخن حکیمانه و راهنمایی‌کننده را در ظرف زندگی خود ببینند و درک کنند.

که وقتی کسی کتاب را می‌خواند، حس قرابتی با احادیث بیابد و صدای اهل بیت (ع) را در زندگی امروز بشنود.

■ در انتخاب حدیث‌ها بیشتر از چه منبعی استفاده کرده‌اید؟

کتاب «میزان‌الحکمه». این کتاب از کتاب‌های معتبر است، چون منابع را معرفی کرده و احادیث کارشناسی شده را انتخاب کرده است. از نظر تدوین هم موضوعات آن رده‌بندی شده‌اند. کتاب‌های حدیث زیادند، اما باید کتابی جامع در این زمینه انتخاب می‌شد. این منبع ترجمه‌های خوبی هم دارد.

■ در استفاده از این کتاب به‌عنوان منبعی در کلاس برای آموزگاران یا در خانه برای والدین چه پیشنهادی دارید؟

پیشنهاد می‌کنم اجازه بدهیم دانش‌آموز متن را بخواند و درباری آن با هم گفت‌وگو کنیم و ببینیم آیا آن‌ها غیر از ایده‌ای که برای آن حدیث گفته شده است، می‌توانند مثال دیگری بزنند. مثلاً اگر من به آزار و اذیت همسایه و پارک کردن خود در مقابل پارکینگ مردم اشاره کرده‌ام، آیا آن‌ها هم مثالی از زندگی خود می‌توانند ارائه کنند؟ به این صورت حدیث با وسعت نظر بیشتری مورد توجه قرار می‌گیرد.

من خواهش می‌کنم بچه‌ها را به حفظ حدیث وادار نکنید؛ گرچه باید تشویق شوند زمینه‌ی تفکر در احادیث اهل بیت (ع) در آن‌ها به وجود بیاید. باید به آن‌ها نشان دهیم نیازمند راهنمایی اهل بیت (ع) هستیم و این مباحث، زندگی و اخلاق

پدر یا فرزند، فرزند با پدر، برادر با برادر یا خواهر و همسایه با همسایه، معلم با شاگرد، شاگرد با معلم، بیمار با پزشک، پزشک با بیمار. در هر کدام از این‌ها، نسبت‌هایی که آدم‌ها در طول روز با آن‌ها درگیرند، ما شیوه‌های درستی را متأسفانه نمی‌بینیم یا خیلی کمتر می‌بینیم. مثلاً می‌روید پیش پزشک و انتظارتان این است که او به حرف و به مسائل شما گوش بدهد و پرس و جو کند. ولی خیلی از پزشک‌ها همین که می‌رسید، شروع می‌کنند برای شما دارو نوشتن یا اصلاً شما یا همراه شما را نسبت به بیماری‌تان توجه نمی‌کنند که شما مثلاً باید چطور رفتار کنید. یا همسایه‌ها واقعاً از هم خبر ندارند و در آپارتمان نشینی حقوق همدیگر را رعایت نمی‌کنند. به نظر من موارد گوناگون ارتباطی باید در اولویت آموزش‌های اجتماعی ما قرار بگیرد و در سبک زندگی باید همه به‌طور جدی آداب معاشرت صحیح را بدانند و رعایت کنند. در زمینه‌ی سبک زندگی اقتصادی نیز بحث اسراف است که باید از آن دوری کرد. از طرفی هم خیلی‌ها می‌خواهند بدون تلاش به ثروت زیاد برسند و این درست نیست.

■ درباره‌ی انتخاب حدیث و سپس انتخاب داستان در کتاب، کدام یک مبنای بنیان‌گیری بوده است؟

هر دو مورد توجه من بوده است. یعنی دنبال حدیثی بوده‌ام که به زندگی نزدیک‌تر باشد یا حدیثی که بتوان داستان خوبی برای آن گفت. در این زمینه بسیاری احادیث را بررسی کردم تا ببینم کدام یک را بهتر می‌توانم بیان کنم. گاهی هم ماجرای خوبی به ذهن می‌رسید که حدیثی برایش می‌یافتم. هدفم این بود

احترام به تفاوت های فردی!

رفتارهای مثبتی بر سبک های یادگیری یکسان نیستند!



لیلا سلیقه دار
دکترای برنامه ریزی آموزشی

یکی از ضرورت های یادگیری امروزی، فراگرفتن شیوهی یادگیری است و وظیفه ی نظام تعلیم و تربیت از اینکه معلوماتی را از یک نسل به نسل دیگر منتقل کند، بسیار گسترده تر شده است. آموزش چگونه فکر کردن و دانستن درباره ی یادگیری هم برای دانش آموزان و هم معلمان به اصلی جدایی ناپذیر از فرایند یاددهی-یادگیری بدل شده است. به صورت کلی، یادگیری در روان شناسی جایگاه و اهمیت خاصی دارد و یکی از شاخه های تخصصی آن محسوب می شود. همراه با استقلال یافتن روان شناسی یادگیری، مطالعه درباره ی تفاوت های فردی در یادگیری نیز مورد مطالعه قرار گرفته است. از جمله نتایج این مطالعه آن است که افراد متناسب با تفاوت های فردی خود، در یادگیری از سبک های متفاوت استفاده می کنند. شناخت سبک های یادگیری به آموزگار کمک می کند زمینه ی فعالیت های گوناگون مرتبط با هر سبک یادگیری را در کلاس فراهم آورد و به این ترتیب به تفاوت های فردی احترام بگذارد. در این نوشته، بر اساس یکی از دسته بندی های مربوط به سبک یادگیری، به نمونه های کلاسی اشاره شده است.

کلیدواژه ها: سبک یادگیری، فنون تدریس

ترجیح یادگیری

برخلاف هوش و استعداد که توانایی هستند، سبک یادگیری توانایی نیست و به اینکه یادگیرنده چگونه یاد می گیرد اشاره می کند، نه به اینکه به چه خوبی از عهده ی یادگیری برمی آید. می توان سبک یادگیری را به عنوان روشی تعریف کرد که یادگیرنده در یادگیری خود آن را به روش های دیگر ترجیح می دهد. به همین سبب، بعضی روان شناسان، از جمله وولفلک^۱ (۲۰۰۴) اصطلاح «ترجیح یادگیری آ» را بهتر از سبک یادگیری می دانند و برای آن تعریف زیر را ارائه می دهند:

«راه های مورد پسند فرد برای مطالعه و یادگیری، مانند استفاده از تصویر به جای کتاب، کار کردن با دیگران در عوض تنها کار کردن، یادگیری موقعیت های ساختمند در مقابل موقعیت های غیر ساختمند و غیره».

سبک خوب، سبک بد!

از آنجا که دانش آموزان سبک های یادگیری متفاوت دارند و این سبک ها بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی آنان تأثیر می گذارد، لازم است معلمان از چگونگی و انواع آن ها آگاه باشند تا دانش آموزان را در استفاده از سبک های متنوع یادگیری کمک کنند. معلم در برخورد با یادگیرندگان گوناگون باید بپذیرد که هر یک از آنان ممکن است به سبک خاصی از یادگیری، به انجام تکالیف درسی و یادگیری بپردازد. رفتار دانش آموزان نیز به گونه ای با سبک یادگیری آنان در ارتباط است.

بنابراین، لازم است معلم آماده باشد با هر دانش آموز برخوردی متناسب با سبک و شیوه ی یادگیری او داشته باشد. به طور مطلق نمی توان گفت یک سبک یادگیری از سبک دیگر بهتر یا بدتر است. بیان درست تر این است که بگوییم، بسته به شرایط و موضوعات یادگیری، هر سبکی ممکن است خوب باشد یا نباشد. با این حال، معلم نباید تفاوت های فردی را از نظر دور بدارد، بلکه همواره باید به یادگیرندگان فرصت و امکان بدهد تا در موقعیت های گوناگون و در تکالیف متفاوت، سبک های مناسب را به کار بندند و بیشترین استفاده را ببرند (سیف، ۱۳۹۸).



تصویر تزئینی است.



همه در یک قالب

در کلاس‌های درس، گروهی از دانش‌آموزان پشتکار خوبی دارند و می‌توانند از حداکثر توان خود برای مطالعه و یادگیری استفاده کنند، در صورتی‌که عده‌ای هم پشتکار لازم را ندارند و به‌طور مرتب باید به آن‌ها گوشزد کرد چگونه، کجا، چه وقت و تا چه مقدار درس بخوانند.

برای من دست بزنید!

بعضی افراد برای رسیدن به اهدافشان به تقویت و تشویق احتیاج ندارند و در واقع خودانگیزه هستند. در صورتی‌که بعضی دیگر حتماً باید تأیید و تشویق شوند تا موفق‌تر عمل کنند.

■ یکی از جملاتی که غالباً از والدین می‌شنوم، این است که فرزند من حساس است و توجه و تأیید معلم را نیاز دارد. با آن‌ها موافق هستم، اما تجربه‌ام نشان داده است که همه در این زمینه یکسان نیستند. همه‌ساله دانش‌آموزانی دارم که بسیار خودجوش هستند و همین هم موجب می‌شود گاهی فراموش کنم آن‌ها هم به تأیید من نیاز دارند. آن‌ها تکالیف و مسئولیت‌هایشان را بی‌نیاز از نگرانی والدین، تذکر من یا هر یادآوری‌کننده‌ی دیگر، دنبال می‌کنند و شاید در نهایت تنها با دریافت یک بازخورد ساده به ادامه‌ی کار می‌پردازند. این تفاوت‌ها از سبک یادگیری افراد ناشی می‌شوند که همان روش و راه ترجیحی هر شخص برای دریافت، پردازش و ارائه‌ی اطلاعات و ایده‌هاست (Karagiannidis & Sampson, 2004).

برخی دسته‌بندی‌ها در باره‌ی سبک‌های یادگیری، برای تصمیم‌گیری‌های درست و طراحی آموزشی مؤثر به معلم کمک می‌کند.

تغییر را دوست ندارم!

سبک مقاوم در برابر تغییر، در مقابل سبک انعطاف‌پذیر^۳.

افراد دارای سبک مقاوم در برابر تغییر، نسبت به پذیرش شواهد یا نظریه‌های غیرمعمول و غیرمنتظره و ناخواسته تمایلی از خود نشان نمی‌دهند، در صورتی‌که افرادی که سبک انعطاف‌پذیر دارند، بیشترین سازگاری را با نقطه‌نظرات جدید، مختلف یا غیرمنتظره دارند (Bielher & Snowman).

■ تجربه‌ی روش‌های تدریس فعال و متنوع در کلاس را بسیار دوست دارم و از آن‌ها استقبال می‌کنم. گاهی پیش آمده‌است که در ارائه‌ی برخی فعالیت‌ها، مانند مرحله‌ی «برهم‌زدن تعادل» در روش تدریس کاوشگری، متوجه شده‌ام همه‌ی دانش‌آموزان از آن لذت نمی‌برند و درگیر نمی‌شوند. همچنان که برخی دانش‌آموزان در روش‌های تدریس بارش فکری و مباحثه‌ی گروهی بسیار مجذوب شده‌اند و فعالانه شرکت می‌کنند. با این حساب، ایجاد تنوع در روش‌ها و فعالیت‌های گوناگون، کمک می‌کند تعداد بیشتری از دانش‌آموزان را در یادگیری همراه کنم. در عین حال نتیجه گرفتیم، هر زمان تعداد کمی از دانش‌آموزان در فعالیتی نوآورانه همراهی نکردند، آشفته نشوم و از پیش، سایر فعالیت‌ها را به‌گونه‌ای طراحی کنم که چندان غیرمعمول یا غیرمنتظره نباشند و همه‌ی دانش‌آموزان به شیوه‌ی خود درگیر یادگیری شوند.

■ در سال‌های اول معلمی تصور نمی‌کردم لازم است برخی رفتارها را برای همه‌ی دانش‌آموزان دنبال کنم. برای مثال، تکلیف درس تاریخ، روخوانی و مطالعه‌ی درس و پاسخ دادن به سؤالات بود و به‌نظر من، همین اندازه کفایت می‌کرد که همه بدانند چه کاری باید انجام دهند. اما به مرور و در مواجهه با افت برخی دانش‌آموزان و درخواست برخی والدین، متوجه شدم لازم است ساعت و میزان مطالعه و چگونگی آن را هم برای تعداد مشخصی از دانش‌آموزان تعیین کنم. انجام این کار سخت بود، چون ممکن بود میزان تعیین شده با ویژگی یادگیری همان تعداد از دانش‌آموزان چندان تناسبی نداشته باشد. بنابراین، پس از این مرحله تصمیم گرفتم برنامه‌های پیشنهادی را در اختیار بچه‌ها قرار دهم. از آن‌ها دعوت کردم برنامه‌ها را با توجه به شرایط خودشان بررسی کنند و با انتخاب و عمل به آن، متوجه شوند چگونه بهتر یاد می‌گیرند. از آن زمان، به‌ویژه در پایه‌های پنجم و ششم، روند خوبی را در تلاش و یادگیری متناسب با دانش‌آموزان ملاحظه می‌کنم.

کوتاه سخن

مطالعه و آشنایی با سبک‌های یادگیری از دیگر شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان است که می‌تواند به طراحی آموزشی مؤثر کمک کند. برای این منظور نیازی نیست معلم سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان را به تفکیک بداند، بلکه نیاز دارد به دور از تعمیم‌ها و پیش‌داوری‌ها، درباره‌ی رفتار دانش‌آموزان حساس باشد و به ریشه‌های مرتبط با سبک یادگیری آن‌ها در برخوردشان با فعالیت‌های یادگیری توجه نشان دهد. با این نگاه، بسیاری از شیوه‌های ترغیبی برای دانش‌آموزان معنای دیگری پیدا می‌کنند و لزوماً مبصر شدن در کلاس نمی‌تواند شیوه‌ی مؤثری برای تشویق باشد؛ همچنان‌که نوع روش تدریس و راهبردها و فنون تدریس مبتنی بر سبک‌های یادگیری، می‌تواند به پیشگیری و بهبود رفتارهای مورد انتظار و در راستای یادگیری دانش‌آموزان کمک کند.

شیطنت‌های سازنده

سبک خطرپذیری، در در برابر سبک محافظه‌کاری^۶

سبک خطرپذیری، به تفاوت‌های فردی در تمایل به استفاده از فرصت‌ها برای نیل به اهداف مورد نظر، در مقابل تلاش برای کسب اطمینان کامل از موقعیت و اجتناب از موقعیت‌های خطرناک اشاره می‌کند. (Srivastava, 1997)

■ گاهی فکر می‌کنیم دانش‌آموزان شلوغ بچه‌های قانون‌پذیری نیستند، اما می‌نوان از این زاویه هم به این موضوع نگاه کرد که برخی دانش‌آموزان بیشتر از دیگران به ماجراجویی نیاز دارند. آن‌ها آماده‌اند که خطرات را بپذیرند، محدود نباشند و به دلیل اینکه به اندازه‌ی کافی برای انجام کار اطمینان پیدا نکرده‌اند، سرزنش نشوند. برای مثال، از زمانی که «نقشه‌خوانی گنج» را در کلاس پیاده کردم، علاقه‌مندی عده‌ای از دانش‌آموزان را که تصور می‌کردم از بقیه شیطان‌ترند، به شدت احساس کردم و اوضاع رفتاری این دانش‌آموزان خیلی متفاوت شد. در این برنامه، گاهی چیزهای مهم و مورد علاقه‌ی بچه‌ها را در جایی از مدرسه قرار می‌دهم و از آن‌ها می‌خواهم مطابق نقشه آن را پیدا کنند. گاهی برای این کار چندین روز زمان در نظر می‌گیریم و نتیجه فوق‌العاده است.



همه نماینده‌ی خوبی نیستند!

سبک خودگردانی قوی، در برابر خودگردانی ضعیف^۴.

افراد دارای خودگردانی ضعیف یا قوی، با توجه به سطح حرفه‌ای خود، از یکدیگر متفاوت هستند. معمولاً افراد دارای خودگردانی قوی نسبت به افراد دیگر موفقیت‌های بالاتر و موقعیت‌های بهتری پیدا می‌کنند.

■ بین دانش‌آموزان رقابت زیادی برای اینکه به‌عنوان نماینده‌ی کلاس انتخاب شوند وجود دارد، اما دو نکته‌ی مهم در این باره مطرح است؛ اول اینکه همه‌ی بچه‌ها به نماینده و مبصر شدن علاقه ندارند و دیگر اینکه همه‌ی آن‌ها به‌صورت یکسان در انجام این کار موفق نیستند. آن گروه از دانش‌آموزانی که درباره‌ی مدیریت خودشان هم موفق هستند، معمولاً بهتر از سایرین ایفای نقش می‌کنند، انتظارات روشن‌تری دارند و با انرژی بیشتر پیگیر موارد هستند.



منابع:

1. سیف، علی‌اکبر (۱۳۹۸). روان‌شناسی پرورشی نوین: روان‌شناسی یادگیری و آموزش. چاپ ۱۷. دوران. تهران.
2. Woolfolk, A.E., (2004). Educational psychology (3rd ed.). EnglewoodClifs, N.J.: prentice-Hall.
3. Karagiannidis, C & Sampson, D. (2004). Adaptation Rules Relating learning styles Research and learning objects Meta. Workshop on individual Differences in Adaptive Hypermedia, 3th international conference on Adaptive Web based systems (Ah 2004), Eindhoven, Netherlands Available: WWW.iti.gr.
4. Ellis, D. (2004). Discovering how we learn. Available: WWW. Learningstyles.com.
5. Bielher, R.F. & Snowman, J. Psychology applied to teaching (1th ed). Boston Houghton Mifflin Blagrove, M., and Tueker, M. (2114). Individual differences in locus of control and the reporting of lucid dreaming. Personality and Individual Differences. 19(9), 11-914.
6. Srivastava, P. (1997). Cognitive style in educational perspectives. New Dehli (INDIA): Anuol.

نیم‌رخ اجتماعی کلاس من!

نگاهی به کاربرد آموزه‌های

روان‌شناسی اجتماعی در کلاس



دکتر مرتضی مجدفر

نخستین بار که معلم شدم، محل خدمت در یکی از مدرسه‌های دورافتاده‌ی یکی از مناطق جنوبی شهر بود. به‌رغم اینکه مدرسه بزرگ و از امکانات و فضاهای آموزشی خوبی برخوردار بود، دانش‌آموزان بسیار ناهمگنی داشت. تعدادی از بچه‌ها از محله‌ای به مدرسه می‌آمدند که پدرانشان به نسبت افراد متمولی بودند. این عده، به‌رغم وضع مالی مطلوب، چنان به درس و مشق فرزندان خود اهمیتی نمی‌دادند. به غیر از این گروه، شاهد دسته‌های متفاوت دیگری از دانش‌آموزان در مدرسه بودیم. برای مثال، در گوشه‌ای از محدوده‌ی مدرسه، گروهی از مهاجران زندگی می‌کردند که غالباً در میدان میوه و تره‌بار در مقام کارگر شاغل بودند و فرزندانشان هم دانش‌آموزان ما. به علت فاصله‌ی به‌نسبت نزدیک با کشتارگاه، پدران برخی از بچه‌ها هم کارگران کشتارگاه بودند. تا این جای ماجرا مشکل چندانی در بین نبود. بالاخره دانش‌آموزانی داشتیم از اقوام گوناگون که حداقل پدران آن‌ها صاحب شغل و درآمد بودند. معضل اصلی ما با بچه‌هایی بود که از محلات جنوبی‌تر منطقه نزد ما می‌آمدند و اصلاً اصطلاحی با عنوان «خانواده‌ی پایدار» برای آن‌ها معنی نداشت. برخی از پدران این دانش‌آموزان زندانی بودند و فاجعه‌ی وقتی کامل می‌شد که گاهی مادران هم توان اداره‌ی خانواده را نداشتند! این گروه از دانش‌آموزان، چالش بزرگ مدرسه‌ی ما بودند: درس نمی‌خواندند، پرخاشگر بودند، و از همه مهم‌تر سر و وضع درست و بهداشت مناسبی نداشتند. دقیقاً نسبت این گروه، با آن بیست درصدی که از خانواده‌های به‌نسبت متمول به مدرسه می‌آمدند، برابر بود. در چنین وضعیتی، طبیعی بود من و همکارانم که نخستین سال‌های حضورمان را در آموزش و پرورش می‌گذراندیم، با سختی‌های فراوانی در تدریس و تربیت مواجه می‌شدیم. در واقع همه‌ی کلاس‌های مدرسه‌ی ما به نوعی تحلیل روان‌شناختی و اجتماعی نیاز داشت و تا نمی‌توانستیم تک‌تک دانش‌آموزانمان را بشناسیم و متناسب با ویژگی‌های خانوادگی و اجتماعی و خصوصیات که هر یک داشتند، یا از جامعه و خانواده کسب کرده بودند، ارائه‌ی طریق کنیم، کار به خوبی پیش نمی‌رفت.

تبدیل مشکل به مسئله

در سال‌هایی که در این مدرسه تدریس می‌کردم، دریافتیم باید با واقعیت کنار بیایم. کلاس‌های من با تمامی دانش‌آموزانی که در هر یک از آن‌ها وجود داشت، اگر چه «چالش‌ای» بود که پیش رویم قرار گرفته بود، ولی تازمانی که نسبت به تبدیل مشکل به مسئله و حل آن اقدام نمی‌کردم، ناموفق باقی می‌ماندم. تصمیم گرفتم به اعضای کلاس‌های خودم از زاویه‌ی دید روان‌شناسی اجتماعی نگاه کنم و اطلاعاتی را که از آن‌ها به دست آورده‌ام، به یاد بسپارم و در هنگام تدریس، پرسش در کلاس، ارائه یا دیدن تکالیف، ارزشیابی‌های عمومی و اختصاصی، و از همه مهم‌تر برخورد‌های تربیتی و رفتاری با هر یک از آن‌ها، از این اطلاعات استفاده کنم.

بخش اعظم این اطلاعات از فرم‌های ثبت‌نام و مشخصات آن‌ها قابل دسترس بود و به برخی از اطلاعات مانند بدسریستی پدر، مادر یا هر دو نیز در طول زمان دست می‌یافتیم. البته در مورد دانش‌آموزان سال‌های بالاتر، به سبب سابقه‌ی حضور آن‌ها در مدرسه، وضع مطلوب‌تر و اطلاعات بیشتری در دسترس بود. اگر چه کم‌سابقه و تقریباً بی‌تجربه بودم، ولی این اطلاعات شخصی و خانوادگی به من کمک می‌کرد بی‌گدار به آب نزنم و وضع را از آنچه هست، خراب‌تر نکنم. برای مثال، برخی از معلمان برای معارفه با دانش‌آموزان خود در آغاز سال تحصیلی، از آن‌ها می‌خواهند خودشان را معرفی کنند و بگویند نمرات سال قبلشان در چه حدی بوده و حتی پدرشان چه کاره است!

خب، از ذکر نام و نام خانوادگی فرد که بگذریم، وقتی من می‌دانم دانش‌آموزم با وضعیت نه‌چندان خوبی از پایه‌ی پایین‌تر آمده یا سطح معدلش چنان پایین است که دوست ندارد در جمع دوستانش آن را بیان کند، چه ضرورتی دارد چنین بساط معارفه‌ای را در کلاسم برپا کنم؟ وقتی دانش‌آموزان من از طبقات اجتماعی گوناگون و با شرایط ناهمگنی در کنار هم جمع شده‌اند، هنرمندی من در این است که درک درستی از ویژگی‌های روان‌شناختی تک‌تک بچه‌های کلاس داشته باشم و از این نکات کلیدی در مدیریت کلاس درس، تدریس و تربیت استفاده کنم.

مدیر فبیم

اقبال خوب من در آن سال‌ها، به‌رغم حضور در مدرسه‌ای پرجمعیت با هزار و یک مشکل تربیتی، برخوردار بودن از مدیری دلسوز و اهل علم و عمل در مدرسه بود که شرایط سخت‌کاری

را تسهیل می‌کرد. در سومین و چهارمین سال تدریس، آقای مسلمی‌زاده، مدیر مدرسه‌ی ما، در شورای معلمان، وقتی برایم تعیین کرد و خواست آنچه را در کلاس‌هایم انجام می‌دهم، برای بقیه شرح دهم. اگر چه برخی از معلمان از عبارت همیشگی «نمی‌شود» استفاده می‌کردند، ولی همراهی کنندگانم بسیار زیاد بودند و این را از پرسش‌ها، نکته‌ها و توضیحات ریزبینانه‌ای که بعضی همکاران در زنگ‌های تفریح با من در میان می‌گذاشتند، متوجه می‌شدم.

نیم‌رخ اجتماعی کلاس درس

در پنجمین سال خدمتم، به درخواست مدیران، از معاون آموزشی مدرسه شدم. به مدرسه‌ی ما، به دلیل فراوانی جمعیت دانش‌آموزی آن، دو معاون تعلق می‌گرفت؛ هم برای اداره‌ی پایه‌ها و هم هماهنگی معاونان و نقش ارشدی آن‌ها. مدیران این کار را به آقای موسوی سپرده بود؛ همکار خبره‌ای که حوصله‌ی بسیار زیادی داشت و علاوه بر مسئولیت‌هایی که عنوان کردم، قاضی‌القضات مدرسه هم بود. چرا که تراکم کاری ما معاون‌ها بالا بود و فرصت رسیدگی به همه‌ی غیبت‌ها، درگیری‌ها و اختلافات، درس نخواندن‌ها و... را نداشتیم. از این رو، پرونده‌ای یک صفحه‌ای تشکیل و مشکل را به آقای موسوی ارجاع می‌دادیم. ایشان هم برای مورد رخ داده، در زیر همان برگه، به اصطلاح «رأی» صادر می‌کرد که برای همه‌ی ما قابل پذیرش بود. برنامه‌های من در کار معاونت بسیار فراوان بود، ولی از بین همه‌ی آن‌ها، با توجه به زمان انتشار این نوشته در شماره‌ی آذر ماه رشد ابتدایی، تنها می‌خواهم به ترسیم نیم‌رخ اجتماعی کلاس‌های درسم اشاره کنم.

نمودار نیم‌رخ کلاس‌ها چگونه شکل گرفت؟

با تجربه‌ای که از مدیریت کلاس‌های خودم به دست آورده بودم، به‌محض اینکه معاون آموزشی مدرسه شدم، درصدد اجرای طرح نیم‌رخ اجتماعی کلاس‌های درس برآمدم. یکی از محاسن مدرسه‌ی ما، داشتن کلاس‌هایی استاندارد از لحاظ طراحی فضای آموزشی و یکنواختی به جهت معماری ساخت بود، به‌طوری که همه‌ی کلاس‌ها هم‌اندازه و برای حضور ۳۶ دانش‌آموز مناسب بودند و محل‌های تعبیه‌ی تخته‌سیاه، استقرار آموزگار و ورود و خروج دانش‌آموزان نیز در همه‌ی آن‌ها یکسان بود.

برای اجرای طرح نیم‌رخ اجتماعی کلاس‌های درس، فرمی تهیه کردم که نشانگر شمای فیزیکی یک کلاس

از کلاس‌های درس مدرسه بود. پس از ثبت‌نام هر دانش‌آموز در مدرسه، اطلاعات اختصاصی او را از روی فرم ثبت‌نام، مندرجات سال قبل پرونده‌ی وی، پرس‌وجو با مدیر، معاونان و آموزگاران سال قبل به دست می‌آوردم و روی برگه‌های کوچکی نزد خودم نگهداری می‌کردم. به‌رغم آنکه همراهی خیلی مناسبی را از سوی خانواده‌ها شاهد نبودیم، همه‌ی بچه‌ها را از موظف می‌کردم روز سی‌ام شهریورماه در مدرسه حاضر باشند. برای آنکه با تراکم دانش‌آموز روبه‌رو نشویم، کلاس‌ها را به دسته‌های سه یا چهارتایی تقسیم و هر دسته را در ساعت مشخصی از روز سی‌ام شهریورماه به مدرسه دعوت می‌کردم و تقریباً با هر کلاس نیم ساعت کار داشتیم.

دانش‌آموزان هر کلاس را که قبلاً به شیوه‌ای که می‌توانست مطلوب باشد، کلاس‌بندی کرده بودم، به ترتیب قد ردیف می‌کردم و به هر کدام از آن‌ها از ۱ تا ۳۶، شماره‌ای می‌دادم. البته اگر احیاناً تعداد دانش‌آموزان یک کلاس از ۳۶ نفر کمتر می‌شد، ضمن مشخص کردن چنین موردی، موضوع را با دانش‌آموزان در میان می‌گذاشتم. معمولاً در کلاس‌هایی که دانش‌آموزان تنومند و بلندقد داشتیم، به‌جای نشان دادن سه نفر در یک ردیف، از یک ردیف سه کلاس یک نفر می‌گاستم و به دو نفر، یک ردیف سه تایی اختصاص می‌دادم تا در هنگام نشستن به‌سختی نیفتند.

وقتی همه شماره‌ی خود را می‌شناختند، صف را تشکیل می‌دادیم و به‌طور آزمایشی همراه هم به کلاس می‌رفتیم. به‌این ترتیب بچه‌ها هم محل کلاس خود را می‌شناختند هم به‌طور منظم و ردیفی، از شماره‌ی ۱ تا ۳۶، سر جاهای خود می‌نشستند. در این هنگام، اگر کلاسی کمتر از ۳۶ نفر دانش‌آموز داشت، محل‌های خالی را به آن‌ها یادآور می‌شدم و نیز به‌صورت اجمالی، نگاهی به قیافه‌ی بچه‌ها می‌انداختم تا اگر موارد اختصاصی و ویژه‌ای وجود دارد، آن‌ها را یادداشت و در اسرع وقت نسبت به حل آن‌ها اقدام کنم. برای مثال، اگر دانش‌آموز عینکی بلندقدی را در ردیف آخر می‌دیدم، نام او را می‌نوشتیم تا بررسی کنم که اگر لازم باشد، او را به قسمت‌های کناری ردیف‌های اول یا دوم منتقل کنم که ضمن کمک به چگونگی دیدن او، مشکلی از لحاظ ایجاد مانع برای دیدن پشت‌سری‌ها هم ایجاد نشود. البته حرکت از حیاط مدرسه به‌سوی کلاس، فرصتی بود تا به نوع راه رفتن بچه‌ها هم توجه کنم و احیاناً اگر کسی دچار معلولیت یا نارسایی‌های

- از کجا می‌دونست من پارسال تو مسابقات ورزشی رتبه آوردم؟!
 - می‌دونست من خوب قرآن می‌خونم!
 - خیلی خوبه که این آقا معلمون شده!

نتیجه‌گیری

به‌عنوان کسی که سال‌هاست در سمت‌های گوناگون آموزشی، تربیتی و پژوهشی کار کرده‌ام، «شناخت مخاطبان»، «اولویت دادن به ویژگی‌های شخصی، خانوادگی و اجتماعی آن‌ها»، «بهره‌گیری از ویژگی‌های مثبت در کار آموزش و تربیت» و «چشم‌پوشی از ویژگی‌های منفی» را اصلی‌ترین وظایف آموزشکاران و مدرسه‌ای می‌دانم.

در اختیارشان قرار داده‌ام، وارد کلاس‌های درس می‌شوند، ابتدا از بچه‌ها بخواهند خودشان را معرفی کنند. البته در نظر داشته باشید چون در زیر نام هریک از آن‌ها ویژگی‌هایشان را ذکر کرده‌بودم، نیازی به پرسیدن ویژگی‌ها نبود و البته همکاران باید طوری عمل می‌کردند که دانش‌آموزان نیز متوجه بودن چنین اطلاعاتی نزد معلمان نشوند. از این به بعد، بخش شیرین ماجرا آغاز می‌شد و معلمان می‌توانستند قدرت شناخت خود را به رخ دانش‌آموزانشان بکشند و مثلاً نام و نام‌خانوادگی دانش‌آموزی را که یک ساعت پیش خود را معرفی کرده بود، تکرار کنند و با انگشت گذاشتن بر ویژگی‌های مثبتی که در زیر نام وی نوشته شده بود، او را شگفت‌زده کنند.

همان سال‌ها، وقتی در همان روزهای اول سال تحصیلی میان بچه‌ها می‌رفتم، از شنیدن گفت‌وگوهای بچه‌ها لذت می‌بردم:

- عجب معلمی‌یه! یه بار اسممو گفتم، یادش مونده.

دیگری است، در سازمان‌دهی فیزیکی کلاس‌ها، شرایط او را مورد عنایت قرار دهم. بعد از این مراسم کوتاه و آشنایی دانش‌آموزان با جایگاه استقرار خود در کلاس درس و تکرار آن برای همه‌ی کلاس‌ها، کار اصلی من شروع می‌شد.

تکمیل فرم‌ها

هر فرم یک راهنما داشت که توضیحاتی در سمت راست آن درج شده بود.

وقتی اسم هریک از بچه‌ها را در خانه‌های مربوط به خودشان می‌نوشتم، از روی برگه‌های کوچکی که در مورد ویژگی‌های آن‌ها تهیه کرده بودم، در زیر نام هر دانش‌آموز، علامت مرتبط با همان ویژگی را درج می‌کردم.

تکمیل این فرم‌ها خیلی وقت می‌گرفت، ولی سعی می‌کردم هم‌زمان با بازگشایی مدرسه‌ها و اولین حضور معلمان در کلاس‌های درس، آن‌ها را با دست پر روانه‌ی کلاس کنم.

به همکاران گفته بودم وقتی با نمودار نیم‌رخ‌ی که

بی‌نوشت
 ۱. برای اطلاع از شیوه‌های کلاس‌بندی نگاه کنید به: مجدفر، مرتضی (۱۳۹۰). مدیریت آموزشگاهی در عمل. انتشارات مدرسه (چاپ ششم). تهران. بخش مربوط به کلاس‌بندی. فصل پنجم.

نمودار نیم‌رخ کلاس دوم ... - سال تحصیلی ...

راهنمای نیم‌رخ

- دو ساله
- پسر نژاد
- + پدر و مادر متارکه
- * پسر زندانی
- x مادر زندانی
- oo پدر و مادر زندانی
- o ترک زبان
- o کرد زبان
- o پدر معتاد
- پدرو مادر معتاد
- < سابقه درگیری
- * دانش‌آموز ممتاز
- ▲ برترنده اخلاقی
- Ω برگزیده ورزشی
- o برترنده فرسی
- و
- موارد دیگر:

القدار احمدی	ستار میرزایی	محمود صدیق	مینو عبیدی	عماد اصغری	عمران نوری	علی سیف	رضا برنجی	زهیر اذرنک
فرشاد محیی	پاسر مرادی	محمود اکبریور	طیبرضا پازوکی	احمد فرهانی	بیزن نامجو	حسن مفذادی	رضا تاجیک	رسول قربانی
امید نمازی	رحب اکبری	فانسم حدادی	بهمن رودسری	زاهد حسینی	آرش سرهنگی	محسن توکللی	حمید شامیری	پرویز گنگری
سیامک ابراهیم	علی آذرفرار	شرفیه کریم	رعد نوره	پاشار کمالی	رضا حسینی	احمد داوری	محمود رنجی	علیرضا قلمی
					< + Ω	Ω # ▲	o o o	▲ # o

تخته کلاس

عنوان صحنی

محل استقرار معلم

کتابخانه اسبها و اطلاعات منابع در پای پنج اسم مشخص شده، فرضی و تصادفی درج شده است.

در ورودی

بنویسیم اما نخوانیم

کلمات استثنا در خط و زبان فارسی

واج‌ها یا حروفی که می‌خوانیم، با تعداد حروفی که می‌نویسیم برابری ندارد. به همین دلیل به آن‌ها کلمات استثنا گویند.

به منظور تقویت مهارت خواندن و نوشتن در دوره‌ی ابتدایی، شناخت کلمات استثنا، آشنایی با روش تدریس مناسب آن‌ها و مهم‌تر از آن، به کارگیری روش تدریس مناسب این‌گونه کلمات، مهارت‌های خوانداری و نوشتاری دانش‌آموزان را در این دوره‌ی تحصیلی که مهم‌ترین مرحله‌ی آموزش این‌گونه موارد است تقویت خواهد کرد.

محمد حسن بهروزیان
مدرس دانشگاه فرهنگیان



انواع کلمات استثنایی در زبان فارسی کدام‌اند؟ تفاوت کلمات استثنایی با کلمات عادی در چیست؟ به چه کلماتی کلمات استثنایی و به چه کلماتی کلمات عادی گویند؟

شناخت تفاوت بین کلمات استثنایی با کلمات عادی در انتخاب روش تدریس مناسب این‌گونه کلمات چه نقشی دارد؟

روش تدریس کلمات استثنایی با کلمات عادی چه تفاوتی دارد؟ آشنایی با روش تدریس کلمات استثنایی با کلمات عادی چه تأثیری در تقویت مهارت‌های خوانداری و نوشتاری دانش‌آموز دارد؟ از چه پایه‌ای در کتب فارسی دوره‌ی ابتدایی آموزش کلمات استثنایی شروع و در چه پایه‌ای کامل می‌شود؟ تدریس زود هنگام کلمات استثنایی در یادگیری بهتر دانش‌آموز مؤثر است؟

کلیدواژه‌ها: واو معدوله، الف مقصوره، تنوین، تشدید، نشانه‌ی «ع»، همزه و کرسی همزه

نشانه‌ی «ای-ی» در کلمه

کلمات از نظر ارتباط زبان با خط به دو گروه تقسیم می‌شوند: کلمات عادی و کلمات استثنایی. این تقسیم‌بندی تقریباً در تمام زبان‌های زنده‌ی دنیا وجود دارد.

الف) کلمات عادی: کلماتی هستند که خواندن و نوشتن آن‌ها یکسان است و به عبارتی، حروفی که در خواندن کلمه تلفظ می‌شوند، در نوشتن به همان اندازه عیناً تکرار می‌شوند، مانند: کتاب، صندلی.

ب) کلمات استثنا: کلماتی هستند که خواندن و نوشتن آن‌ها یکسان نیست. بدین معنا که تعداد

انواع کلمات استثنا در خط و زبان فارسی

۱. کلماتی که در خواندن آن‌ها حروف یا واج‌های بیشتری تلفظ می‌کنیم، ولی در نوشتنشان حروف کمتری به کار می‌بریم، مانند: «خیابان، بیابان، سیاه و بیابا». در این واژه‌ها دو حرف «ای-ی» تلفظ می‌شود، ولی در نوشتن فقط یکی از آن‌ها را می‌نویسیم. در نتیجه بین خواندن و نوشتن این کلمات تفاوت ایجاد می‌شود. این شرایط در صورتی در کلمه اتفاق می‌افتد که بعد از مصوت «ای» نشانه‌ی صامت «ی» تلفظ شود. در تدریس این نوع کلمات باید از روش «تدریس کلی» استفاده کنیم، به این معنی که به روش تحلیلی، یعنی بخش و صداکشی حروف، تدریس نکنیم. نکته: کلماتی که در خواندن آن‌ها اول صامت «ی» و سپس مصوت «ای» تلفظ می‌شود، چون هر دو نشانه «ی-ای» را هم می‌خوانیم و هم می‌نویسیم، از گروه کلمات عادی محسوب می‌شوند، مانند: «پایین، پاییز». روش تدریس آن‌ها نیز مانند سایر کلمات عادی است.

۲. کلماتی مانند خواهش و خواهر که در آن‌ها حروفی نوشته می‌شوند، ولی خوانده نمی‌شوند. برای تدریس آن‌ها نیز باید از روش تدریس کلی استفاده شود. در این‌گونه کلمات حرف «و» نوشته می‌شود، ولی خوانده نمی‌شود. به این «واو»

اصطلاحاً معدوله می‌گویند. درباره‌ی سابقه‌ی تاریخی این نشانه در کتاب «سبک‌شناسی» محمدتقی بهار چنین آمده است:

خو - این حرف در قدیم و بعدها دو حرف مرکب بوده است و شکل پهلوی آن «خو» است. چنانکه شکل اسلامی آن نیز «خو» بوده است و «واوی مخصوص» را که بعد از حرف «خ» قرار می‌گرفته است، واو معدوله می‌نامیده‌اند و تلفظ آن ترکیبی از «خ» و «و» بوده، چون «خونای» و «خورزمی» و «خورآسان» در تلفظ باید حرف اول را ابتدا ساکن خواند و «واوی» مفتوح را در آن فرو برد. در قرون اخیر تلفظ

این حرف فراموش شده است و تنها گردان مغرب ایران آن را درست تلفظ می‌کنند و بختیاریان «خاء» مفتوح و طبرستانیان «خاء» مکسور و سایرین «خاء» مضموم ادا سازند، مثل: خورد، خرد، خود و... و تازیان نیز این حرف را نداشته و ندارند. بنابراین «خوارزم» را به فتح خا و به تصریح «واو» گویند و گاه «واو» بعد از «خ» حذف می‌شود، مانند: «خراسان و خرداد» (بهار، ۱۳۸۵).

شرایط واو معدوله

شرایطی که در خط به وجود می‌آید تا حرف «واو» در زبان معدوله شود، از این قرار است که باید پیش از «واو» حرف «خ» و بعد از آن یکی از حروف «ا - ی» بیاید. برای مثال در کلمات «خویش، خواهر، خواسته، خواهش، خواجه، خواربار، خوان و خواب». اگر بعد از «واو» حرف دیگری جز «ا - ی» باشد، به صدای ضمه تلفظ می‌شود، مانند: «آخور، آبخوست، آبخور، برخوردار». در این گونه کلمات واو معدوله باید درست تلفظ شود. حرف «خ» که پیش از واو معدوله است، در قدیم به آهنگی تلفظ می‌شده که اکنون متروک است. در این زمان، اگر حرف بعد از واو معدوله «ی» باشد، به صدای «یای» کشیده تلفظ می‌شود، مانند خویش، خوید. جز در کلمه‌ی «خوی» به معنی عرق و نیز نام شهری در آذربایجان که به صدای «یای» نرم تلفظ می‌شود. اگر بعد از واو معدوله «الف» باشد، به صدای «الف» تلفظ می‌شود، مانند «استخوان، باد خوان، تنخواه، خوارزم، خوانسار».

۳. کلماتی مانند «نوک، جو و دو» که در خواندن واج «ا» تلفظ می‌شود، ولی در نوشتن از واج «واو» استفاده می‌کنیم و اصطلاحاً به آن «ا» استثنا می‌گویند. این گونه کلمات مانند سایر کلمات استثنا الزاماً با روش تدریس کلی باید تدریس شوند.

۴. کلمات تنوین‌دار. مانند تقریباً، حتماً و احتمالاً. در خواندن حرف پایانی این کلمات صدای «ان» تلفظ می‌شود، ولی در نوشتن نشانه‌ی «ا» را می‌نویسیم.

۵. کلمات مختوم به «الف مقصوره». یعنی کلماتی مانند حتی، مرتضی و عیسی. در پایان این کلمات صدای «ا» تلفظ می‌شود، ولی «ی» نوشته می‌شود. برای تدریس این نوع از کلمات هم لازم است از روش تدریس کلی استفاده شود.

مصوت شروع شده‌اند، از نظر آواشناسی یک نشانه‌ی همزه‌ی مقدم بر مصوت دارند که اولین حرف آن‌ها محسوب می‌شود. بنابراین، همان‌گونه که گفته شد، در واژگان فارسی همزه تنها در آغاز می‌آید. به همین سبب، کلماتی که با همزه آغاز می‌شوند، اگر در اول جمله قرار گیرند، همزه‌ی آن‌ها تلفظ می‌شود، ولی چنانچه این کلمات در وسط جمله بیایند و یا جزء دوم یک کلمه‌ی ترکیبی باشند، می‌توان همزه‌ی آن‌ها را تلفظ نکرد. به این دو جمله توجه کنید: «او را دیدم. از او پرسیدم.» در جمله‌ی اول همزه‌ی «او» تلفظ می‌شود، ولی در جمله‌ی دوم همزه خوانده نمی‌شود. همچنین است در کلمه‌ی «این» در دو جمله‌ی زیر که در اولی همزه تلفظ می‌شود و در دومی تلفظ نمی‌شود. این کتاب را بردار. همین کتاب را بردار.

بر همین اساس است که در اشعار فارسی، غالباً به ضرورت وزن شعر، همزه‌ی آغازین کلمات میان بیت را حذف می‌کنند؛ مانند این بیت از حافظ:

در این بازار اگر سودی است با درویش خرسند است
خدایا منعم گردان به درویشی و خرسندی
برای رعایت وزن شعر، باید آن را با حذف همزه‌های آغازین خوانند. همچنین است این بیت از فردوسی:

ندانم که عاشق گل آمد گر ابر
که از ابر بینم خروش هژبر

همزه‌ی «ابر» در مصراع اول تلفظ نمی‌شود، ولی در مصراع دوم باید تلفظ شود. بنابراین، در زبان فارسی همزه‌ی آغازین در تقابل با عدم خود قرار نمی‌گیرد. توجه به این نکته در تدریس فارسی دوره‌ی ابتدایی الزامی است و همکاران گرامی باید به آن توجه خاص داشته باشند، چرا که اگر رعایت این اصول در دوره‌ی ابتدایی نهادینه شود، در صحیح خواندن متن نقش مهمی ایجاد می‌کند.

قواعد املایی کرسی همزه

املای کرسی همزه، با توجه به اینکه در اول، وسط یا پایان کلمه بیاید، متغیر و تابع شرایطی خاص است.

۱. همزه در اول کلمه: گفته شد که در کلمات فارسی سره، همزه تنها در اول کلمات می‌آید که در این حالت به صورت الف نوشته می‌شود، مانند ابر و انار. در زبان فارسی، اگر فعلی با همزه شروع شود و پیش از آن «با» تأکید یا «نون» نفی بیاید، همزه به «ی» بدل می‌شود. مانند بینداخت،

۶. کلمات تشدید دار. در این نوع کلمات، دو حرف صامت خوانده می‌شود، ولی در نوشتن یکی از حروف را می‌نویسیم و به جای بار دوم از علامت تشدید (ّ) استفاده می‌کنیم. کلماتی نشانه‌ی تشدید را می‌پذیرند که: الف) دو حرف صامت پشت سرهم در آن‌ها تکرار شود.

ب) اولین حرف صامت در یک بخش و دومین حرف صامت در بخش دیگر قرار داشته باشد.
ج) حرف اول ساکن و حرف دوم متحرک باشد.
د) این شرایط در کلمات ساده باشد. در کلمات غیر ساده، اگر چه سه شرط بالا موجود باشد، ولی کلمه تشدید نمی‌گیرد. برای مثال کلماتی همچون «بررسی و یادداشت»، چون کلماتی غیر ساده هستند، علامت تشدید نمی‌پذیرند.

۷. کلماتی که نشانه‌ی «ع» در آن‌ها به کار رفته است. در زبان فارسی معیار برای حرف «ع» صدای مشخصی نداریم. مثل کلمات علم، معلم، شمع و شروع. لذا در تدریس این واژه‌ها نیز الزاماً باید از روش تدریس کلی استفاده شود.

۸. کلماتی که نشانه‌ی همزه «ء» دارند، مانند: «رأی، مسئله، جزء». چون این نوع واژگان خواندن و نوشتن یکسانی ندارند، از گروه کلمات استثنايي محسوب می‌شوند و روش تدریس آن‌ها به شیوه‌ی کلی است.

در کتاب‌های فارسی دوره‌ی ابتدایی، به منظور تسهیل در یادگیری بهتر کلمات استثنا، همه‌ی آن‌ها در کتاب فارسی کلاس اول نیامده‌اند. از گروه کلمات استثنا، کلمات دارای «الف مقصوره» در کلماتی مانند حتی و مرتضی، و کلمات دارای نشانه‌ی «توین» مانند تقریباً و مثلاً و نشانه‌ی «همزه» مانند جزء، رأی و مؤمن، در کتاب فارسی دوم ابتدایی آمده‌اند و بقیه‌ی کلمات استثنا در فارسی پایه‌ی اول آمده‌اند. لذا کلیه‌ی کلمات استثنا نباید در پایه‌ی اول تدریس شوند.

املای همزه در خط فارسی

در زبان فارسی همزه در آغاز کلمه می‌آید. به عبارت دیگر، تمام کلماتی که در وسط همزه دارند، مانند «جرأت» یا کلماتی که در پایان همزه دارند، مانند «شیء» کلماتی عربی محسوب می‌شوند و ریشه‌ی فارسی ندارند. از طرف دیگر، در زبان فارسی هیچ کلمه‌ای با مصوت شروع نمی‌شود. باید توجه داشت، کلمه‌هایی مثل اسب، آبادان، ایمان، اجاق و مانند این‌ها که به ظاهر با

<p>به صورت الف است. مانند: آسب، آبر</p>	<p>در اول کلمه</p>	
<p>(الف ساکن (تابع حرکت ماقبل است) ۱. همزه‌ی ساکن ماقبل مفتوح: روی «الف» می‌آید. مانند: مأمور، باس، تأسیس ۲. همزه‌ی ساکن ماقبل مکسور: روی «دندانه» می‌آید. مانند: بئس، بئر ۳. همزه‌ی ساکن ماقبل مضموم: روی «واو» می‌آید. مانند: مؤمن، رؤیت و مؤتمن</p>		
<p>ب (متحرک (به سه شکل است: مفتوح؛ مکسور؛ مضموم) ۱. مفتوح: (الف) کرسی همزه‌ی مفتوح ماقبل ساکن روی «الف» است. مانند: تأمل، تأخر، تأدب (ب) کرسی همزه‌ی مفتوح ماقبل ساکن روی «الف» است. مانند: هیأت و جرأت (پ) کرسی همزه‌ی مفتوح ماقبل مضموم روی «واو» است. مانند: مؤدب و مؤکد ۲. مکسور: کرسی همزه‌ی مکسور همیشه به صورت دندانه است. مانند: رسائل، مسائل، جرائم و جوائز ۳. مضموم: کرسی همزه‌ی مضموم همیشه به صورت «واو» است. مانند: رؤف، مسؤولیت و رؤس</p>	<p>در وسط کلمه</p>	<p>کرسی همزه</p>
<p>(الف) حذف می‌شود؛ همزه بعد از مصوت بلند حذف می‌شود؛ مثل: املا و انشا (ب) حذف نمی‌شود: ۱. پس از حرف صامت؛ مانند: شیء ۲. در مواردی که دو واژه‌ی متفاوت یکسان تلفظ شوند. مانند: «سوء - سو» «جزء - جز»</p>	<p>در آخر کلمه</p>	

بیغروخت و بیفتاد. اگر همزه مکسور باشد، به حال خود باقی می‌ماند؛ مانند: بایست. اگر فعل با «الف کشیده» یا «مد» آغاز شود، باز هم قلب به «پاء» می‌شود مانند: بیمار است، بیامد، نیرزد.

۲. همزه در وسط کلمه: هرگاه کرسی همزه در وسط کلمه بیاید، در ابتدا تابع حرکت خود همزه است و به صورت ساکن یا متحرک خواهد بود، مانند:

(الف) همزه‌ی ساکن در وسط کلمه: کرسی همزه در وسط کلمه متناسب با حرکت حرف ماقبل همزه خواهد بود و انواعی دارد:

الف - ۱ - کرسی همزه‌ی ساکن ماقبل مفتوح با «الف» نوشته می‌شود، مانند: مأمور، مألوف، یأس، تأسیس، مأذن، مأمول، مأمون، مأخذ.

الف - ۲ - کرسی همزه‌ی ساکن ماقبل مکسور روی دندانه قرار می‌گیرد، مانند: بئر، بئس.

الف - ۳ - کرسی همزه‌ی ساکن ماقبل مضموم روی «واو» است، مانند: مؤمن، رؤیت، مؤتمر، مؤتمن.

(ب) همزه‌ی متحرک در وسط: کرسی همزه‌ی متحرک در وسط ممکن است مفتوح یا مکسور یا ساکن باشد که تابع قوانین زیر است:

ب - ۱ - کرسی همزه‌ی متحرک مفتوح دقیقاً مانند زمانی است که همزه ساکن است. یعنی کرسی همزه تابع حرکت حرف ماقبل خود است:

ب - ۱ - ۱ - کرسی همزه‌ی مفتوح ماقبل مفتوح، الف است؛ مانند: تأمل، تأخر، تأدب، تأسف، تأسی، تألم و تائی.

ب - ۱ - ۲ - کرسی همزه‌ی متحرک مفتوح ماقبل ساکن الف است، مانند: هیأت، جرأت.

ب - ۱ - ۳ - کرسی همزه‌ی مفتوح ماقبل مضموم روی نشانه‌ی «واو» است، مانند: مؤمن، مؤدی، مؤذن، مؤسس، مؤکد.

ب - ۲ - کرسی همزه‌ی مکسور:

هرگاه همزه‌ی متحرک و مکسور در وسط کلمه باشد، کرسی آن به صورت دندانه نوشته می‌شود، مانند: رسائل، مسائل، جرائم و جوائز. از آنجا که در کلمات فارسی همزه در میان کلمات واقع نمی‌شود، گاه گویندگان فارسی زبان همزه‌ی میانی کلمات دخیل را که بین دو مصوت «آ» و «ای» قرار دارد، به قیاس از صامت میانجی، به نشانه «ی» بدل می‌کنند، مانند: «جائز - جایز»، «رسائل - رسایل»، «جوائز - جوایز».

خلاصه‌ی قواعد املای کرسی همزه

ب - ۳ - کرسی همزه‌ی مضموم

هرگاه همزه‌ی مضموم در وسط کلمه بیاید، کرسی آن «واو» است، مانند مسؤول، مؤنت.

۳. همزه در آخر: در زبان فارسی، همزه‌ی پایان واژه بدون کرسی می‌آید، مانند جزء و شیء. و اگر پس از مصوت بلند باشد، همزه‌ی آن حذف می‌شود، مانند: اعضا، استثنا، اجزا و ابتدا.

توجه:

همزه‌ی پایانی در دو صورت حذف نمی‌شود:

۱. بعد از نشانه‌ی «حرف» صامت، مانند شیء و جزء.

۲. در واژه‌هایی که حذف همزه سبب یکسانی دو واژه‌ی متفاوت شود و معانی آن‌ها را به هم بیامیزد، مانند «سوء و جزء» که در صورت حذف همزه، با کلمات «سو» به معنی «سمت و جهت» و «جز» به معنی «غیر» همانند می‌شوند.

- منابع
۱. کتاب راهنمای تدریس کتاب‌های فارسی دوره‌ی ابتدایی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی.
 ۲. بهار، محمدتقی. سبک‌شناسی. توس تهران. ۱۳۸۵.
 ۳. مشکور، محمدجواد. دستورنامه در صرف و نحو زبان پارسی. شرق. چاپ سیزدهم. تهران. ۱۳۶۸.
 ۴. باقری، مه‌ری. مقدمات زبان‌شناسی. دانشگاه تبریز. تبریز. ۱۳۷۴.
 ۵. فرهنگ فارسی دکتر محمدعین، انتشارات امیرکبیر، تهران. ۱۳۵۶.
 ۶. زندی، بهمن. خودآموز روش تدریس زبان فارسی «رشته‌ی آموزش ابتدایی» انتشارات مدرسه، تهران. ۱۳۹۰.

یادآوری: رسم الخط متن این مقاله در دفتر مجله ویرایش شده است و ممکن است بعضی دستورهای خطی و طرز نگارش بعضی کلمات مقاله با شیوه‌نامه‌ی ویرایش این دفتر یکسان نباشد.

الفبای پویایی و همدلی

ملاحظات آموزش مطالعات اجتماعی

دکتر ناهید فلاحیان

اهداف اصلی آموزش مطالعات اجتماعی
در نخستین گام، آموزگاران باید اهداف اصلی برنامه‌ی درسی را دریابند.
برنامه‌ی درسی مطالعات اجتماعی با توجه به رویکرد کلی برنامه‌ی درسی ملی، مبتنی بر فطرت‌گرایی توحیدی و شکوفایی فطرت، سعی می‌کند زمینه‌های تربیت فردی و اجتماعی کودکان و نوجوانان را فراهم آورد و افرادی مؤمن، مسئول و توانمند تربیت کند. هدف اصلی آموزش مطالعات اجتماعی، تربیت اجتماعی و آماده کردن دانش‌آموزان برای زندگی در جامعه است. پرورش مهارت‌های زندگی و کسب صلاحیت‌های شهروندی، درونی کردن نگرش‌ها و ارزش‌های اخلاقی و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، هویت‌بخشی به‌منظور ایجاد تعلق به وطن و حفظ کشور و شناخت استعداد‌های آن و حفظ و انتقال میراث فرهنگی، و ترغیب به مسئولیت‌پذیری در سطوح گوناگون، از خانواده تا کشور و تا سطح جهانی، مهم‌ترین اهداف درس مطالعات اجتماعی هستند.

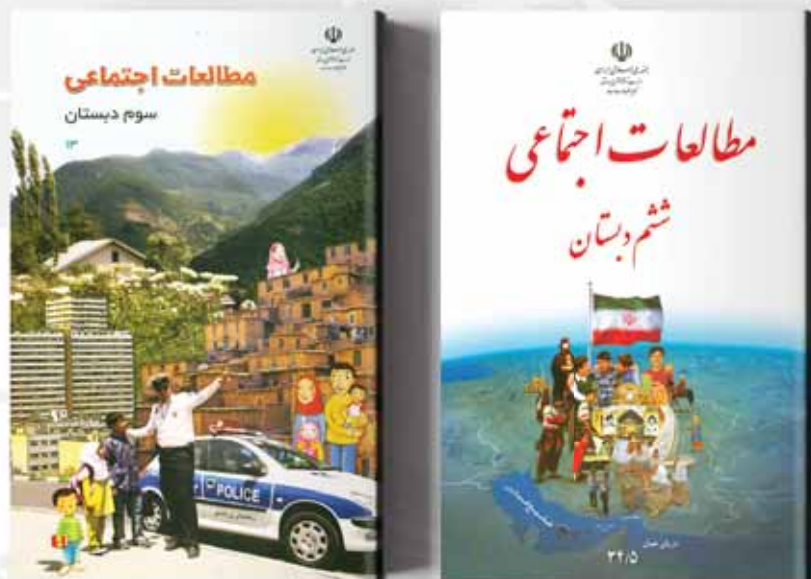
تعریف و ماهیت درس مطالعات اجتماعی

مطالعات اجتماعی یک حوزه‌ی یادگیری است که دربار‌ی تعامل انسان با محیط‌های اجتماعی، فرهنگی، طبیعی و تحولات زندگی بشر در گذشته و حال و آینده و جنبه‌های گوناگون آن (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و محیطی) بحث می‌کند. با توجه به این تعریف، مطالعات اجتماعی از رشته‌ها و شاخه‌های علمی و مطالعات گوناگون بهره می‌گیرد. با این حال، از آنجا که با توجه به تعریف، «جامعه، مکان و زمان» سه رکن اساسی مطالعات اجتماعی هستند، در اغلب کشورها سه درس «علوم اجتماعی و مدنی، جغرافیا و تاریخ» نیز ارکان عمده‌ی این برنامه‌ی درسی محسوب می‌شوند.

مؤلفه‌های سازمان‌دهی محتوا حوزه‌های موضوعی

در برنامه‌ی درسی مطالعات اجتماعی، با توجه به اهداف و نیازهای برنامه، به‌منظور بهره‌گیری از رشته‌های گوناگون علمی در تلفیق و سازمان‌دهی محتوا، پنج حوزه‌ی موضوعی انتخاب شده است.
۱. نظام اجتماعی (علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی،

در یک دهه‌ی اخیر برنامه‌ی درسی مطالعات اجتماعی در دوره‌ی ابتدایی دستخوش تحول شده است. این در حالی است که کتاب‌های تعلیمات اجتماعی در کشور ما با سه بخش مجزای «جغرافیا، تاریخ و مدنی»، به جز پاره‌ای تغییرات کوچک و مقطعی، هیچ‌گونه تحول اساسی و ساختاری به خود ندیده بودند. کار تدوین راهنمای برنامه‌ی جدید درسی مطالعات اجتماعی، به دنبال سال‌ها پژوهش، از دهه‌ی ۸۰ آغاز شد و با بهره‌گیری از مؤلفه‌های سند تحول بنیادین و برنامه‌ی درسی ملی در دهه‌ی ۹۰ تکامل یافت. این کتاب‌ها از نظر اصول، رویکردها و سازمان‌دهی محتوا، با کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره‌ی قبل تفاوت‌های چشمگیری دارند. در واقع آموزگاران محور اصلی اجرای هر برنامه‌ی درسی جدید هستند و هر چه میزان آگاهی و تسلط آن‌ها به اهداف و رویکردهای برنامه‌ی جدید بیشتر باشد، میزان تحقق اهداف آن برنامه بیشتر خواهد بود.





علوم سیاسی، حقوق و...؛ ۲. فرهنگ و هویت (مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، تاریخ، دین و اخلاق و...؛ ۳. مکان و فضا (جغرافیا)؛ ۴. زمان، تداوم و تغییر (تاریخ)؛ ۵. منابع و فعالیت‌های اقتصادی (اقتصاد، مطالعات زیست‌محیطی، جغرافیا و...).

هریک از حوزه‌های موضوعی ناظر به سه مفهوم کلیدی هستند. محتوای مربوط به مفاهیم کلیدی در هر پایه بسط و گسترش می‌یابند. برای مثال، در سازمان‌دهی محتوای فصل «پوشاک ما» در پایه‌ی ششم ابتدایی، از چهار حوزه‌ی موضوعی و مفاهیم کلیدی آن‌ها، متناسب با سطح ابتدایی، بهره‌گیری شده است: ۱. منابع و فعالیت‌های اقتصادی (خط تولید و مشاغل و عرضه‌ی پوشاک)؛ ۲. فضا و مکان (نوع پوشاک با توجه به شرایط محیطی و جغرافیایی)؛ ۳. فرهنگ و هویت (رابطه‌ی پوشاک با فرهنگ و آموزه‌های اخلاقی)؛ ۴. زمان، تداوم و تغییر (روند تغییر پوشاک در دوره‌های تاریخی و آنچه ثابت مانده).

حوزه‌های موضوعی از طریق دو فرایند پرورش مهارت‌های کاوشگری و درونی‌سازی ارزش‌ها آموزش داده می‌شوند.

پرورش مهارت‌های کاوشگری: به‌طورکلی، فرایند پرورش مهارت‌های کاوشگری در کتاب‌های مطالعات اجتماعی، علاوه بر درخواست تحقیق‌های مستقل و متناسب با موضوع درس‌ها از دانش‌آموزان، از طریق فعالیت‌های متنوع کتاب نیز تحقق می‌یابد. این فرایند در قالب پنج حوزه صورت می‌گیرد:

کاوش و بررسی (مثال: از یک مغازه درباره‌ی گونه‌های برنج ایرانی و قیمت آن‌ها پرس‌وجو کنید)؛ **مشارکت** (مثال: با همکاری یکدیگر نمایشگاهی از دست‌سازه‌های سفالی که به تقلید از اشیای تاریخی درست کرده‌اید، برپا کنید)؛ **برقراری ارتباط** (مثال: تصویرهای خط تولید پوشاک را به‌طور مناسب شماره‌گذاری و مرتب کنید)؛ **خلاقیت** (مثال: یک پوستر برای صرفه‌جویی در آب طراحی و در قسمت آبخوری مدرسه نصب کنید)؛ و **واکنش شخصی و اظهارنظر** (مثال: نظر شما درباره‌ی انجام زیاد بازی‌های رایانه‌ای چیست؟)

هر یک از پنج دسته مهارت‌های ذکر شده، خرده‌مهارت‌هایی را شامل می‌شوند. در برنامه‌ی درسی مطالعات اجتماعی همچنین تقویت

است: کتاب درسی، کاربرگ‌های فعالیت، راهنمای معلم، سایت پشتیبان، نمونه سؤالات آزمون پایانی پایه‌ی ششم، فیلم‌های آموزشی دانش‌آموزی مرتبط با برخی موضوعات درسی پایه‌های چهارم، پنجم و ششم، و نرم‌افزار تعاملی نقشه‌خوانی برای پایه‌ی چهارم ابتدایی. محتوای این بسته روی سایت شبکه‌ی رشد^۱ قرار گرفته است.

نکات و ملاحظات که در آموزش برنامه‌ی جدید درسی باید موردتوجه قرار گیرد:

توجه و دقت کافی به اهداف و رویکرد برنامه: اگر به رویکرد حافظه‌محور و آزمون‌محور مشغولیم و بازگویی طوطی‌وار اطلاعات توسط دانش‌آموزان برای ما در اولویت قرار دارد و ما را خرسند می‌کند، از اهداف برنامه‌ی جدید دور هستیم.

مثلث یادگیری مطلوب: بهتر است فرایند یاددهی - یادگیری را با توجه به اضلاع این مثلث به پیش ببریم:

۱. طراحی آموزشی فعال؛ ۲. رسانه‌های پرشمار؛ ۳. برون‌دادهای یادگیری.

۱. در طراحی آموزشی فعال، آموزگار سناریوی تدریس را از ابتدا تا انتها می‌چیند و شیوه‌های تدریس و سازمان‌دهی تجربه‌های یادگیری را به فراخور موضوع انتخاب می‌کند. بدیهی است به جای روش انتقال یک‌سویه‌ی محتوا و سخنرانی، باید با فعال‌کردن دانش‌آموزان، آن‌ها را به‌سوی

مهارت‌های زندگی (مثال: به دیدار یکی از سالمندان خانواده بروید و از وی قدردانی کنید یا به کمک والدین، یک فهرست خرید برای مایحتاج خانه تهیه کنید)، **تقویت مهارت‌های خواندن و نوشتن** (برای مثال: نامه‌ای به دوستی فرضی بنویسید و ویژگی‌های جغرافیایی و گردشگری شهر محل زندگی خودتان را برای او توضیح دهید و او را به دیدن شهرتان دعوت کنید)، و **تقویت مهارت‌های حسابی و عددی** از طریق طراحی فعالیت‌های گوناگون مدنظر قرار می‌گیرد.

رویکرد کاوشگری به یادگیری مادام‌العمر می‌انجامد.

درونی‌سازی ارزش‌ها و اخلاق

در آموزش مطالعات اجتماعی، از طریق ایجاد فرصت‌های یادگیری و طراحی فعالیت‌های متناسب با موضوع، پرورش ارزش‌هایی چون مسئولیت‌پذیری و عدالت‌خواهی، میهن‌دوستی و تعاون، در ضمن رابطه با خالق هستی، مدنظر قرار می‌گیرد. پرورش اخلاقی و درونی‌سازی ارزش‌ها زمان‌بر است و ارزشیابی آن نیز دشوارتر از ارزیابی آموخته‌های موضوعی و مهارتی است.

بسته‌ی آموزشی مطالعات اجتماعی

بسته‌ی آموزشی مطالعات اجتماعی دوره‌ی ابتدایی در حال حاضر شامل این موارد

جلب همکاری خانواده‌ها

برای این منظور برگزاری جلسات توجیهی با والدین (حداقل سه جلسه در طول سال تحصیلی) ضرورت دارد. در این جلسات باید والدین نسبت به اهداف تربیتی درس‌ها، مانند رعایت نظم و مقررات، همکاری در خانه، چگونگی رفتار در محله، حفظ محیط زیست و پاکیزگی و نظایر آن توجیه شوند. باید به این نکته دقت کرد که منظور از مشارکت والدین، تولید مشقت برای خانواده‌ها و انداختن بار تکالیف و تحقیق بچه‌ها بر دوش آن‌ها نیست.

برقراری رابطی مؤثر با دانش‌آموزان و بین دانش‌آموزان

معلم مطالعات اجتماعی باید الگوی اخلاق نیکو و نظم و مسئولیت‌پذیری باشد و در روابط خود با دانش‌آموزان چنان مؤثر عمل کند که آثار آن در شخصیت و نگرش دانش‌آموزان متجلی شود. به‌وجود آوردن فضایی صمیمی در کلاس و احترام و اعتماد متقابل و بستر مناسب برای ارائه‌ی نظرات دانش‌آموزان و گوش کردن به آن‌ها و تقویت دوستی و مشارکت گروهی بین بچه‌ها و تقویت کار گروهی و پرهیز از رقابت‌های ناسالم و نشان دادن راهکارهای درست در اصلاح روابط بین کودکان، از صلاحیت‌هایی است که معلم مطالعات اجتماعی با توجه به ماهیت و رویکرد این درس باید دارا باشد.

در واقع، معلم این درس تمرین زندگی اجتماعی را در محیط مدرسه پایه‌ریزی می‌کند. با توجه به اینکه یکی از رسالت‌های درس مطالعات اجتماعی پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی است، آموزگار در این درس، به‌ویژه در مناطقی که در معرض آسیب‌های اجتماعی چون فقر، اعتیاد، خانواده‌های از هم گسیخته و خشونت قرار دارند، ممکن است نقش مشاور و مددکار را نیز برعهده بگیرد و با همکاری سایر مسئولان مدرسه، به دانش‌آموزانی که در معرض آسیب قرار دارند، کمک کند.

پی‌نوشت‌ها

<http://socialstudies-dept.talif.sch.ir> .1

<https://www.roshd.ir> .2



فضای واقعی کلاس و چه در فضای مجازی آموزش، ملموس کرد. در زمینه‌ی بهره‌گیری از رسانه‌ها، نباید تنها به انتظار تولیدات مراکز آموزشی وزارت آموزش و پرورش نشست. البته از گذشته، آموزگاران برای فهماندن بهتر موضوعات درسی، ابزارها و مواد گوناگونی تهیه می‌کردند و به کلاس می‌بردند. اما امروزه کار معلم آسان‌تر شده است. نقشه‌های جغرافیایی و تاریخی از مهم‌ترین ابزارهای آموزش این درس هستند.

۳. منظور از برون‌دادهای یادگیری، داشتن طرحی برای ارزیابی درست دانش‌آموزان و همچنین به‌وجود آوردن فرصت برای ارائه‌ی آموخته‌های آن‌هاست. نباید تصور کنیم که ارائه‌ی آموخته‌ها فقط از طریق آزمون‌های مداد کاغذی و با سؤالات کلیشه‌ای انجام می‌گیرد. در کلاس فعال، به دانش‌آموزان فرصت داده می‌شود به‌طور انفرادی و گروهی نتایج کاوشگری و تحقیق و فعالیت‌های محول‌شده را به‌صورت سمینار، نمایشگاه، گزارش شفاهی و نظایر آن ارائه کنند. فرصت ارائه، به تقویت علاقه‌مندی، خودباوری و اعتمادبه‌نفس و رشد فکری آن‌ها می‌انجامد.

در ارزشیابی پیشرفت تحصیلی نیز باید انواع فعالیت‌های دانش‌آموزان مدنظر قرار گیرد و نباید ذهن آن‌ها را به گنجینه‌ای از اطلاعات بدل کرد. به همین سبب، استفاده از کتاب‌های تست و تمرین متداول و روبه‌رو کردن مداوم دانش‌آموزان با سؤالات جورکردنی و جای خالی و تستی با اهداف و رویکردهای برنامه‌ی جدید مغایرت دارد.

تولید مفهوم سوق دهیم. آموزگار در این مرحله به پیش‌دانسته‌ها و ایجاد انگیزه برای یادگیری توجه می‌کند.

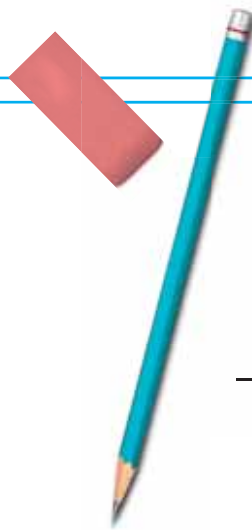
در این سناریو، فعالیت‌هایی که برعهده‌ی آموزگاران و فعالیت‌هایی که انتظار می‌رود دانش‌آموزان در هر مرحله انجام دهند، نوشته می‌شود. در متن هر درس فعالیت‌های نظام‌دار و متوالی طراحی شده‌اند. آموزگار باید فضایی نشاط‌آور برای انجام فعالیت‌ها پدید بیاورد. «کاربرگه» و فعالیت‌های «به کار بندیم» در توسعه و تعمیق آموخته‌ها و پیوند با مهارت‌های زندگی نقش مهمی دارند و باید به‌طور جدی به انجام آن‌ها توجه کنیم. استفاده از روش‌های هنری و جذاب مانند قصه‌گویی، ایفای نقش و نمایش عروسکی، به‌ویژه در آموزش تاریخ در دوره‌ی ابتدایی، مؤثر است.

معلم با استفاده از محیط‌های متنوع یا فضاهای دیگر مدرسه، مانند نمازخانه، حیاط مدرسه یا بازدید علمی از موزه، فرهنگسرا، آتش‌نشانی، دفتر پست و نظایر آن، می‌تواند سرزندگی کلاس را بیشتر و کلاس درس را به محیط‌های واقعی زندگی نزدیک‌تر کند.

۲. منظور از رسانه‌های پرشمار، استفاده از انواع مواد و ابزارها برای فهم بهتر موضوع درس است. خوشبختانه امروزه با پیشرفت وسایل ارتباطی و تولید و دسترسی آسان‌تر به «زیرساخت‌ها» و رسانه‌هایی چون عکس و فیلم (در شرایطی مانند شیوع ویروس کرونا) به‌خوبی می‌توان موضوعات را برای دانش‌آموزان، چه در

مشق را دوست ندارم

رقيه پورعلی / آموزگار خوی



کلیدگناهان

امام حسن عسکری (ع): تمام پلیدی‌ها در خانه‌ای قرار داده شده و کلید آن دروغ‌گویی است.

(بحارالانوار، ج ۷۸: ۳۷۷).

یکی از کارکردهای تعلیم و تربیتی که در کلاس درس می‌توان آن را به‌عنوان تحقیق معرفی کرد، شرح سبک زندگی این امام معصوم است. بیان سخنان و احادیث راهگشا از امامان معصوم (ع) و راهنمایی دانش‌آموزان در یافتن داستان‌های درس‌آموز از زندگانی این بزرگان، در پیشرفت آموزشی و پژوهشی کلاس مفید خواهد بود. کتاب «داستان راستان» شهید مرتضی مطهری، سرمشق و نمونه‌ی خوبی برای ادبیات داستانی - مذهبی کودک و نوجوان به‌شمار می‌رود.

روز بسیج مستضعفان

ارتش، سپاه، بسیج و سایر قوای مسلح نظامی، انتظامی و مردمی ما پیرو اولیایی هستند که همه چیز خود را در راه هدف و عقیده فدا کرده‌اند و برای اسلام و پیروان معظم آن شرف و افتخار آفرینند.

(هندهای انقلاب. برگرفته از بیانات امام خمینی (ره). انتشارات انقلاب اسلامی. تهران. ۱۳۹۷).

فعالیت: آموزگار موفق کلاس می‌تواند در زمان‌هایی که درس تمام شده است، درباره‌ی مناسبت‌های آن ماه سخن بگوید و از دانش‌آموزانش سؤال و جواب کند. درک مفهوم بسیج و کارکردهای آن در زمان دفاع مقدس، یا حوادثی مانند سیل کمک‌های مؤمنانه در زمان شیوع کووید ۱۹ و اینکه این تشکل به‌فرمان امام خمینی (ره) شکل گرفته است، می‌تواند از موضوعات جالب توجه کلاس باشد.



وقتی به چشمان معصوم و صورت مهربان کودکان نگاه می‌کنم، همه را پاک و زیبا، و بی‌آلایش و فارغ از هرگونه غرور، ریا و تظاهر می‌بینم و هرچه غم و ناراحتی در درون دارم، همه را از یاد می‌برم، می‌دانید چرا؟ چون با تمامی وجود عاشق این فرشتگان پاک هستم و به بودن در کنار آن‌ها خوشگرفته‌ام.

از سال‌ها پیش عادت داشتم، وقتی درس تازه‌ای را تدریس می‌کردم، از دانش‌آموزانم بخواهم یک بار از روی درس به‌عنوان تکلیف خانه، رونویسی و سه چهار خطی هم به‌عنوان دیکته‌ی شب تمرین کنند. تمام دانش‌آموزان هم بدون استثنا ملزم به انجام آن بودند.

بنا بر عادت معمول، هر روز دفترها را کنترل می‌کردم و تذکرات لازم را به دانش‌آموزان می‌دادم.

یک روز، موقع بررسی دفترها، متوجه نوشته‌ای عجیب و باورنکردنی، در بالای صفحه‌ی تکلیف هانیه، یکی از دانش‌آموزان مستعد و نمونه‌ی کلاس شدم. او در بالای صفحه‌ی دفترش نوشته بود: «من خانم معلم را دوست ندارم».

پس از خواندن این جمله، بدون اینکه به روی خود بیاورم، دفترهای همه‌ی بچه‌ها را دیدم. در زنگ تفریح از هانیه خواستم پیش من بیاید و در ضمن دفتر تکلیفش را هم بیاورد. او که انگار یادش رفته بود چه جمله‌ای در دفترش نوشته است، بی‌خبر از همه‌جا، در کنارم نشست.

از هانیه سؤال کردم: «عزیزم، می‌توانی به من بگویی چرا دوستم نداری؟»

او که انتظار این سؤال را نداشت، به یکباره رنگ از رویش پرید و با صدایی گرفته گفت: «خانم، به خدا من شما را خیلی دوست دارم».

ادامه دادم: «ببین هانیه جان، نگران نشو! من فقط می‌خواهم بدانم چرا بالای صفحه‌ی دفتر مشق خود این جمله را نوشته‌ای؟»

هانیه با زبان کودکانه و آمیخته به ترس جواب داد: «آخر، من اصلاً مشق نوشتن را دوست ندارم. من همه‌ی درس‌ها را در کلاس یاد می‌گیرم و نوشتن تکالیف تکراری خسته‌ام می‌کند!» از او خواستم متن نوشته شده در دفترش را پاک نکند.

پس از این جریان، با خواندن چندباره‌ی آن جمله، از یک نکته‌ی مهم آموزشی آگاه شدم و آن اینکه: تعیین تکلیف به‌صورت قدیمی و کلیشه‌ای را از برنامه‌ی کاری خودم حذف کنم. من بی‌بردم، تکالیف خانه‌ی دانش‌آموزان باید کوتاه، آگاهانه، پرمحتوا و متنوع باشد و تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان در آن لحاظ شود. همچنین، تکلیف نباید خارج از جسمی و روحی و روانی آنان باشد. از همه مهم‌تر، باید انجام آن برای دانش‌آموزان جنبه‌ی داوطلبانه داشته باشد.

اکنون که این خاطره‌ی به‌یادماندنی و آموزنده را مرور می‌کنم، به این نکته می‌اندیشم که: آموزگار خوب و موفق کسی است که همیشه به دنبال آموختن و یادگیری باشد؛ حتی از دانش‌آموزانش!

دانش‌آموز عزیزم هانیه هم اکنون یکی از افتخارآفرینان شهر در زمینه‌های علمی و فرهنگی است.

مزرعه‌ی وسط کلاس

تدریس مطالعات اجتماعی در پایه‌ی ششم

مهدیه تبریزی

دبستان جوادالائمه(ع)/ گیلاند - دماوند

تجربه مکمل و لازمی‌ی تعلیم و تربیت است. تجربه محل و منشأ الگوسازی و الگودهی است و همواره در زندگی و راه و رسم آن اثربخش است.

امام علی(ع) می‌فرمایند: «دوراندیش کسی است که تجربه‌ها او را کارگشته و سختی‌های روزگار او را پاک کرده است.»^۱ در قرن بیست و یکم، شخص تربیت‌یافته و تجربه‌آموخته کسی است که توان انتقال آموخته‌ها و تجربه‌های خود را به افراد دیگر و نیز قدرت اندیشیدن و پیدا کردن راه‌های جدید را داشته باشد. در ادامه یکی از تجربه‌های موفق آموزگاران در تدریس کتاب‌های مطالعات اجتماعی را به‌منظور آشنایی سایر همکاران با این روش‌ها ملاحظه می‌فرمایید. امید است سایر همکاران با ارسال تجربه‌های ارزشمند خود که حاصل سال‌ها زحمات آن‌هاست، ما را در این زمینه کمک کنند.

عوامل مؤثر بر کشاورزی

غذا از نیازهای اولیه‌ی بشر است و ادامه‌ی زندگی انسان بدون آن امکان‌پذیر نیست. یکی از عمده‌ترین منابع تأمین غذا، کشاورزی است. انسان برای تأمین نیازهای خود و ادامه‌ی زندگی به کالاها و خدمات گوناگونی نیاز دارد. این کالاها و خدمات با استفاده از منابع و امکانات موجود در محیط فراهم می‌شوند. البته منابع در دسترس انسان محدودند و در طول زمان، اهمیت هر کدام بر حسب شرایط فرهنگی و فناورانه تغییر می‌کند. برخورد عقلایی و مبتنی بر تفکر و خلاقیت با انواع منابع (اعم از سرمایه، نیروی انسانی و منابع طبیعی) به استفاده‌ی بهینه و حداکثری منابع منجر خواهد شد. لازم به ذکر است، این راهبرد بیشتر مباحث خود را از اقتصاد و مطالعات محیط زیستی و جغرافیا می‌گیرد.

در کتاب مطالعات اجتماعی پایه‌ی ششم ابتدایی، در درس پنجم، مبحثی با عنوان «عوامل مؤثر بر کشاورزی» آمده است. در این درس، عوامل مؤثر به دو دسته عوامل طبیعی (خاک، آب و هوا، و آب) و انسانی (نیروی کار، ابزار و وسایل، سرمایه و مواد) تقسیم شده‌اند. در بخش دیگر، مشکل کم‌آبی و وسیع بودن نواحی خشک ایران مطرح شده و بهره‌گیری از قنات‌ها برای جبران کم‌آبی و همچنین خودکفایی محصولات داخلی و شناخت غذاهای محلی پیشنهاد شده است.

● در راهنمای برنامه‌های درسی مطالعات اجتماعی چنین عنوان شده است که انتظار می‌رود دانش‌آموزان:

۱. بدانند غذای ما از طریق کشاورزی تأمین می‌شود.
۲. با محصولات غذایی متنوع با توجه به نوع آب و هوا آشنا شوند.
۳. بتوانند چند نمونه از محصولات کشاورزی منطقه‌ی خود را بشناسند.
۴. فرایند تولید، توزیع و مصرف محصولات کشاورزی و عوامل مؤثر



● تصاویر مربوط به قبل از دوران شیوع بیماری کرونا است.

محصول تغییر دادیم. اعضای گروه خاک را در ظرف ریختند. از آن‌ها پرسیدم آیا این خاک برای کاشت محصول مناسب است؟ آیا می‌توانیم محصول خوبی داشته باشیم؟ یکی از اعضای گروه (مش‌غلام) گفت: این خاک سنگ‌های زیادی دارد. آقا موسی گفت: درست است! این سنگ‌ها برای کاشت محصول مناسب نیستند. مردم مزرعه (اعضای گروه) سنگ‌ها را از داخل خاک برداشتند و خاک نرم و قابل کشت شد. بعد دانه‌های گندم را در خاک ریختند. اصغر آقا گفت: حالا باید به بذرها آب بدهیم. در حالی که اهالی مزرعه در حال گفت‌وگو بودند، آقای مهندس کشاورزی آمد و گفت: شما می‌توانید آب مورد نیاز گندم‌ها را از «قنات» روستا تأمین کنید، اما نکته‌ی مهم اینجاست که گندم به‌صورت دیم کاشت می‌شود؛ یعنی نیازی به آبیاری ندارد و نیاز گیاه با آب باران تأمین می‌شود. آقا کمال هم گفت چقدر جالب و خوب!

● توضیحات تکمیلی آموزگار درباره‌ی قنات: قنات یکی از ابداعات ایرانیان است؛ یعنی توسط مقنی (کسی که چاه را حفر می‌کند) ایرانی اختراع شده است. کانالی است که در زیرزمین حفر می‌شود تا آب در آن برای رسیدن به سطح زمین جریان یابد. (در گذشته برای مصرف کشاورزی و خانگی از آن استفاده می‌کردند، اما امروزه چاه‌های عمیق جایگزین آن شده است. آقای مهندس حرف مرا کامل کرد: بله. به همین دلیل مهم است که باید بدانیم در هر آب و هوا چه محصولی بکاریم و هر گیاه چه مقدار آب برای رشد نیاز دارد (مراحل کاشت). گروه دوم سیب‌زمینی، خرما و برنج همراه آورده بودند. آقای مهندس به محصولات کشاورزی اشاره کرد و گفت: سیب‌زمینی در نواحی سردسیر رشد می‌کند، خرما گرمسیری است و برنج در نواحی شمال کشور که معتدل



برداشت محصول با کیفیت، همکاری و تعامل بین اعضای گروه است. چگونگی برگزاری جشنواره‌ی غذا را هم با هم‌فکری دانش‌آموزان هماهنگ کردیم. جلسه‌ی بعد ابتدا درباره‌ی اهمیت گیاهان و جانوران در تأمین غذای انسان مطالبی بیان کردم. خواستم ببینید، میوه‌ها و سبزی‌هایی که استفاده می‌کنیم، چگونه به دست ما می‌رسند؟ بعد گفتم زندگی انسان‌ها را بدون گیاهان تصور کنند و بگویند آیا در این شرایط می‌توان غذای خود را تأمین کرد؟ بعد از طرح سؤال و ایجاد انگیزه‌ی لازم، از گروه‌ها خواستم وسایلی را که در جلسه‌ی قبل تعیین کرده‌بودم، روی میز بگذارند. وسایل عبارت بودند از:
 ۱. گروه اول: گندم، خاک، آب و ظرف؛
 ۲. گروه دوم: سیب‌زمینی، خرما و برنج؛
 ۳. گروه سوم: اسباب‌بازی، تراکتور، بیس و فرغون؛
 ۴. گروه چهارم: ظرف آبیاش و پول.
 از گروه اول خواستم با وسایل خود به جلوی کلاس بیایند. دانش‌آموزان با وسایل خود آمدند و در حالی که نام‌های خود را تغییر داده بودند، کلاس را به مزرعه‌ای کوچک برای کاشت

بر آن را بشناسند.
 ۵. با حمایت از محصولات ایرانی، خودکفایی را تقویت کنند.
 ۶. بدانند غذای اصلی (بومی) هر منطقه از نوع محصول کشاورزی آن منطقه تبعیت می‌کند.

روش تدریس آموزگار

اولین گام برای تدریس این درس، مراجعه به راهنمای معلم و اجرای عملی آن در کلاس درس بود. بنابراین، جلسه‌ی اول به این ترتیب برگزار شد: در ابتدای جلسه، قبل از ورود به بحث کشاورزی، به دانش‌آموزان گفتم قرار است دوستانشان برای درک بهتر درس «عوامل مؤثر بر کشاورزی» نمایشی اجرا کنند. بعد از توضیح درباره‌ی نمایش از آن‌ها خواستم هرکدام آمادگی اجرای هر نقشی را دارند، اعلام کنند. به این ترتیب، افراد و مسئولیت‌ها به انتخاب دانش‌آموزان مشخص شدند. برای مثال، به مهندس کشاورزی، به‌عنوان فرد آگاه، توضیحات جامع‌تری داده شد تا پاسخگوی سؤالات دانش‌آموزان باشد. سپس آن‌ها را گروه‌بندی و وسایل موردنیاز هر گروه نمایشی را مشخص کردم. در همین جلسه به دانش‌آموزان تأکید کردم لازمه‌ی

و مرطوب هستند.

رو به دانش‌آموزان کردم و با اشاره به برگه‌ای که گروه در دست داشت، عوامل طبیعی مؤثر در کشاورزی را بیان کردم و گفتم: این عوامل که در کاشت گیاه بسیار مؤثرند، از جمله عواملی هستند که در طبیعت موجودند؛ مثل خاک، آب، آب و هوا. به همین علت به آن‌ها عوامل طبیعی گفته می‌شود.

همچنین درباره‌ی نیروهای انسانی اضافه کردم: شغل اکبر آقا کشاورزی است. او چند سالی است به‌عنوان کشاورز نمونه انتخاب می‌شود؛ این یعنی در این کار مهارت زیادی دارد. اسماعیل و اصغر هم دو برادر هستند که آبیاری مزارع روستا را بر عهده دارند و علف‌های هرز باغ‌ها را نیز می‌چینند. در روستا آقای رحمانی مهندس کشاورزی است و کشاورزان را برای کاشت محصول بهتر راهنمایی می‌کند. پس ما برای داشتن میوه‌های خوشمزه و سبزی به افرادی نیاز داریم که نیروی کار نامیده می‌شوند. این افراد باید در کاری که انجام می‌دهند، مهارت داشته باشند.

گروه سوم وسایل خود را جلوی دانش‌آموزان قرار دادند و هر یک مشغول کاری شدند. با بیل و تراکتور خاک‌ها را زیرورو کردند. با فرغون

هم سنگ‌ها را جمع کردند و در ظرفی دیگر ریختند.

● **من توضیح دادم:** پس ما از ابتدای کاشت محصول تا برداشت آن به وسیله نیاز داریم. اگر این وسایل نباشند، کشاورزی سخت و حتی غیرممکن خواهد شد. البته با گذشت زمان کشاورزی مدرن شده است و از وسایل صنعتی بیشتری استفاده می‌شود.

در گروه چهارم، آقا رمضان مشغول سم‌پاشی می‌شود تا از آفت‌خوردن گیاهان جلوگیری کند و اگر هم دچار آفت شده‌اند، آن‌ها را از بین ببرد.

من توضیح دادم: مثل آفت سن که در کاربرد شماره‌ی ۵ به آن اشاره شده است. سن گندم به احتمال زیاد از قرن‌های پیش در ایران وجود داشته است، ولی بیشترین شدت خسارت آن به محصول گندم در سال ۱۳۰۶ بوده است، آفت سن مهم‌ترین آفت غلات (گندم و جو) است.

توضیح دادم: همان‌طور که مشاهده کردید، گروه اول برای کاشت محصول بذر همراه داشتند و گروه چهارم سم‌پاش. نتیجه می‌گیریم برای داشتن محصول خوب و سالم به مواد (بذر، کود و سم) نیاز داریم. ما برای تمام این کارهایی که بیان کردیم، شامل کاشت، داشت و برداشت، به پول و سرمایه نیاز داریم. عوامل انسانی هم در کشاورزی مؤثرند. اگر یکی از عوامل ذکر شده نباشد قطعاً محصول خوبی نخواهیم داشت.

در اینجا از دانش‌آموزان پرسیدم:

چرا به این عوامل انسانی گفته می‌شود؟ پس از شنیدن پاسخ‌ها و جمع‌بندی گفته‌های آنان، به این نتیجه رسیدیم که این عوامل در طبیعت وجود

ندارند و انسان‌ها باید آن‌ها را انجام دهند.

درباره‌ی اهمیت آب و هوا گفتم، اگر آب و هوا خوب و متناسب با شرایط گیاه و درختان باشد، محصول خوبی برداشت می‌کنیم. در ایران، به دلیل تنوع آب و هوایی، میوه‌ها و سبزی‌ها خوشمزه‌ترند و کیفیت بهتری دارند. پس میوه‌های ایرانی بخیریم و از کشاورزان خوب کشور خود حمایت کنیم.

در انتها دانش‌آموزان کاربرد شماره‌ی ۵ را که دسته‌بندی عوامل انسانی و طبیعی بود، کامل کردند و من توضیحات تکمیلی را ارائه کردم.

انجام کاربرد شماره‌ی ۶ هم که درباره‌ی جشنواره‌ی غذا بود، به روز برگزاری جشنواره‌ی غذا موكول شد. از آنجا که در مدرسه اقوام گوناگونی از استان‌های کشور (لرستان، گیلان، خراسان رضوی، خوزستان) ساکن هستند، تنوع غذایی جالبی در جشنواره‌ی غذا به چشم می‌خورد. به طوری که ۲۰ نوع غذا در این جشنواره شرکت کردند؛ به‌طور مثال، «شامی کوو» (نوعی کوکو که با سس رب انار تهیه می‌شود) لرستان، «میرزاقاسمی» گیلان و «فلافل» خوزستان.

در روز جشنواره‌ی غذا، دانش‌آموزان لباس محلی منطقه‌ی خود را پوشیدند و غذای محلی خود را به کلاس آوردند. روی غذاها طرز تهیه‌ی آن‌ها و نام آن‌ها نوشته شده بود. در هر گروه دانش‌آموزان درباره‌ی تاریخچه‌ی غذای منطقه‌ی خود توضیح کوتاهی به دوستان گروه دادند. بعد از توضیحات، غذاهای خود را به‌صورت گروهی میل و کاربردها را حل کردند.

هدف این بود که دانش‌آموزان با غذاهای محلی مناطق گوناگون آشنا شوند، چراکه غذاهای محلی هر منطقه ترکیبی از محصولات کشاورزی و شرایط جغرافیایی آن منطقه است که در شکل‌گیری محصولات و رژیم غذایی مردم و سلامت آن‌ها تأثیرگذار است.



با ضرب برگردان

معرفی بازی کارت ضرب

پولک یعقوبی
کارشناس بازی‌های آموزشی

اگر نمی‌دانید چه کار کنید، بازی کنید. اگر می‌خواهید بزرگ شوید، بازی کنید. اگر می‌خواهید سهمی از موفقیت داشته باشید، بازی کنید.

بازی‌های آموزشی

هدف از بازی‌های آموزشی، آشنا کردن افراد با یادگیری خلاقانه، ایجاد انگیزه و شوق یادگیری، بهره‌مندی از روش‌های غیر مستقیم در یادگیری، برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های متنوع در کلاس درس و در خانواده است.

به خاطر سپاری آسان

معمولاً به خاطر سپاری ضرب برای دانش‌آموزان دشوار و زمان‌بر است و بازی می‌تواند زمینه‌ی مناسبی برای تکرارهای دوست‌داشتنی جدول ضرب و هیجان یادگیری آن را فراهم آورد. بازی «کارت ضرب» به این نیاز مریبان، آموزگاران و کارشناسان آموزشی پاسخ می‌دهد.

ویژگی‌ها

- تمرین و به یاد سپاری ضرب در قالب بازی گروهی است.
 - از دو حواس پنجگانه (دیداری، شنیداری) برای به یاد سپاری مؤثرتر استفاده شده است.
- کارت ضرب در قالب کارت‌هایی با رنگ‌های مختلف به تفکیک هر گروه از اعداد طراحی شده است. به این ترتیب که برای مثال ضرب در پایه‌ی پنج به رنگ صورتی و ضرب در پایه‌ی شش به رنگ بنفش مشخص شده است.

روش بازی

به طور مختصر روش بازی به این ترتیب است که کارت‌ها از طرفی که عدد روی آن درج شده، چیده می‌شود. نقطه‌ی شروع بازی از کارت‌تی است که علامت فلش دارد. با برگرداندن کارت یک عبارت ضرب نمایان می‌شود، جواب حاصل ضرب توسط نفر اول در کارت‌های چیده شده انتخاب می‌شود و نفر دوم با برگرداندن همان کارت، با ضرب جدید رو به رو می‌شود که باید پاسخ آن را در کارت‌های چیده شده پیدا کند.



مراقب شوک انگیزشی باشید!

اشتباهات گمراه‌کننده در تربیت

اوضاع تغییر یافته و با برگشتن شرایط به وضعیت سابق، روحیه‌ی او لطمه خورده است. بازیگران کودک و نوجوان فیلم‌ها و سریال‌ها را دیده‌ام که با پخش کارشان در تلویزیون یا سینما، معروف شده‌اند و همه جا مورد توجه قرار گرفته‌اند، اما بعد که ناگهان همه چیز خلوت شده است، شرایط بدی را تجربه کرده‌اند. ماجرای بعضی از این کودکان و نوجوانان بسیار معروف است. در مورد کسانی هم که در مسابقه‌ای علمی، هنری و ورزشی به موفقیتی رسیده‌اند، این نکته مصداق دارد.

به‌طور معمول، افراط در هر کاری مضر است. افراط انگیزشی هم مضر و مخرب است؛ به‌ویژه اگر در مورد کودک یا نوجوان باشد. کسانی که چنین و به‌صورت انگیزشی هجوم می‌آورند، نه با ویژگی‌های سنی کودک و نوجوان آشنا هستند و نه به تبعات کارشان می‌اندیشند. توجه خارج از اندازه و ظرفیت به یک کودک یا نوجوان، به خاطر موفقیت یا استعدادی خاص، شاید اول کار جذاب و شیرین به نظر بیاید، اما اگر کنترل و هدایت نشود، نتیجه‌ی عکس خواهد داد و چه بسا همه یا حداقل بخشی از زندگی فرد را تباہ کند.

نتیجه

اول: هجوم انگیزشی ممکن است به شوک انگیزشی بینجامد؛ یعنی کودک یا نوجوان به تصویری غیرعادی و خیالی از خودش می‌رسد و احساس می‌کند موجودی خاص و استثنایی است. اگر این وضعیت تداوم یابد، می‌تواند مقدمه‌ی غرور، خودبزرگ‌بینی و در نهایت خودشیفتگی باشد. مادر و پدری که فرزندشان چند داستان کوتاه نوشته بود، با توجه بیش از اندازه و نامتعارف به فرزندشان و بزرگ کردن کار او، داستان‌ها را به‌صورت کتاب چاپ و بین فامیل و آشنایان توزیع کردند. به هر کسی هم کتاب می‌دادند، توصیه می‌کردند دستخط و امضای نویسنده را برای صفحه‌ی اول کتاب بگیرد تا بعدها به این یادگاری افتخار کند! تصور می‌کنید این بچه بعد از مدتی به چه تصویری از خودش می‌رسد؟ دوم: در اکثر موارد، شوق و شغف والدین و اطرافیان از مورد توجه قرار گرفتن فرزندشان، بیشتر از خود کودک یا نوجوان موفق است. بچه‌ها حتی اگر اول کار از این وضعیت خوششان بیاید، بعد از مدت کوتاهی حوصله‌شان سر می‌رود و دلزده می‌شوند. دیده شدن شاید برای خیلی‌ها جذاب

زیاد نبود. تقریباً به مدت یک ماه، دانش‌آموز هر روز جایی دعوت بود و باید در مراسمی شرکت می‌کرد که به‌خاطر او برگزار می‌شد. روزنامه‌های محلی هم بخشی از این ماجرا بودند. در اوایل ماجرا، عکس و خبر موفقیت او روی جلد یکی دو مجله چاپ شد. چندین بار با او گفت‌وگو صورت گرفت و عکس تکی او یا همراه با خانواده‌اش، در نشریات شهر و استان منعکس شد.

خود دانش‌آموز از موفقیتش خوشحال بود، ولی تصور نمی‌کرد دیگران تا این حد موضوع را جدی بگیرند و ناگهان در عرض چند روز، تا این اندازه در شهر و استان معروف شود. اگرچه از این همه توجه خوشش می‌آمد و به‌ویژه از اینکه می‌دید مادر و پدرش چقدر کیف می‌کنند، کلی به خودش می‌بالید، ولی به‌تدریج احساس کرد دیگر مثل گذشته آرامش ندارد. بعد از سه چهار مراسمی که در آن‌ها شرکت کرد، احساس بدی به او دست داد. فهمید که این نوع برنامه‌ها بیش از آنکه برای او باشد، به نام اوست و بسیار هم جنبه‌ی نمایشی و تشریفاتی دارد. بعد از پایان ماه اول، آرام‌آرام مراجعه‌ها و توجه کمتر شد و حدود دو ماه بعد، انگار نه انگار خبری بوده است. بعد از این همه هجوم و هیاهو، ناگهان دوروبرش خلوت شد. او رها شده بود و به‌شدت احساس می‌کرد فقط زمانی مهم محسوب می‌شد که سوژه‌ای برای خبر و بهره‌برداری تبلیغی بود.

هجوم انگیزشی

در چند مورد دیگر هم دیده‌ام که کودک یا نوجوانی، بنا به دلیلی، مورد توجه قرار گرفته و حداقل در مدتی کوتاه، از نظر انگیزشی تقویت شده است. اما

ابراهیم اصلانی
روانشناس تربیتی



یکی از کارکردهای مهم انگیزش، تقویت رفتارهای اجتماعی است. انگیزش به افراد قدرت می‌دهد خود را نشان دهند و بین دیگران ابراز وجود کنند. در مدرسه هم انگیزش می‌تواند ابزاری مؤثر برای مورد توجه قرار دادن دانش‌آموزانی با مسائل گوناگون باشد. به کمک روش‌های انگیزشی مناسب می‌توان کم‌رویی، انزوا و ضعف‌های ارتباطی دیگر را اصلاح کرد. از طرف دیگر، دانش‌آموزانی که رفتارهای اجتماعی مقبولی دارند نیز با مورد توجه قرار گرفتن و تقویت‌های انگیزشی، برای فعالیت و موفقیت‌های بیشتر انگیزه‌ی مضاعفی پیدا می‌کنند. اما مورد توجه قرار گرفتن همیشه خوب نیست و گاهی به جای تأثیر انگیزشی مفید، ممکن است شوک‌دهنده و مخرب باشد.

یک داستان واقعی

دانش‌آموز دختری از شهری کوچک، در جشنواره‌ی مهمی رتبه‌ی اول را کسب کرده بود. این موفقیت هم برای مدرسه و هم برای اداره‌ی آموزش و پرورش و حتی نهادهای دیگر شهر مانند شهرداری و مراکز علمی، بسیار مهم به حساب می‌آمد و هر کس سعی می‌کرد از موفقیت آن سهمی داشته باشد. آن دانش‌آموز در مدرسه تقدیر شد و جایزه‌ای به‌نسبت گران‌قیمت دریافت کرد. اداره هم تقدیرنامه‌ای با امضای رئیس منطقه، همراه با جایزه‌ای نقدی، به او هدیه کرد؛ اگرچه مبلغ آن

باشد، اما برای کودکان و اگر به افراط بکشد، حتی برای نوجوانان، به معضل تبدیل می‌شود، چرا که احتمالاً آزادی عمل شخصی و روابط اجتماعی او را مخدوش می‌کند.

سوم: کودک یا نوجوانی که مورد توجه بیش از حد قرار می‌گیرد، در مدرسه و سایر موقعیت‌های اجتماعی دچار مشکل خواهد شد. این وضعیت می‌تواند ارتباط‌های او با دوستانش را محدود کند یا به سوء تفاهم‌هایی بین آنان منجر شود. در بیشتر موارد بچه‌ها آمادگی و ظرفیت پذیرش این همه توجه را ندارند. آنان بعد از آنکه یک دوره‌ی شلوغ را تجربه می‌کنند، ناگهان تنها رها می‌شوند و از نظر عاطفی لطمه می‌خورند. نباید اجازه داد کودک یا نوجوان مورد هجوم انگیزشی قرار گیرد. گاهی خود خانواده و اطرافیان چنین نقشی دارند و با توجه بیش از حد و غیرعادی نسبت به یک موفقیت و پیروزی، شرایط را غیرعادی و ملتهب می‌کنند.

پیشنهاد

در نهایت، وقتی کودک یا نوجوانی به دلیلی مورد توجه غیرعادی و به تعبیری هجوم انگیزشی قرار می‌گیرد، مدرسه و خانواده باید وضعیت انگیزشی او را مدیریت کنند. منظور از مدیریت این است که مراقب باشید:

- تعداد تماس‌ها و ارتباط‌ها محدود باشد؛ به شکلی که بچه از مسیر عادی زندگی دور نشود.
- به دعوت‌های محدودی پاسخ مثبت بدهید. برای انتخاب این نوع دعوت‌ها، می‌توان ملاک را مخاطبان قرار داد. برای مثال، دعوتی که برای مدرسه و دانش‌آموزان دیگر است، بر دعوت اداره یا نهادی رسمی ارجحیت دارد.
- در ارتباط‌های رسانه‌ای و دعوت نشریات برای گفت‌وگو، اولاً همه را نپذیرید و ثانیاً بخواهید هدف خود را بیان و حتی سؤال‌های مورد نظر را از پیش برای شما بفرستند تا موارد نادرست را حذف کنید.





گردشگری مسئولانه و حفظ محیط زیست در سفر

دوره‌ی ابتدایی در مدرسه‌ها با آموزش این مهم به دانش‌آموزان خود می‌تواند قدم اولیه را در آموزش سفر مسئولانه بردارد. مسلم است که آموزش نظری به تنهایی نمی‌تواند بر ذهن دانش‌آموز اثر بگذارد، بلکه آموزش‌هایی که در محیط اتفاق می‌افتند و کودکان را در فرایند آموزش درگیر می‌کنند، می‌تواند این ضمانت را به ما بدهند که نسل آینده، نسلی با دغدغه‌های متفاوت نسبت به محیط زیست خواهد بود؛ به‌گونه‌ای که وقتی دانش‌آموز ابتدایی در قالب اردوی آموزشی سفری کوتاه را تجربه کند، می‌تواند احترام و حفظ محیط زیست را در عمل یاد بگیرد و حاصل این یادگیری را در سفرهایی که به همراه خانواده می‌رود نیز نشان دهد. در این صورت است که کودک با مشارکت مستقیم خود، هر آنچه را آموزش دیده است در عمل اجرا می‌کند تا این رفتار مسئولانه در ذهن وی نهادینه شود. از همین‌رو، کودکان از طریق آموزش‌هایی

اطراف خود، سعی کنند به محیطی که در آن قرار می‌گیرند احترام بگذارند. در همین راستا یکی از رفتارهای مسئولانه‌ای که از گردشگر انتظار می‌رود، مراقبت و احترام به محیط زیست در مقصد است. یکی از ابتدایی‌ترین آموزش‌های سفر برای کودکان، مربوط به محیط زیست است. امروزه حفاظت از محیط زیست یکی از دغدغه‌های اصلی دولت‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و مردم است که آموزش افراد در سنین پایین، به‌ویژه کودکان، یکی از راهکارهای اصلی در این زمینه است، چرا که آموزش کودک در سنین خیلی پایین می‌تواند تأثیرات بیشتر و پایدارتری در ذهن آن‌ها داشته‌باشد و در بزرگسالی نیز اثرات خود را به خوبی نشان دهد.

دکتر سید محمد موسوی
پژوهشگر حوزه‌ی گردشگری
ترانه حاجی احمدی فرمهبینی
کارشناس ارشد مدیریت جهانگردی

زیربنای اصلی گردشگری توسعه‌ی پایدار است که در آن برای محیط زیست اهمیت زیادی قائل شده است. توسعه‌ی پایدار به این معناست که از منابع طبیعی و فرهنگی موجود به‌گونه‌ای استفاده شود که برای نسل‌های آتی نیز همچنان باقی بمانند. امروزه گردشگری مسئولانه یکی از انواع سفرهای رایج و مورد توجه در تمام کشورهای دنیاست. اینکه مردم وقتی به مقصدی سفر می‌کنند، علاوه بر کسب لذت‌های مادی و معنوی از محیط



که می‌بینند، نه تنها اطلاعات بیشتری نسبت به محیط زیست و اهمیت آن به دست می‌آورند، بلکه در سفر نیز چگونگی اثرگذاری رفتار و فعالیت‌های بشر بر جوامع و محیط زیست را از نزدیک مشاهده می‌کنند. در اینجا نقش کلیدی معلمان هم بیشتر خود را نشان می‌دهد. معلم به‌عنوان شخصی که در سنن کودکی یکی از تأثیرگذارترین اشخاص بر دانش‌آموز به شمار می‌آید، در آموزش‌های گردشگری نقش رهبر و راهنما را نیز بازی می‌کند. آموزش رفتارهای مسئولانه نسبت به طبیعت و جامعه، آگاه کردن کودکان نسبت به بایدها و نبایدهای محیط زیستی در سفر و تشویق به مشارکت آن‌ها در این موضوع مهم، از جمله وظایف معلم در این نوع آموزش است.

در این نوع آموزش آموزگاران می‌توانند در قالب اردوهای دانش‌آموزی، به مشارکت کودکان در فعالیت‌هایی چون کشاورزی و باغبانی در مناطق روستایی کمک کنند. در همین زمینه، دفترهای خدمات مسافرتی

اهمیت منابع طبیعی و محیط زیستی، به‌ویژه برای مردم محلی، نگرش بهتر و دقیق‌تری پیدا کنند؛ نگرشی که در سنن بزرگسالی می‌تواند رفتارهای آن‌ها را شکل دهد و از آن مهم‌تر زمینه را برای انتقال به نسل‌های بعد نیز فراهم آورد.

تورهایی را برای کودکان و مدرسه‌ها طراحی کرده‌اند که در آن‌ها، علاوه بر برگزاری کارگاه‌های آموزشی، افراد محلی کودکان را با زندگی و فعالیت‌های اقتصادی و بومی خود آشنا می‌کنند. همراهی افراد محلی به کودکان کمک می‌کند نسبت به

نقشه‌ی ذهنی

از شاخ و برگ درختان در طبیعت

تا نقشه‌ی ذهنی در کلاس

■ یاسین حیات ابدی

■ ساره ابراهیمی نژاد

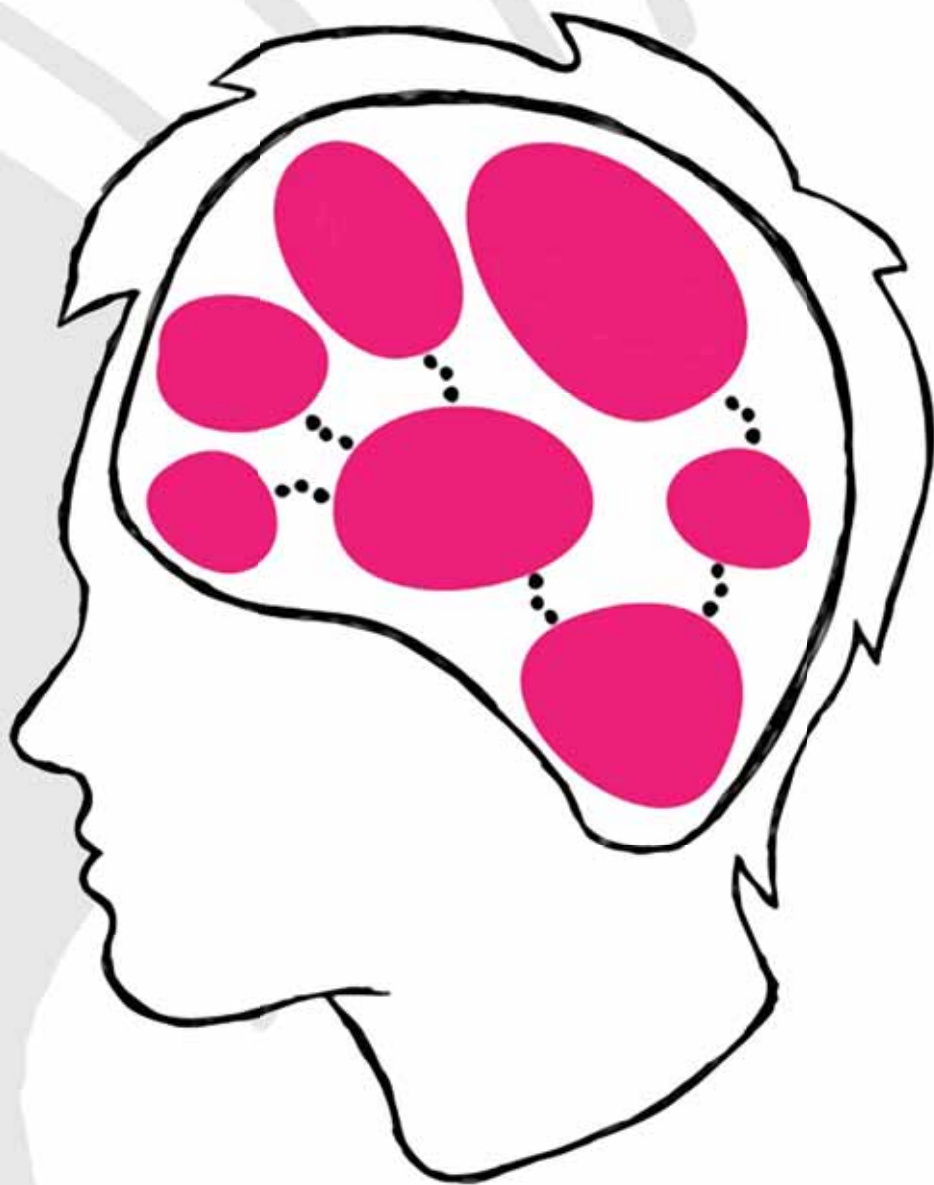
شاخ و برگ درختان می‌تواند برای ما یادآور برگ‌های کوچک و بزرگ یا پرندگان زیبای نشسته بر آن‌ها باشد. شاخه‌های بزرگ محل نشستن پرندگان یا برگ‌های بزرگ‌ترند و شاخه‌های کوچک میزبان پرندگان کوچک‌اند. این موضوعات می‌تواند برای معلمان عزیز، به‌منظور استفاده از روش نقشه‌ی ذهنی در کلاس درس، الهام‌بخش باشد.

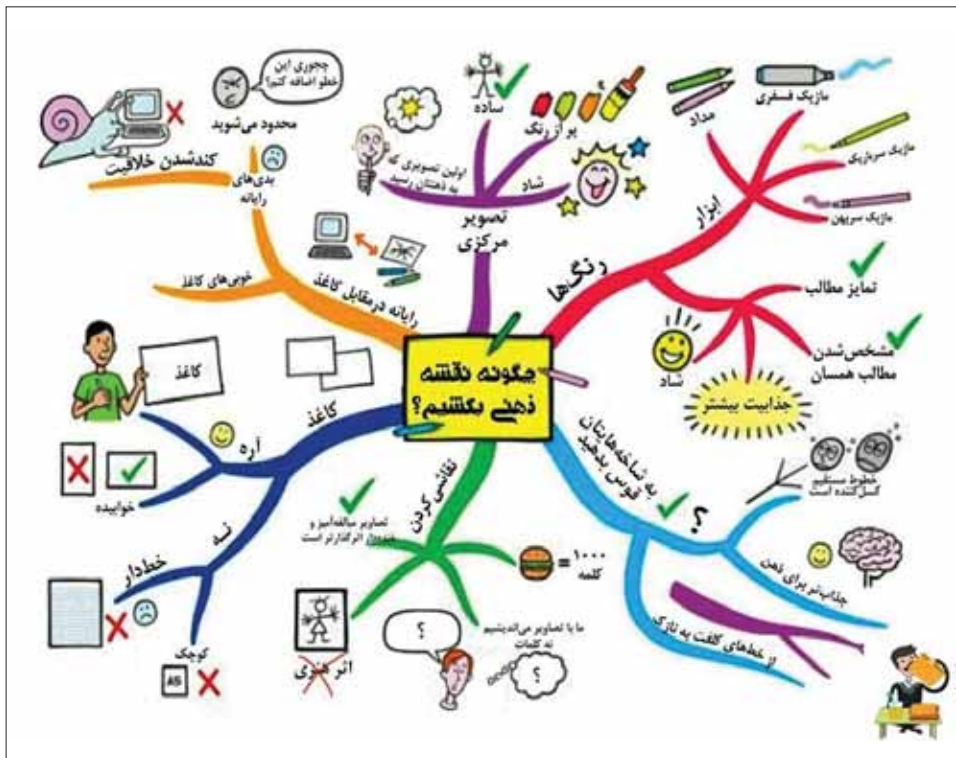
کلیدواژه‌ها: نقشه‌ی ذهنی، طرح درس آماده‌سازی طرح درس

یکی از شیوه‌های مناسب برای تدریس، آماده‌سازی طرح درس قبل از آغاز سال تحصیلی است. طرح درس به آموزگار کمک می‌کند بداند در هر جلسه چه مبحثی را می‌خواهد آموزش دهد که با برنامه‌ریزی مناسب ساعت کلاسی خود را در طول سال اداره کند. آموزگاران قبل از آغاز هر جلسه‌ی کلاس، برای دانش‌آموزان خلاصه‌ای از مطالبی را که در آن جلسه تدریس می‌شود شرح می‌دهند تا با برانگیختن حس کنجکاوی آن‌ها شرایط را برای تدریس پویاتر فراهم کنند.

نوشتن خلاصه‌ای از مطالب آموزشی چیز جدیدی نیست. حدود هفده قرن قبل هم فیلسوفی مثل پورفیری، برای تفهیم بهتر، از دسته‌بندی‌های افلاطونی که به نقشه‌ی ذهنی شباهت زیادی داشت، استفاده می‌کرد. پس از ایشان، در عصر جدید، این تونی بوزان بود که استفاده از نقشه‌ی ذهنی را ترویج داد و در کار خود از طبیعت و از بدن موجودات زنده الهام گرفت. او اعتقاد داشت، همان‌طور که سلول‌های عصبی و شاخه‌های درختان به‌صورت شبکه‌ای شدن شاخه‌شاخه و کوچک می‌شوند، مطالب آموزشی را هم می‌توان برحسب اهمیت شاخه‌شاخه کرد. با ریز شدن مطالب درسی، شاخه‌های ریزتری هم ایجاد می‌شوند.

نقشه‌ی ذهنی روشی کاملاً علمی و کاربردی است که از طریق آن میزان یادگیری و اثرپذیری مغز انسان چندین برابر خواهد





شد. نقشه‌ی ذهنی یکی از پرکاربردترین روش‌های یادگیری حال حاضر جهان است. از آنجا که در مرور کتاب‌های درسی و خلاصه‌برداری‌های خود، به فعل و فاعل جملات دقت نمی‌کنیم و تنها به واژه‌های کلیدی متن دقت می‌کنیم، به راحتی می‌توانیم از این روش در نوشتن متن سخنرانی‌ها، خلاصه‌برداری کتاب‌ها و جزوه‌ها، ارائه‌ی محتوا در کنفرانس‌های دانش‌آموزی یا دانشجویی، و ایجاد بارش مغزی (توفان ذهنی) برای ایده‌پردازی استفاده کرد.

در نقشه‌های ذهنی، شما از رنگ‌های متنوع و شاخه‌های اصلی و فرعی، برحسب اهمیت موضوع، استفاده می‌کنید. شاید سؤال کنید تغییر رنگ شاخه‌ها به چه دلیل است؟ آیا تنها برای زیبا کردن ظاهر نقشه‌ی ذهنی است؟ باید پاسخ دهیم که درست است. زیبایی نقشه به علاقه‌مندی مخاطب برای بررسی آن کمک می‌کند، اما دلیل اصلی استفاده از رنگ‌ها این نیست. اغلب دانش‌آموزان از نیم‌کره‌ی سمت چپ خود برای آموزش مباحث تجزیه و تحلیلی، ریاضی و حفظیات کمک می‌گیرند و کمتر از نیم‌کره‌ی سمت راست خود استفاده می‌کنند. این در حالی است که نیم‌کره‌ی سمت راست در حوزه‌های هنری، موسیقی و رنگ‌شناسی مشغول فعالیت است. لذا شما با تغییر دادن رنگ‌ها در عمل کمک می‌کنید نیم‌کره‌ی سمت راست مغز شما نیز فعال‌تر شود. همین موضوع باعث می‌شود مغز با کارایی بالاتری مطالب را درک کند. باید بدانید، در صورت ترکیب فعالیت این دو نیم‌کره، عملکرد ذهن تا ۵ برابر افزایش خواهد یافت.

نرم‌افزار و برنامه‌ی ذهنی

امروزه نرم‌افزارهای زیادی هستند که هم روی گوشی و هم روی موبایل نصب می‌شوند و به ما کمک می‌کنند بتوانیم نقشه‌های ذهنی مربوط به فعالیت‌های خود را به راحتی رسم کنیم. چون این نرم‌افزارها قالب‌های آماده‌ای برای نقشه‌های ذهنی دارند، شما آسان‌تر می‌توانید آن‌ها را بکشید و در نقشه‌ی خود جابه‌جایی ایجاد کنید؛ هرچند این شرایط از خلاقیت فردی می‌کاهد و شما را محدود می‌کنند.

پژوهش‌ها ثابت کرده‌اند که در صورت ترکیب این دو نیم‌کره، عملکرد مغز تا ۵ برابر افزایش پیدا خواهد کرد.

می‌شود. دلیل اصلی آن می‌تواند توجه بیشتر مخاطب به مرکز صفحه باشد.

۲. پیشنهاد می‌شود از کاغذهای بدون خط برای رسم شکل‌ها استفاده شود تا با کیفیت بهتری بتوان نقشه‌های مربوطه را رسم کرد.

۳. رنگ‌ها نقش بسیار ویژه‌ای دارند. لذا می‌توانید از ماژیک‌های فسفری، مدادهای رنگی یا سایر وسایل نقاشی استفاده کنید. رنگ‌ها به ما کمک می‌کنند مطالبی که مطالب همسان دارند، در یک شاخه قرار بگیرند و مشخص شوند.

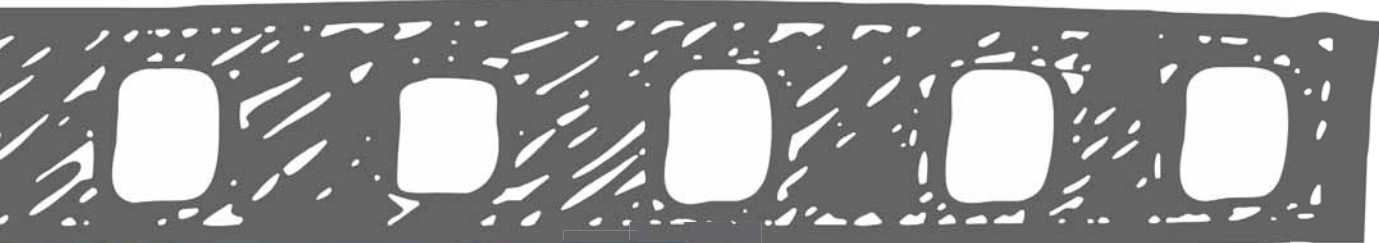
۴. قوس و انحنا دادن به شاخه می‌تواند در جذابیت شکل‌های رسم شده به ما کمک شایانی کند.

۵. استفاده از تصویر به جای متن می‌تواند راهکار بسیار مناسبی باشد، چون تصویرها بهتر و بیشتر در ذهن ما باقی می‌مانند و اگر از تصویرهای خلاق و بامزه استفاده شود، قطعاً جذابیت نقشه بالاتر خواهد رفت.

۶. نقشه‌ی ذهنی را می‌توان با کمک مداد روی کاغذ یا با کمک نرم‌افزارها رسم کرد که هر یک ویژگی‌های مخصوص به خود را دارند.

در گذشته برای رسم نقشه‌های ذهنی از مداد و خودکار کمک می‌گرفتند. این کار زمان‌بر بود و نقشه‌ی ایجادشده، بسته به خلاقیت شخص، از جذابیت‌های متفاوتی برخوردار می‌شد. شما می‌توانید با دقت کردن به موارد زیر، نقشه‌های ذهنی مفهومی‌تر و جذاب‌تری رسم کنید:

۱. در نقشه‌های ذهنی مرسوم است که شاخه‌شاخه شدن از مرکز صفحه آغاز



رفاقت هاست که می ماند

تکمیل فرایند یادگیری به وسیله فیلم



روح الله مال میر
کارشناس ارشد هنرهای نمایشی

«نمای نزدیک» در تلاش است با معرفی و بهره برداری از نمونه فیلم های جشنواره ای بین المللی فیلم رشد، بر سطح توانایی و مهارت های معلمی بیفزاید و یاریگر آموزگاران عزیز در تدریس و تکمیل فرایند یادگیری به وسیله فیلم باشد. در هر شماره، ضمن معرفی یکی از فیلم های علمی، آموزشی و تربیتی پذیرفته شده در جشنواره ای فیلم رشد، به نحوه نمایش آن و به کارگیری اش در کلاس درس می پردازیم تا از آن به عنوان رسانه ای اثربخش و تکمیلی در بسته های راهنمای تدریس و آموزش مهارت های معلمی استفاده شود.

شما خوانندگان محترم برای تهیه فیلم های معرفی شده در این بخش می توانید به یکی از روش های زیر اقدام کنید:

(الف) دانلود فیلم از طریق کد کیوآر (QR CODE)؛

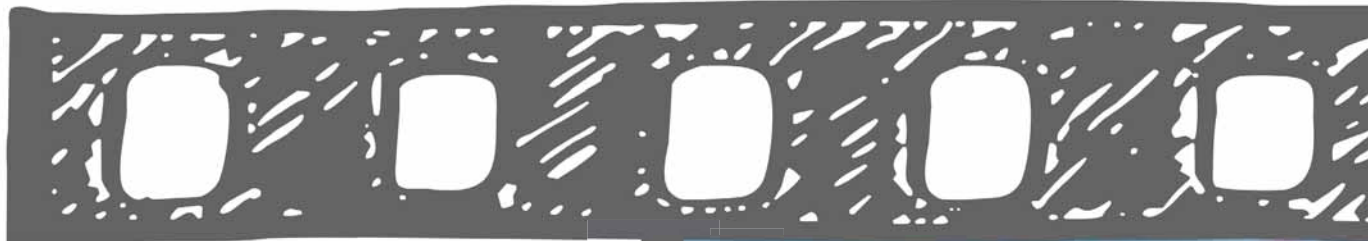
(ب) تماس با تلفن ۰۲۱-۸۳۰۱۴۷۹ (دبیرخانه ای فیلم رشد)؛

(ج) ارسال درخواست کتبی از طریق نشانی الکترونیکی goroohonari@gmail.com (با ذکر نام، شماره ای تلفن،

کد پستی و نشانی دقیق)؛

(د) مراجعه ای حضوری به این نشانی: تهران، خیابان کریمخان، خیابان ایرانشهر شمالی، سازمان پژوهش و برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش، طبقه ای دوم، دبیرخانه ای فیلم رشد.





معرفی فیلم

- عنوان فیلم: رفاقت‌هاست که می‌ماند ● کارگردان: امیر داسارگر
- قالب: داستانی (بخش بین‌الملل) ● مدت زمان: ۳ دقیقه و ۲۳ ثانیه

خلاصه‌ی فیلم

دو نفر از دانش‌آموزان کلاس برای مبصرشدن داوطلب شده‌اند. اولین دانش‌آموز خودش را تابع نظر دانش‌آموزان می‌داند و برای رأی دادن منتظر تصمیم‌گیری آن‌هاست. دانش‌آموز دوم «شریعت» نام دارد که قبل از روز رأی‌گیری، در تلاش است با خریدن خوراکی برای هم‌کلاس‌هایش، نظر آن‌ها را به نفع خود تغییر دهد. دانش‌آموز اول روش شریعت را نمی‌پسندد و مخالف کارهای تبلیغاتی اوست؛ تا اینکه روز رأی‌گیری فرامی‌رسد و خانم معلم صندوق رأی‌گیری را باز می‌کند ...

مخاطب فیلم

این فیلم برای پخش در کلاس دانش‌آموزان دوره‌ی دوم ابتدایی، به‌خصوص در پایه‌ی پنجم و برای درس چهارم کتاب مطالعات اجتماعی، با عنوان «من عضو گروه هستم»، توصیه می‌شود.

فرایند نمایش فیلم

۱. قبل از نمایش فیلم ۲. حین نمایش فیلم ۳. بعد از نمایش فیلم

۱. قبل از نمایش

- ۱-۱) این فیلم برای تکمیل فرایند تدریس درس چهارم کتاب مطالعات اجتماعی پایه‌ی پنجم ابتدایی با عنوان «من عضو گروه هستم» پیشنهاد و توصیه می‌شود، اما آموزگاران محترم دوره‌ی دوم ابتدایی، بنا بر تجربه‌های خود، به‌خصوص در آغاز سال تحصیلی که از بین دانش‌آموزان برای کلاس مبصر و نماینده انتخاب می‌کنند، می‌توانند نسبت به زمان نمایش آن در کلاس‌های خود تصمیم بگیرند.
- ۱-۲) توصیه می‌شود معلم محترم چند بار این فیلم را با دقت تماشا و آن را از زاویه‌های گوناگون بررسی کند. معلم باید بتواند در حد توان خود به سؤالاتی که دانش‌آموزان بعد از نمایش فیلم مطرح خواهند کرد پاسخ درست و صحیح بدهد.





زمانی که «انصافی» و «شریعت» به سمت تخته‌ی کلاس بر می‌گردند تا نتیجه‌ی رأی‌گیری را ببینند، فیلم را نگاه دارید و از بچه‌ها بخواهید حدس بزنند کدام یک از آن دو برای نماینده شدن رأی آورده‌است و چرا؟

- ۲-۴) از دانش‌آموزان بپرسید چرا خانم معلم در حین باز کردن صندوق رأی‌گیری و شمارش آراء، «انصافی» و «شریعت» را از کلاس بیرون فرستاده بود؟
- ۲-۵) بعد از شنیدن پاسخ‌ها، دانش‌آموزان را به تماشای ادامه‌ی فیلم دعوت کنید.

۳. بعد از نمایش

● ۳-۱) بعد از پخش کامل فیلم، به واکنش دانش‌آموزان خوب توجه کنید. اگر زمان کلاس شما اجازه می‌دهد، از دانش‌آموزان بپرسید چه کسانی دوست دارند فیلم را دوباره تماشا کنند؟ اگر اکثریت دانش‌آموزان به تماشای مجدد فیلم تمایل داشتند، پس بدانید برای استفاده از فیلم به عنوان وسیله‌ای کمک‌آموزشی، انتخاب درستی داشته‌اید. با توجه به اینکه مدت زمان فیلم کوتاه است، یک بار دیگر آن را برای دانش‌آموزان نمایش دهید. مطمئن باشید این بار با شور و علاقه‌ی بیشتری فیلم را تماشا خواهند کرد.

● ۳-۲) بیان خلاصه‌ی فیلم توسط دانش‌آموزان را فراموش نکنید. از یکی از دانش‌آموزان بخواهید خلاصه‌ی فیلم را به‌طور کامل تعریف کند. بازگویی خلاصه‌ی فیلم به دانش‌آموزان کمک می‌کند هر کدام به‌تنهایی محتوای فیلم را در ذهن خود مرور کنند.

● ۳-۳) حالا سؤالاتی را که از قبل آماده کرده‌اید، از دانش‌آموزان بپرسید؛ سؤالاتی همچون:

الف) دانش‌آموزان کلاس چند نفر بودند؟ (توجه داشته باشید، دانش‌آموزانی که به این سؤال شما به‌سرعت پاسخ دهند، از نظر هوشی از بقیه‌ی دانش‌آموزان در سطح بالاتری قرار دارند.)

ب) چند نفر از دانش‌آموزان کلاس برای نماینده‌شدن داوطلب شده بودند و فامیلی آن‌ها چه بود؟

ج) به نظر شما این فیلم چه پیام‌هایی داشت و مهم‌ترین پیام آن چه بود؟

د) فکر می‌کنید اگر «شریعت» در رأی‌گیری انتخاب می‌شد، با «انصافی» چگونه رفتار می‌کرد؟

و) آیا دانش‌آموزان انتخاب درستی انجام داده بودند یا خیر؟

● ۳-۴) اگر فیلم را در میانه‌ی تدریس خود نمایش داده‌اید، ادامه‌ی درس را تدریس کنید و برای انتقال مفاهیم درس از محتوای فیلم کمک بگیرید.

برای مثال، در این فیلم «شریعت» به «انصافی» می‌گوید: «ما دست گرفته‌ایم کلاس رو، خبر نداری!» ممکن است یکی از دانش‌آموزان بپرسد دست گرفتن یعنی چه؟ یا دانش‌آموز دیگری بپرسد: «چرا خانم معلم به انصافی و شریعت اعتماد نداشت و آن دو را از کلاس بیرون فرستاده بود؟» پس بهتر است اگر تصمیم می‌گیرید فیلمی را در کلاس نمایش دهید، اولین تماشای فعال آن خود شما باشید.

● ۳-۱) با توجه به محتوای درس «من عضو گروه هستم» و سؤالاتی که در درس آمده است، توجه دانش‌آموزان را به موضوع درس جلب کنید؛ سؤالاتی همچون: گروه یعنی چه؟ چگونه یک گروه به وجود می‌آید؟ آیا دانش‌آموزان یک کلاس را می‌توان یک گروه نامید؟ چرا برای هر گروه یک نماینده انتخاب می‌کنند؟ به نظر شما نماینده‌ی کلاس باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟

● ۴-۱) بعد از شنیدن نظرات و پاسخ‌های دانش‌آموزان، بر اساس طرح درس خود، اگر صلاح می‌دانید مقداری از محتوای درس را تدریس کنید. در غیر این صورت، می‌توانید فیلم را قبل از تدریس درس پخش کنید.

● ۵-۱) به دانش‌آموزان اعلام کنید امروز قرار است یک فیلم کوتاه با عنوان «رفاقت‌هاست که می‌ماند» تماشا کنند که با موضوع درس جدید مرتبط است. اگر تصمیم گرفته‌اید در میانه‌ی فیلم پخش آن را متوقف کنید و سؤالاتی در خصوص فیلم از دانش‌آموزان بپرسید، حتماً به آن‌ها اطلاع دهید تا آن‌ها از لحاظ روانی آمادگی توقف پخش فیلم را داشته باشند.

۲. حین نمایش

● ۲-۱) پخش فیلم را شروع کنید و همراه دانش‌آموزان به تماشای آن بنشینید. حتماً توجه داشته باشید که در حین نمایش فیلم نباید به کارهای دیگری از قبیل بیرون رفتن از کلاس، روشن کردن گوشی همراه و تصحیح اوراق امتحانی بپردازید.

● ۲-۲) در حین پخش فیلم، به‌صورت غیرمستقیم واکنش دانش‌آموزان را نسبت به تماشای فیلم زیر نظر داشته باشید. ببینید فیلم برای دانش‌آموزان جذابیتی دارد یا خیر؟

● ۳-۲) خود معلم می‌تواند از قبل تصمیم بگیرد در چه زمانی فیلم را متوقف کند و سؤالاتش را بپرسد. برای مثال درباره‌ی این فیلم پیشنهاد می‌شود درست در

فعالیت تکمیلی

● الف) چنانچه این فیلم را برای درس چهارم کتاب مطالعات اجتماعی پایه پنجم نمایش می‌دهید، با توجه به بخش پایانی درس تحت عنوان «به کار بندیم»، از دانش‌آموزان بخواهید فعالیت ۳ را انجام دهند تا مراحل داخل فیلم را تجربه کنند.

● ب) اگر در ماه‌های نخست سال تحصیلی این فیلم را برای دانش‌آموزان سایر پایه‌ها نمایش می‌دهید و هنوز نماینده‌ای برای کلاس انتخاب نکرده‌اید، می‌توانید اسامی داوطلبان را برای نماینده‌شدن بنویسید و یکی از روزها را برای رأی‌گیری مشخص کنید.

● ج) بعضی از آموزگاران محترم در هر ماه نماینده‌ای جدید برای کلاس انتخاب می‌کنند. اگر شما هم چنین روشی را می‌پسندید، پس از نمایش این فیلم، برای انتخاب نماینده‌ی جدید اقدام کنید.

عینک مینا

پروین داستانی / آموزگار، ارومیه

می‌زنند، ولی این حرف‌ها هم هیچ تأثیری در مینا نداشت. او باز هم عینکش را نزد.

روزی در یک عینک‌فروشی، پوستر دختری زیبای دانش‌آموزی که عینک بر چشمان خود داشت، نظرم را جلب کرد. پوستر را امانت گرفتم. چند کپی رنگی از آن تهیه کردم و آن‌ها را در تابلوی مخصوص بهداشت مدرسه و همچنین در کلاس مینا نصب کردم.

چند روز بعد مینا را در حیاط مدرسه دیدم، در حالی که عینک بر چشمان خود داشت. از خوش حالی او را بوسیدم. آن موقع بود که تأثیر وسایل سمعی و بصری، نظیر عکس و پوستر را در تفهیم اهداف و نکات آموزشی و بهداشتی، بیش از پیش درک کردم. بعد از مدتی، مادر مینا با دسته‌گلی زیبا، برای قدردانی به مدرسه آمد تا رضایت خود را از تشخیص من در مشکل ضعف چشم مینا و عینک‌نزدن او اعلام کند. من هم به خاطر کسب این موفقیت خداوند متعال را شکر کردم و احساس شادی و آرامش داشتم.

از اوایل خدمت‌م در سنگر مقدس آموزش و پرورش، افتخار خدمتگزاری در سمت مربی بهداشت مدرسه‌ها را داشته‌ام. از ابتدا به این شغل علاقه‌مند بودم و دانش‌آموزانم را همانند فرزندان خودم دوست داشتم.

روزی وارد یک کلاس اول ابتدایی شدم تا معاینات مقدماتی دانش‌آموزان را انجام دهم. در حین انجام آزمایش بینایی، متوجه ضعف‌بودن چشمان دانش‌آموزم مینا شدم. دعوت‌نامه‌ای برای اولیایش نوشتم تا آن‌ها را در جریان ضعف بینایی فرزندشان قرار دهم.

اولیای مینا او را پیش چشم‌پزشک بردند و پزشک هم برایش عینک تجویز کرد. ولی متأسفانه مینا از زدن عینک امتناع می‌کرد. بعد از گفت‌وگو با مادرش، متوجه شدم مینا می‌گوید: «اگر من عینک بزنم زشت خواهم شد و هم کلاسی‌هایم مسخره‌ام خواهند کرد!»

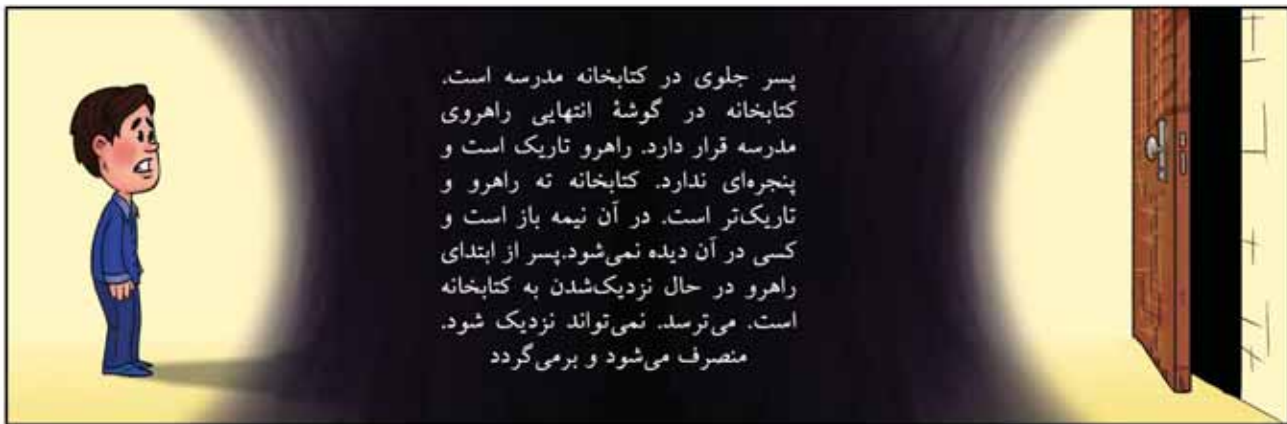
درصدد راه‌حل برآمدم. به کلاس رفتم و از فایده‌های عینک برای بچه‌ها صحبت کردم. خانم ناظم را مثال زدم که عینک داشت. حتی گفتم افراد باسواد و پزشکان همیشه به چشمان خود عینک





کتابخونهی تاریک و خلوت!

تفاوت فیزیکی خانه و مدرسه در چیست؟ چگونه است که کودک هفت هشت ساله ما در خانه مستقل است و خودش به کارهایش رسیدگی می‌کند، اما از مدرسه و فضای آن بیم دارد؟ کودکی که در تمام مدت بازی در خانه، می‌داند مادر یا بزرگ‌تری هوایش را دارد، آیا در مدرسه نیز این اطمینان خاطر را دارد؟ آیا فضای فیزیکی و معماری مدرسه‌ها با سن دانش‌آموزان تناسب دارد؟



بچه‌های کلاس اولی در کلاس درس نشسته‌اند. شش دسته پنج‌تایی هستند. هر دسته یک کتاب دارد، اما یکی از دسته‌ها کتاب داستان ندارد. بچه‌های آن دسته در حال بگومگو هستند. می‌ترسند و نگرانند معلم دعوی‌شان کند. پارسا دارد گریه می‌کند. معلم بالای سر گروه پارسا ایستاده است و دارد از آن‌ها سوال می‌کند؟



پارسا از کلاس بیرون رفته است. دستشویی‌ها در انتهای حیاط، دور و نامرتب به نظر می‌رسند. پارسا کمی می‌ترسد. از دور دانش‌آموزی بزرگ‌تر را در حال شستن دست‌هایش می‌بیند. به سرعت نزدیک او می‌شود، کنارش می‌ایستد و صورتش را می‌شوید. بعد هم به کلاس برمی‌گردد.



معلم دارد همه بچه‌ها را به کتابخانه می‌برد. بچه‌ها همگی در راهروی منتهی به کتابخانه هستند. پارسا دست در دست معلم دارد. پارسا احساس ترس نمی‌کند. راحت‌تر قدم برمی‌دارد. در کتابخانه کاملاً باز است. فضای داخلش هم روشن است. بچه‌ها به صورت گروهی دور تا دور میزها نشسته‌اند و دارند کتاب‌ها را ورق می‌زنند و تصویرهایشان را به هم نشان می‌دهند. هم معلم و هم کتابدار جلوی چشم بچه‌ها حضور دارند تا بچه‌ها احساس ترس و تنهایی نکنند.



فضای فیزیکی دبستان باید متناسب با روحیه‌ی کودک دبستانی طراحی شود. چنانچه اصول و مبانی معماری مدرسه رعایت شود، نه کتابخانه در گوشه‌ای تاریک قرار می‌گیرد و نه دستشویی‌ها نامتناسب با سن دانش‌آموزان ساخته می‌شوند! بد نیست تجدیدنظری بر معماری مدرسه‌ها داشته‌باشیم. آیا واقعاً اشکال دارد حداقل در کنار هر چند کلاس درس دبستانی، یک روشویی یا حتی دستشویی هم تعبیه‌شود؟



سال جهش تولید

رشد ماگ

نحوه اشتراک مجلات رشد:

الف) مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی www.roshdmag.ir و ثبت نام در سایت و سفارش و خرید از طریق درگاه الکترونیکی بانکی.
 ب) واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه همراه آرمایش کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست، و ارسال فیش بانکی به شماره برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به شماره ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۳-۳۹۶۶۲۰۰۰
 شماره شبدا: IR 180180000000000039662000

عنوان مجلات در خواستی:

- نام و نام خانوادگی:
- تاریخ تولد:
- میزان تحصیلات:
- تلفن:
- نشانی کامل پستی:
- استان:
- شهرستان:
- خیابان:
- پلاک:
- کد پستی:
- شماره فیش بانکی:
- مبلغ پرداختی:

اگر قبلاً مشترک مجله رشد بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

امضا:

- نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۳۳۳۱-۱۵۸۷۵
- تلفن امور مشترکین: ۸۸ ۴۹۰۱۱۶، ۸۸ ۴۹۰۱۱۶-۰۲۱
- Email: Eshterak@roshdmag.ir

- هزینه اشتراک سالانه مجلات عمومی رشد (هشت شماره): ۹۰۰/۰۰۰ ریال
- هزینه اشتراک یک ساله مجلات تخصصی رشد (سه شماره): ۴۵۰/۰۰۰ ریال

شرایط ارسال مطلب و مقاله

ماهنامه‌ی رشد آموزش ابتدایی آثاری را بررسی می‌کند که در یکی از دسته‌های زیر باشد:

مطالب عمومی

۱. خاطره: معلمان محترم می‌توانند خاطرات تلخ و شیرین خود را برای درج در ماهنامه بفرستند. خاطره باید به مدرسه، درس، دانش آموز و روابط معلم و شاگرد مربوط باشد.
۲. تجربه: معلمان محترم می‌توانند تجربه‌های خود را در زمینه‌های آموزشی و تربیتی برای مجله بفرستند. تجربه‌های خلاقانه که معلمان تازه‌کارتر را راهنمایی کنند، در اولویت چاپ قرار می‌گیرند.
۳. داستان: سوژه‌های داستان‌ها باید در حوزه‌ی معلمی و دارای مضمون‌های اخلاقی و پرورشی باشند. البته می‌تواند به زندگی خارج از مدرسه‌ی معلم نیز مربوط باشند.
۴. خبر و گزارش فعالیت: اخبار و گزارش فعالیت‌های آموزشی و پرورشی، به شرط اینکه تازه و بدیع باشند.

مطالب تخصصی

- مقاله: ماهنامه از مقاله‌های معلمان پژوهشگر استقبال می‌کند. اما شرایط پذیرش مقاله به شرح زیرند:
۱. به موضوعات جدید و مسائل نوین آموزش و پرورش دوره‌ی آموزش ابتدایی مربوط باشد.
 ۲. در صورت لزوم با عکس و جدول‌های لازم همراه باشد.
 ۳. در قالب مقالات دانشگاهی نباشد.
 ۴. حداقل ۵۰۰ کلمه و حداکثر ۱۸۰۰ کلمه باشند.
 ۵. از ارسال مقاله‌های کپی شده خودداری کنید.
 ۶. چکیده‌ی مقاله در حداکثر ۲۰۰ کلمه با مقاله همراه شود.
 ۷. منابع تحقیق به ضمیمه‌ی مقاله ارسال شوند.
 ۸. عنوان شغلی و مدرک تحصیلی نویسنده درج شود. ممکن است مدارک لازم درخواست شود.

نکات دیگر

تحقیقات و پایان‌نامه‌های دانشجویی را برای این مجله نفرستید. شما باید بتوانید کل مطلب پژوهش خود را در قالب مقاله‌ای ژورنالیستی و با رعایت حجم گفته شده تنظیم و ارسال کنید.
 از آنجا که مطالب هر شماره از ماهنامه سه ماه قبل از انتشار کامل می‌شوند، لطفاً پس از ارسال مقاله برای نتیجه‌ی آن صبر کنید.
 ممکن است مطالب ارسالی شما در سال بعد استفاده شوند. ماهنامه تعهدی در قبال انتشار مقاله‌ی شما ندارد. هر چه مقاله‌ای محکم‌تر، مستدل‌تر و به‌روزتر باشد، اقبال بیشتری برای انتشار آن وجود دارد. ماهنامه در انتخاب، تلخیص و ویرایش مطالب منتخب خود آزادی کامل دارد. در صورت ارسال با رایانامه، در بخش موضوع رایانامه نام مقاله و نویسنده ذکر شود. شماره تلفن و نشانی در اصل مقاله تایپ شود. متن خود را در قالب فایل «ورد» به رایانامه الصاق کنید. فایل «پی‌دی‌اف» نفرستید.
 برای آثار ترجمه‌ای، لطفاً متن زبان اصلی اثر را همراه فایل ترجمه، به رایانامه ضمیمه کنید و مختصری از زندگی‌نامه و آثار دیگر نویسنده‌ی اصلی را هم بفرستید.



جش تولید



پاسخ به نامه‌های همکاران و مخاطبان محترم مجله

در این صفحه کارشناسان مجله به نامه‌های رسیده پاسخ می‌دهند.

همراهان و مخاطبان گرامی می‌توانند سؤالات و نظرات، مقالات و هر نوع فعالیت خود را در قالب نوشته یا تصویر از طریق راه‌های ارتباطی مشخص شده در نشریه برای ما بفرستند. پیشنهاد ما فرستادن مطالب از طریق ایمیل مجله به نشانی زیر است: ebtedayi@roshdmag.ir

دوستان گرامی حتماً نام و نام خانوادگی، نشانی محل زندگی و کار، عکس و شماره تلفن و نشانی الکترونیک خود را در نامه‌ها و مطالب ارسالی قید فرمایید.

● مرتضی پورشیرازی، آموزگار.

در ارتباط با تحلیل محتوای ریاضی پنجم به روش ویلیام رومی مطلبی فرستاده‌اید که از شما تشکر می‌کنیم.

● سمیه کارزاری، مینا رئیس‌زاده. دبستان شهید مدنی، اصفهان.

مقاله‌ی «مطالعه‌ی تأثیر آموزش دانش رباتیک بر میزان یادگیری درس ریاضی پایه سوم» را برای مجله فرستاده‌اید. آموزگاران و مخاطبان گرامی در نظر داشته باشید، مقالات پژوهشی دانشگاهی و حجیم را به‌طور خلاصه و به زبان ساده به دفتر مجله ارسال کنید. یادآور می‌شود، ارسال تجربه‌های کلاسی و یادداشت‌های یک یا دو صفحه‌ای را فراموش نکنید.

● سمیه ولی‌زاده.

«تدریس ریاضی به کمک خلاقیت و مهارت با رویکردهای سند تحول...»

● محسن آرزوی.

«رابطه‌ی بین درگیری والدین، نیازهای اساسی روان‌شناختی دانش‌آموزان و درگیری تحصیلی»
این ترجمه پژوهشی بود که دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه را مدنظر قرار داده بود.

● سیده سهیلا ظاهری / ایلام، دبستان الزهرا (س).

«سفره‌ی هفت‌سین کلاسی» تجربه‌ی خوب اما بلند بود. لطفاً تجربه‌های خود را در یک صفحه ارسال دارید.

نکته: پاسخ‌های شما می‌تواند در هر قالبی، اعم از داستان، یادداشت و تحقیق، یا مقاله، خاطره و حتی شعر و نقاشی انجام گیرد و به دفتر مجله فرستاده شود. نظر به اهمیت تعامل و همدلی گروهی و اجتماعی در این روزها، در این حرکت فرهنگی با ما همراه شوید و نظرات و جواب‌های ارزشمند خود را از طریق ایمیل یا پست به نشانی مجله ارسال دارید.

تعامل در مبارزه

طبق مبانی جامعه‌شناسی برنامه‌ی درسی ملی، انسان محکوم و تابع تغییرات اجتماعی نیست، بلکه در موقعیت خویش و در بحران‌های اجتماعی از امکان و توان لازم برای هدایت و دخل و تصرف در مؤلفه‌های تحولات اجتماعی برخوردار است. برنامه‌ی درسی ملی به دنبال ایجاد رابطه‌ی تعاملی است و باید به ایجاد تعامل و توازن در جامعه و آگاه کردن متریبان در ایفای نقش مسئولانه در جامعه کمک کند. اکنون با توجه به مؤلفه‌های تحولات اجتماعی و رابطه‌ی تعاملی مورد نظر اسناد بالادستی از جمله برنامه‌ی درسی ملی و مطالبی که در صفحه‌ی ۱۰ و ۱۱ این شماره و شماره‌ی قبل خواندید، به‌عنوان آموزگار یا ولی دانش‌آموز، بنویسید:

۱. از نگاه شما، تربیت اجتماعی و مراحل جامعه‌پذیری در میان دانش‌آموزان شما به چه صورت‌هایی امکان‌پذیر است؟

۲. در موقعیت‌های خاص همانند فراگیر شدن یک بحران کرونا، رابطه‌ی تعاملی و همکاری در مبارزه با این نوع رخدادها چگونه می‌تواند ایجاد شود؟

مهلت ارسال پاسخ‌ها: تا ۳۰ دی‌ماه ۱۳۹۹



بادر و دیوار سختگو

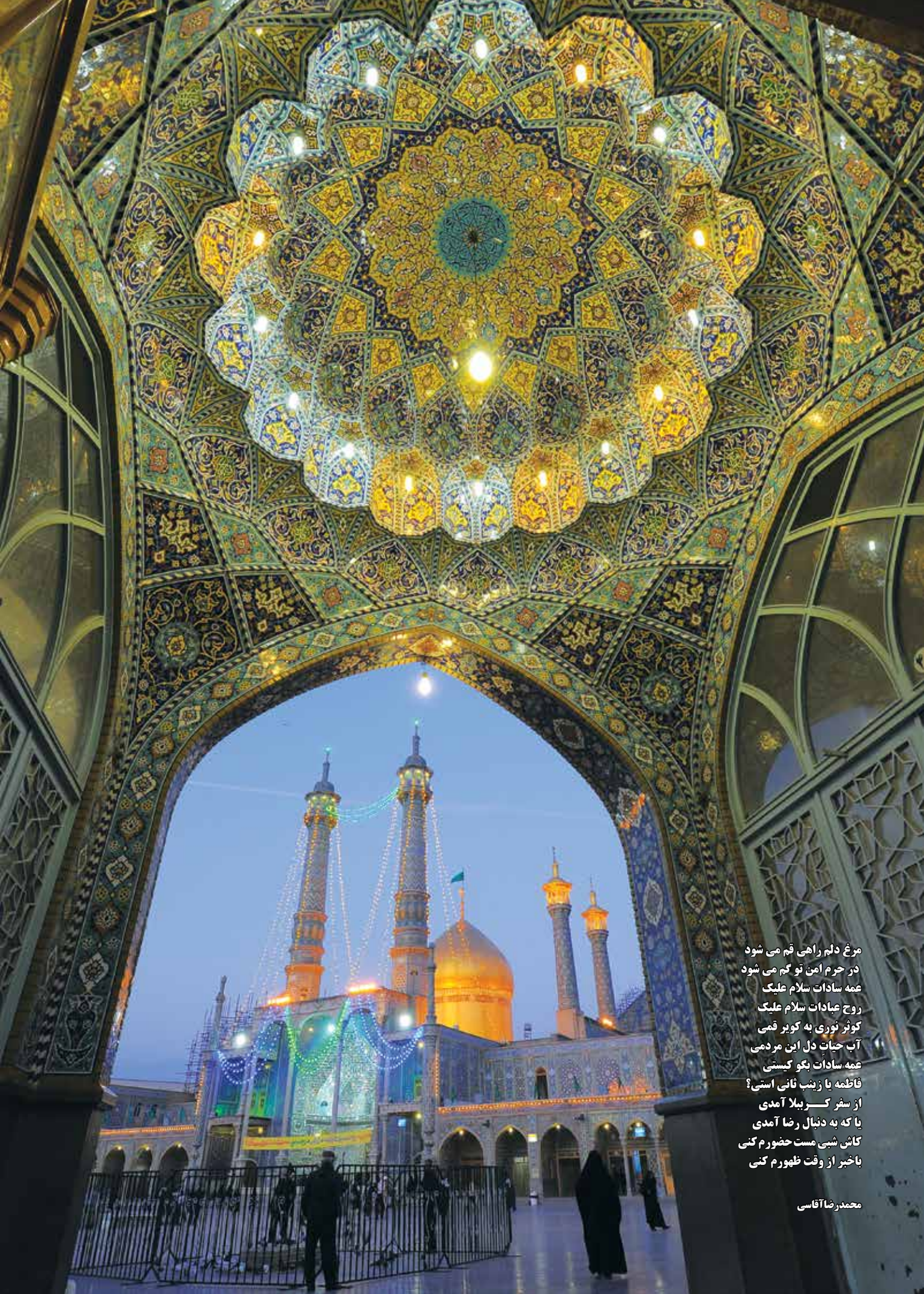
بیاموزید می‌توانند فضاهای کاملاً معمولی را به بوم تبدیل کنند و با استفاده از تخیل خود ایده‌هایشان را با تجربه‌ها و احساساتشان پیوند دهند تا معنای عمیق‌تری بیابند! شاید زمان آن رسیده باشد که از روش‌های معمولی و همسان، و کپی کردن از روی دیوارهای مدرسه‌های دیگر دوری کنیم. نوآوری می‌تواند هر چه را که هر روز بدون فکر از آن عبور می‌کردیم، بگیرد و معنای جاندارتری به آن ببخشد.

افزودن کمی رنگ و لعاب به دیوارها با نقاشی‌های باریط و بی‌ربط، بدون خلاقیت و شلوغ‌کاری بیش از حد برای تزئین، جز هدر دادن سرمایه، وقت و فضا، چیز دیگری به همراه ندارد. ایده‌ی شگفت‌انگیز حتماً پیچیده نیست. ایده‌های ساده، چنان‌که در این عکس مشاهده می‌کنید، بسیار تأثیرگذارند. آثار هنری فقط برای شکستن یکنواختی دیوارها نیستند، بلکه برای الهام بخشیدن هستند؛ برای اینکه به دانش‌آموزان



اعظم لاریجانی

تابلوها، پوسترها، نقاشی‌های دیواری و ... کلاس را فقط تزئین نمی‌کنند، بلکه آن را تعریف می‌کنند؛ به گونه‌ای که زیبایی‌شناسی کلاس در توانایی آن برای تمرکز، آرامش و یادگیری مؤثر خواهد بود.



مرغ دلم راهی قم می شود
در حرم امن تو گم می شود
عمه سادات سلام علیک
روح عبادات سلام علیک
کوثر نوری به کویر قمی
آب حیات دل این مردمی
عمه سادات یگو کیستی
فاطمه با زینب نانی استی؟
از سفر کربلا آمدی
با که به دنبال رضا آمدی
کاش شبی مست حضورم کنی
باخبر از وقت ظهورم کنی

محمدرضا آقاسی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر نشریات و فناوری آموزشی

روش‌د

«اپلیکیشن مجلات
رشد راه‌اندازی شد»

امکانات اصلی برنامه

- دسترسی به آخرین مجلات منتشر شده
- مشاهده آرشیو هر مجله به صورت دسته‌بندی شده
- مشاهده مشخصات هر مجله (فهرست مطالب، پدیدآورندگان و...)
- دانلود رایگان مجله جهت مطالعه آفلاین درون برنامه (بدون نیاز به اینترنت)
- نشان کردن مجلات برای سرزدن یا دانلود در آینده
- ارسال نوتیفیکیشن در زمان بارگذاری مجله جدید
- نظرات کاربران

